

اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

نقد منابع اطلاعاتی

شناخت مفاهیم، ساختار، ماهیت و معیارهای نقد

نویسنده

فریبرز درودی



خانه کتاب

آذر ۱۳۹۱

سرشناسه: درودی، فریبرز، ۱۳۴۶
 عنوان و نام پدیدآور: نقد منابع اطلاعاتی: شناخت مفاهیم، ساختار، ماهیت و معیارهای نقد/ نویسنده
 فریبرز درودی.
 مشخصات نشر: تهران: خانه کتاب، ۱۳۹۱.
 مشخصات ظاهری: ۲۱۵ ص؛ ۵/۱۴×۲۱ س م.
 فروست: خانه کتاب؛ ۳۳۵. جشنواره نقد کتاب؛ ۳۷.
 شابک: ۰-۹۵-۲۲۲-۶۰۰-۹۷۸ ۶۵۰۰۰ ریال
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا یادداشت: کتابنامه: ص. [۲۱۱]-۲۱۵.
 موضوع: نقد
 موضوع: نقدنویسی
 موضوع: نقد کتاب
 شناسه افزوده: خانه کتاب
 رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۱ ن ۷ ۴ د ۸۱/۱ PNA
 رده‌بندی دیویی: ۸۰۱/۹۵ شماره کتابشناسی ملی: ۳۰۰۴۴۶۷



عنوان: نقد منابع اطلاعاتی (شناخت مفاهیم، ساختار، ماهیت و معیارهای نقد)

نویسنده: فریبرز درودی
 ناشر: خانه کتاب
 نوبت چاپ: اول - آذر ۹۱
 شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
 قیمت: ۶۵۰۰۰ ریال
 شابک: ۰-۹۵-۲۲۲-۶۰۰-۹۷۸
 لیتوگرافی، چاپ و صحافی: چاپ سروش

تهران: خیابان انقلاب، بین صبا و فلسطین جنوبی، شماره ۱۰۸۰، مؤسسه خانه کتاب،
 تلفن: ۸۱۳۴۲۹۸۵

تقديم به

همسر و فرزند عزيزم

مقدمه

یکی از اصول بدیهی معرفت‌شناسی این است که معرفت بشری آمیخته به خطا و لغزش‌هاست و برای کشف حقایق و حرکت رو به جلوی نظریات می‌بایست به بازنگری آنها پرداخت، از کاستی‌ها و کژی‌ها پرده برداشت و خلأها را پُر کرد. از اینجاست که نقد ضرورت می‌یابد. نقد در صورتی که بر اصول علمی منطبق باشد و از انگیزه‌های غیرمعرفتی عاری، از لوازم رشد و بالندگی به شمار می‌آید. به همین دلیل صاحبان اندیشه باید خود به استقبال نقد بروند و هم‌پای با منتقد تیزهوش دانای متعهد مسیر پرپیچ و خم اندیشه‌ورزی را پشت سر گذارند و موانع را مرتفع سازند.

در جامعه کنونی ما نقد کتاب شاید عمری پنجاه ساله داشته باشد. در طی این نیم قرن، جریان نقد فراز و نشیب‌های فراوانی داشته است. آسیب‌شناسی این پدیده حاکی از آن است که جدای از عوامل جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و حتی سیاسی، بیشتر کسانی که گام در این وادی نهاده‌اند، با اصول و مبانی آن آشنایی نداشته‌اند و با تکیه بر این قاعده نانوشته «خود راه بگویدت که چون باید رفت» نقدنویسی را آغاز کرده‌اند.

دبیرخانه جشنواره نقد کتاب در این راستا بر آن شد تا با برگزاری کارگاه‌های آموزش شیوه و اخلاق نقد، و نیز انتشار آثاری در این زمینه، در حدّ توان اندک خود به این مهم بپردازد.

دفتری که پیش روی خوانندگان گرامی گشوده شده است، در راستای اهداف یادشده، به قلم جناب آقای دکتر فریبرز درودی به رشته تحریر درآمده و در آن به مباحثی چون ساختار نقد، معرفت شناسی نقد، مؤلفه‌های اصلی نقدنویسی، و آسیب‌شناسی نقد پرداخته شده است. امید آن که مورد پذیرش ارباب معرفت قرار گیرد.

برخود فرض می‌دانم از تمامی کسانی که در به فعلیت رسیدن اثر حاضر مشارکت داشته‌اند، قدردانی نمایم: جناب آقای دکتر فریبرز درودی (نویسنده اثر)، جناب آقای علی شجاعی صائین (مدیرعامل مؤسسه خانه کتاب) و همکاران سختکوش این مؤسسه بویژه، کارمندان واحد انتشارات و سرکار خانم مژگان حقانی.

علی اوجبی

فهرست مندرجات

پیشگفتار.....	۱۳
---------------	----

فصل اول: مفاهیم و ساختار نقد

آغازین سخن در باب نقد.....	۱۹
معنا و مفهوم نقد.....	۲۱
تاریخچه نقد.....	۲۴
اهمیت نقد.....	۲۸
شکل گیری و تکوین نقد.....	۲۹
تاثیر نقد.....	۳۰
کاربرد نقد منابع اطلاعاتی.....	۳۱
روش مندی نقد.....	۳۲
ساختار کلی نقد.....	۳۴
هسته ی اصلی نقد.....	۳۶
نقد و توسعه علمی.....	۳۷
توانایی ناقد.....	۳۸
ارائه بهترین درک از اثر.....	۳۹
رعایت انصاف و فضائل اخلاقی.....	۴۰
نتیجه گیری.....	۴۱

فصل دوم: معرفت شناسی نقد

تحلیل فکر.....	۴۵
پویایی فرایند نقد.....	۴۶
قضاوت در نقد.....	۴۷

۴۸	درک صحیح از متن.....
۴۹	نقد: فرایند تحلیل و تفسیر.....
۵۰	نقد: تعامل عقل فردی و جمعی.....
۵۱	شروح توصیفی و ارزشی.....
۵۲	جریان تفکر انتقادی.....
۵۶	پوپر و اندیشه انتقادی.....
۶۰	برداشت‌های متفاوت از فرایند نقد.....
۶۱	تحول اطلاعاتی: دگرگونی شناخت و برداشت‌ها.....
۶۳	معناداری گزاره‌ها و نقد متن.....
۶۴	مقوله‌ی شناخت، تفسیر و استقلال متن.....
۶۶	تاثیر اندیشه و برداشت ناقد از نقد.....
۶۸	ارتباط میان متن، معنا و نقد.....
۷۰	نسبیت و تحلیل متن.....
۷۲	مبانی علمی و ارزیابی متن.....
۷۵	نتیجه‌گیری.....

فصل سوم: مولفه‌های اصلی در نگارش نقد

۸۱	سنجش اعتبار نقد.....
۸۲	نکته‌ی اول و کلیدی در نقد.....
۸۴	انتخاب صحیح.....
۸۵	روش بررسی نقد.....
۸۶	مطالعه دقیق و دوباره متن.....
۸۷	تشریح و تحلیل عناصر اصلی متن.....
۸۹	شخصیت علمی پدیدآورنده(گان).....
۸۹	شیوه‌ی معرفی اثر.....
۹۱	روش تجزیه و تحلیل متن.....
۹۲	اهمیت عنوان.....
۹۳	بخش‌بندی اثر.....
۹۴	تحلیل موضوع.....
۹۵	سطح نگارش.....
۹۵	ارتباط ساختاری میان بخش‌ها.....

هسته‌ی اصلی بحث	۹۶
شیوه‌ی پردازش متن	۹۶
بررسی استنادها	۹۷
بررسی صحت اطلاعات مندرج در نقد	۹۸
استفاده از متون معتبر و نظر ناقدان دیگر	۹۸
کاربرد روش‌های اثربخش در درک متن	۹۹
استفاده از شیوه‌های بیان دیداری	۱۰۰
رعایت چارچوب منطقی در توضیح مباحث	۱۰۱
میزان ارتباط بحث با طرح کلی اثر	۱۰۱
تبیین رویکرد پدیدآورنده(گان) در نگارش	۱۰۲
میزان تأثیرپذیری و تأثیرگذاری اثر	۱۰۳
جامع‌نگری متن	۱۰۳
اعتبار علمی اثر	۱۰۴
شیوه‌ی پرداخت منطقی	۱۰۴
آراء متخصصان و صاحب‌نظران	۱۰۵
محمل انتشاراتی نقد	۱۰۷
نسبی بودن تحلیل‌ها در نقد	۱۰۸
نتیجه‌گیری	۱۱۰

فصل چهارم: آسیب‌شناسی و آفت‌های نقد

نگارش اثربخش نقد	۱۱۵
آفت‌ها و مشکلات نقد	۱۱۸
احساس استغنائی ناقد	۱۱۸
آشنایی اندک ناقد نسبت به موضوع کلان اثر	۱۲۰
توجه بیشتر به لایه‌های ظاهری نقد	۱۲۱
بدگمانی و سوءظن نسبت به پدیدآورنده یا اثر	۱۲۲
عدم دسترسی به متن اصلی	۱۲۴
عدم بهره‌گیری از آرای صاحب‌نظران	۱۲۵
بی‌توجهی به مبانی علمی در حوزه موضوعی	۱۲۶
تایید صرف و تبلیغ اثر	۱۲۶
منفی‌نگری و تکذیب متن	۱۲۷

انتظار نامناسب و غیرمنطقی از اثر.....	۱۲۸
برداشت ناصحیح از مفهوم متن.....	۱۲۹
تدوین سریع نقدهای آماده.....	۱۳۰
وجود سوگیری.....	۱۳۱
توجه ویژه به آفت‌های نقد.....	۱۳۴
نتیجه‌گیری.....	۱۳۵

فصل پنجم: مقاله-نقد: سودمندی بیشتر

قالب اطلاعاتی نوین.....	۱۴۱
نقد علمی.....	۱۴۲
شالوده‌ی اصلی نقد.....	۱۴۴
معنا و کاربرد مقاله.....	۱۴۵
شیوه‌های مختلف تدوین نقد.....	۱۴۶
تعریف مقاله-نقد:.....	۱۴۸
هدف مقاله-نقد.....	۱۴۹
اهمیت و فایده‌ی مقاله-نقد.....	۱۴۹
ساختار مقاله-نقد.....	۱۵۰
کاربرد مقاله-نقد.....	۱۵۲
نویسندگان مقاله-نقد.....	۱۵۳
نتیجه‌گیری.....	۱۵۴
جمع‌بندی و تحلیل نهایی.....	۱۵۷
توضیح کاربردی در نمونه‌های نقد.....	۱۶۷
منابع.....	۲۰۹

پیشگفتار

نقد، عملی روش‌مند و مبتنی بر اصولی است که می‌تواند در دنیای نشر با سودمندی‌های قابل توجهی قرین باشد. نگارش‌های انتقادی، حیطه‌ای از فعالیت‌های تحلیلی در عرصه منابع اطلاعاتی است که در مجامع علمی از جایگاهی رفیع و ارزشمند برخوردار است. به رغم اهمیتی که نقد در میان انجمن‌های علمی و متخصصان رشته‌های گوناگون دارد، بررسی میزان سنجش اعتبار نقد نیز از حساسیت خاصی برخوردار است و ضرورت دارد تا بتوان با ارزیابی مناسب نقد به میزان صحت و اعتبار آن مبادرت ورزید.

برای تدوین نقد عالمانه، همواره باید به اصول و مبانی علمی انتقاد پایبند بود. نقد، اقدامی است که ناقد در آن می‌کوشد با تکیه بر مبانی علمی در آن حوزه تخصصی، به بیان نکات مهمی در اصلاح و تهذیب متن اقدام ورزد. در دوران نوین، با توجه به حجم عظیم نگارش‌های متعددی که در جهان انتشارات به دست ما می‌رسد، هیچ نوشته و اندیشه‌ای را فراتر از دایره ارزیابی و تحلیل نمی‌یابیم. زیرا هر تفکری، مجموعه برداشت‌ها و نتایجی است که از آراء و اندیشه‌های دیگران برآمده است. در این دریافت‌های متعدد از معنا، می‌توان احتمال بروز خطا را در بیان، و یا شرح پدیده‌ها محتمل دانست.

بنابراین، می‌توان با تکیه بر عوامل مهمی که در بررسی و تحلیل متن، مؤثر واقع می‌شود به نقد آثار مبادرت ورزید.

بر این اساس، تعیین عناصر اصلی و مهم برای تشخیص معتبر بودن نقد از زمره اقدام‌های بنیادی در این زمینه‌ی مطالعاتی است. این عوامل در ارتباط با مسائلی است که می‌تواند به سنجش میزان درستی اطلاعات مندرج در نقد منجر شده و خواننده با برخورداری از معیارهای مطلوب، به ارزیابی خوبی دست می‌یازد. در نقد منابع اطلاعاتی، بیش از هر مورد، میزان اعتبار، صحت و درستی نقد اهمیت دارد.

می‌توان اظهار کرد که نقد، مطالعه و بررسی متن در جهت تبیین ویژگی‌ها، مشخصه‌ها و بیان موارد مهم و تعیین‌کننده در زمینه قوت و ضعف محتوا و مفهوم اثر است. نقد منابع اطلاعاتی در راستای حفظ درستی اطلاعات، و کاهش لغزش‌های صادر شده انجام می‌پذیرد.

باید توجه داشت که ما در تحلیل اطلاعات همواره با برداشت خاص خود از آن روبرو هستیم. این، نکته مهمی است که در نگارش‌های انتقادی حتماً باید مورد عنایت قرار گیرد. درک و برداشت ما از منابع اطلاعاتی، لزوماً با مقصود و غرض پدیدآور آن یکسان نیست. گرچه متن دارای ساختاری مدون و مشخص است، ولی هرگز برداشت‌های انسانی یکسانی از آن صورت نمی‌پذیرد. در زمینه میزان درک مفهوم در مخاطب، همواره عواملی چون هنجارها، ارزش‌ها، ادراک و شناخت دخیل هستند. بر این اساس، دریافتی که یک مخاطب از متنی واحد دارد، ممکن است متفاوت با برداشت مخاطب دیگری باشد. این پدیده، سبب شده تا به سنجش درک مخاطب در دریافت اطلاعات از متن توجه بیش‌تری شود. حتی در هنگام تعامل رو در رو ممکن است با مواردی برخورد داشته باشیم که از سخنی که با منظور مشخص ادا می‌شود، برداشتی کاملاً مغایر صورت پذیرد. زیرا در بسیاری از موارد وجود ابهام در بیان، و یا امکان

برداشت معانی متفاوت از اطلاعات وجود دارد. با این حال، طرح این مورد به مفهوم آن نیست که نمی‌توان به رهیافت مشخصی در زمینه ارزشیابی متن دست یافت. فقط باید توجه داشت که ما با فرایندی به نام نسبیت در نقد مواجه هستیم که توجه و دقت بیش‌تر ناقد را در ارزیابی متن می‌طلبد. همچنین، باید توجه داشت که فعالیت نگارش انتقادی، مستلزم داشتن مهارت‌های نقد و مطالعه تحلیلی است.

اصول و مبانی انتقادی با مطالعه، شناخت و بینش عمیقی که ناقد در طول سالیان کسب می‌کند، شکل می‌گیرد. بر همین اساس، می‌توان اظهار داشت که نقد منابع اطلاعاتی، کاری خطیر، دشوار و دارای مسئولیت سنگین است. توانائی ناقدان با آشنائی بیش‌تری که درباره ویژگی منابع اطلاعاتی کسب می‌کنند، افزایش پیدا می‌کند. به هر اندازه که ناقد با شیوه‌های نقد و راهبردهای تحلیلی منابع آشنائی بیش‌تری داشته باشد، می‌توان امیدوار بود که در نگارش‌های انتقادی موفق‌تر باشد.

در این اثر تلاش کرده‌ام تا با کسب تجاربی که در زمان نگارش نقدهای کتاب به دست آورده‌ام، مفاهیم، ساختار و عناصر تاثیرگذار در نگارش نقد را توضیح دهم. همچنین به ماهیت و چیستی نقد پرداخته و مولفه‌های اصلی فرایند نقد را تبیین کنم. علاوه بر آن، به آسیب‌شناسی نقد مبادرت ورزیده و برخی از آفت‌های مهم را بازگو سازم. همچنین به یک شیوه‌ی برجسته در نگارش نقد، یعنی مقاله-نقد، اشاره کرده و کارکرد و اهمیت آن را بیان نمایم. پیش‌تر مقاله‌هایی در خصوص نقد منابع اطلاعاتی نوشته بودم که همان آثار زمینه شکل‌گیری این اثر را مهیا ساخت و انگیزه‌ای برای اینجانب به وجود آورد تا بتوانم با تدوین مجموعه‌ای از عوامل شکل‌گیری و سازنده نقد به طرح این متن مبادرت ورزم. بدون تردید این کتاب مقدمه‌ای کوتاه بر فعالیت سترگ

است که می‌تواند نقاط ضعف و خطاهایی در آن راه یافته باشد. مولف به گرمی نقدهای آینده را می‌پذیرد و نقد نقد را به دیده منت می‌پذیرد. در اینجا بر خود فرض می‌دانم که از توجه و لطف جناب آقای شجاعی صائین مدیر عامل محترم موسسه خانه کتاب، جناب آقای اوجبی، معاون محترم فرهنگی، جناب آقای دکتر مطلبی معاون محترم فناوری اطلاعات، سرکار خانم حقانی و دیگر عزیزانی که در ارتباط با نشر این اثر تلاش ویژه مبذول کردند، صمیمانه تشکر و قدردانی کنم.

فربرز درودی

فصل اول

مفاهيم و ساختار نقد

آغازین سخن در باب نقد

واژه نقد^۱ (سنجش) را، در برابر واژه Criticism (به یونانی Kritikos) به کار می‌بریم که به معنای داوری (قضاوت) کردن یا شناختن به منظور داوری کردن است. به سخن دیگر، Criticism هنر، فن، فراروند یا اصول داوری ادبی و آثار ادبی است. این، دانشی است که موضوعی عرضه شده را با اصول پذیرفته شده، یا اصول شناخته شده، مقایسه می‌کند و می‌سنجد.^۲ نقد واژه‌ای مبهم و چندسویه است؛ با ابهامی که اغلب دو علت دارد: نخست معانی مختلف این واژه، و دوم بار عاطفی گوناگونی که این واژه در گذر زمان به خود گرفته است.^۳ در نزد قدما مراد از نقد معمولاً این بوده است که معایب اثری را بیان کنند و مثلاً در این که الفاظ آن چه وضعی دارد یا معنی آن برگرفته از اثر دیگری است و به‌طور کلی از فراز و فرود لفظ و معنی سخن گویند.^۴ ولی کلمه نقد خود در لغت به معنی بهین چیزی برگزیدن و نظر کردن است در فراهم تا در آن به قول اهل لغت سره را از ناسره بازشناسند.^۵ در اصطلاح

1. Criticism

۲. در آئینه نقد، ص ۹

۳. اخلاق نقد، ص ۱۵

۴. نقد ادبی، ص ۲۵

۵. آشنایی با نقد ادبی، ص ۲۲

ادبیات، نقد تشخیص معایب و محاسن سخن است.^۱ از سوی دیگر، نقد در حقیقت عبارت از تعیین مقام، موقع و اصالت یک اثر است.^۲ نقد در واقع کاوش و جداسازی انتقادی ساختار، مباحث، و شواهد موجود در اثر است.^۳ با عنایت به ارائه تعاریف اولیه، می‌توان بیان کرد که یکی از راه‌کارهای موثر و سودمند برای اصلاح اندیشه، نقد است. نقد عبارت است از بررسی و سنجشی روش‌مند، به منظور اصلاح کاستی‌ها و تقویت نقاط قوت یک نوشتار و یا فکر. نقد این امکان را فراهم می‌سازد تا خواننده به لایه‌های متعدد متن توجه کند و فعالیتی مهم و باارزش است که می‌تواند قدرت تفکر آدمی را تقویت کند. همچنین با رویکردهای متفاوتی ظاهر می‌شود که می‌تواند تاثیری شگرف در بهبود معنای متن و ارتقای مفاهیم داشته باشد. نقد سبب شناسایی بهتر آثار مکتوب شده و به خواننده کمک می‌کند تا فهم بهتری از مضمون اثر به دست آورد.

سنت نگارش نقد در فرهنگ این مرز و بوم جایگاهی ممتاز دارد. از روزگاران پیشین اندیشمندان مشهور و بزرگ به نقد آثار گذشتگان پرداخته‌اند. این ویژگی به خصوص با رعایت اخلاق و موازین پذیرفته شده در حوزه‌های علمی، مورد پذیرش عموم آگاهان و متفکران بوده است. فرهنگ نقد و نگارش انتقادی در سده گذشته در جهان غرب با استقبال زیادی روبرو بوده است و فیلسوفان و اندیشمندان غربی به ارزیابی نظرات دیگران اقبال وافری نشان داده‌اند. این شیوه امروزه در جهان علم از فراگیری گسترده‌ای برخوردار شده و حجم قابل ملاحظه‌ای از آثار نوشتاری را به خود اختصاص داده است.

۱. نکته‌هایی از نقد ادبی، ص ۷

۲. چپستی نقد، ص ۱۳۲

معنا و مفهوم نقد

نقد، هنر، فن، فراروند یا اصول داوری ادبی و آثار ادبی است.^۱ فرزاد^۲ با تکیه بر مفاهیم بنیادی نقد اظهار می‌کند که نقد از دیرباز در معنای عیب‌جویی به‌کار رفته است. همچنین اسلامی^۳ بیان می‌کند که نقد حداقل دارای دو عنصر است و بی‌این دو، ما چیزی به نام نقد نخواهیم داشت. این دو عنصر عبارت است از: داوری و خرده‌گیری. ولی سخنور^۴ نقد را در چارچوب نقد ادبی تعریف کرده و بیان می‌کند که نقد ادبی^۵ عبارت است از تحلیل^۶، تفسیر^۷ یا ارزیابی آثار ادبی و به‌هیچ وجه مفهوم عیب‌جویی ندارد. نقد به مثابه تلاشی علمی، بیانگر چگونگی دریافت خواننده است، از آنچه در متن رخ می‌دهد. شمیسا^۸ نیز با عنایت به نقد ادبی که حیطه‌ی وسیع معنایی را پوشش می‌دهد، تصریح می‌کند: اما در دوران جدید مراد از نقد ادبی نشان دادن معایب اثر نیست (هر چند ممکن است به این امر هم اشاراتی داشته باشد) زیرا نقد ادبی به بررسی آثار درجه یک و مهم ادبی می‌پردازد و در این‌گونه آثار بیش از این که نقاط ضعف مهم باشد، نقاط قوت مطرح است. دستغیب^۹ نیز نقد را تحقیق و سنجش به منظور شناخت اثری هنری و فلسفی و شناخت ارزش آن نسبت به اصول کلی آن اثر معرفی می‌کند.

۱. در آئینه نقد، ص ۹

۲. در باره نقد ادبی، ص ۳۶

۳. اخلاق نقد، ص ۲۷

۴. نقد ادبی: شامل ده ترجمه و مقاله، ص [الف]

5. Literary criticism

6. Analysis

7. Commentary

۸. نقد ادبی، ص ۲۶

۹. در آئینه نقد، ص ۱۷

ولی در تعریف دیگر، نقد عبارت است از فعالیت نکته‌بینی، سخن‌سنجی، مطالعه و بررسی یک متن و تعیین نقاط قوت و ضعف آن. در نگارش‌های علمی، نقد، سنجشی روش‌مند و مبتنی بر مبانی تحلیل و بررسی مدون و سازمان‌یافته است که سبب افزایش اثربخشی و سودمندی آن می‌شود.^۱ علاوه بر آن، نقد می‌کوشد که بر سایه-روشن تأثرات حسی و ذوق، پرتوی نافذ بتاباند و بی‌آنکه به سرشت آنها آسیبی برسد آنها را با نور شناخت ناب پژوهش کند.^۲

شاید نخستین گونه از نقد، آنچه باشد که در فرایند خلق شعر و نظم بروز یافته است^۳ که شامل بررسی و تحلیل اندیشه‌های آدمی در قالبی دلپذیر و زیبا بوده است. نقد سپس در سایر انواع نوشته‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. آنچه که در فعالیت‌های تحلیلی و بررسی متون بیشتر استفاده شده، نقد ادبی است که کاربردی وسیع در حوزه تحلیل متون دارد.

در واقع، نقد یک رشته علمی است که شامل تفسیر متنی، پژوهش‌های تاریخی و اندیشه‌نظری می‌شود.^۴ هر یک از زمینه‌های موضوعی نامبرده می‌تواند به فربه شدن بیشتر مفهوم نقد منجر شود که در جای خود قابل مطالعه و توجه است.

تعاریف متعددی از نقد ارائه شده که در آثار گوناگون مکتوب می‌توان مشاهده کرد؛ ولی هسته‌ی اصلی و محور کلان مفهوم نقد به این معنا اشاره دارد که نقد فرایند تسهیل‌کننده و پیش‌برنده در توسعه علم است. از این منظر، نقد فعالیت مدون و نظام‌مند^۵ محسوب می‌شود که مبتنی بر روش‌شناسی علمی^۶ است. در واقع نقد، تحلیلی از متن است که در حوزه‌ی شناخت

۱. سخنی در باب نگارش‌های انتقادی: همراه با شرحی مختصر پیرامون آراء کارل پوپر در باره نقد منابع

اطلاعاتی، ص ۲۷۹

۲. فلسفه روشنگری، ص ۴۲۰

3. A history of literary criticism : from Plato to the present, p. 9

4. The character of criticism, p. 7

5. Systematic

6. Scientific methodology

حرفه‌ای، قابلیت‌های بالقوه و موجود در نوشتار را آشکار می‌سازد. بر همین اساس، باید اظهار کرد که نقد، به مثابه‌ی یک صافی^۱ عمل کرده و ناخالصی‌های متن را جدا می‌سازد. این فعالیت در قالب چارچوبی مدون، و مبتنی بر پالایش^۲ فقره‌های اطلاعاتی است. نقد می‌تواند در نقش معیاری برای سنجش اعتبار^۳ متن نیز در نظر گرفته شود و بر اساس آن، میزان صحت اطلاعات^۴ در بوته‌ی آزمون قرار گیرد. امروزه کاربرد نقد در جوامع علمی گسترش یافته و مجله‌های متعدد تخصصی، بخش‌هایی از فضای نشر خود را به این مقوله سودمند اختصاص داده‌اند. همچنین منابع مستقلی در ارتباط با نقد متون و منابع اطلاعاتی به چاپ می‌رسد که حاوی اطلاعات مفیدی در این حوزه‌ی مطالعاتی است.

ذکر این بیان نیز ضرورت دارد که نقد لزوماً مطرح ساختن نقاط منفی نیست، و سنجش عوامل صحت و درستی، استواری و قوت متن نیز جزئی جدایی ناپذیر از نقد به‌شمار می‌آید. باید توجه داشت که نقد از ویژگی دوگانه‌ای برخوردار است. یعنی می‌توان اثری را مورد مذاقه قرار داد و آن را درخور و شایسته شناخت، یا به صحت و اعتبار علمی آن تردید روا داشت. چنانچه بیشتر اتفاق می‌افتد نه آن را به سیاهی کامل، و یا سفیدی خالص متهم ساخت، بلکه ترکیبی از درستی، کم‌درستی و یا احیاناً نادرستی دانست، و صبغ‌ای از پوشش خاکستری بر قامت آن پوشاند. همچنانکه که وجود ما ترکیبی از همین عناصر و شباهت مطرح شده است، لذا به تبع آن، سخنان و

-
1. Filter
 2. purge
 3. Credibility
 4. Information accuracy

اندیشه‌های ما نیز ترکیبی از صحت و سقم بوده و به همین دلیل توجه به هر دو وجه در ارائه نقد علمی^۱ حائز اهمیت است.

تاریخچه نقد

برخی از عوامل مطالعه نقد ادبی (و عموماً فلسفی) پیش‌تر توسط افلاطون^۲ و ارسطو^۳ تصریح شده است^۴ و به تدریج با توسعه دانش و مهارت‌های علمی و ادبی گسترش یافته است. بررسی تاریخ نقد می‌تواند سیر تحول و تکامل فرایند نقد را به خوبی نشان دهد.

باید بیان کرد که مطالعه تاریخ نقد، محصولی از پژوهش‌های فلسفی نوین است^۵ که با مطالعه در آثار برخی از اندیشمندان کلاسیک چون افلاطون، ارسطو، سیسرو و هوراس^۶ ابعاد ویژه آن بهتر مشخص خواهد شد. همچنین بررسی این روند رو به رشد در ادوار بعدی تاریخ چون دوران رنسانس و پس از آن می‌تواند سبب درک مناسب‌تری از این فعالیت علمی شود.

همچنانکه می‌دانیم منشاء و نقطه آغاز نقد را به افلاطون نسبت می‌دهند و افلاطون معتقد بود که باید هنر خود را عرضه نماید، زیرا موفق به کشف چیزی شده بود که والا بود^۷. گرچه افلاطون تفکر انتقادی خویش را در باره شعر و ادبیات آغاز می‌کند، ولی این اقدام منشا و سرچشمه فعالیت بزرگ و عظیم را رقم می‌زند که بعد از او در عالم اندیشه به رشد و نمو می‌رسد.

-
1. Scientific Review
 2. Plato
 3. Aristotle
 4. Modern literary criticism and theory: a history, p.3
 5. The Cambridge history of literay criticism, p. x
 6. Horace

پس از او ارسطو به این وادی گام نهاد و تلاش کرد تا با ایجاد زمینه نقد و بررسی نسبت به آراء و اندیشه‌های مطرح شده موضع تحلیلی اتخاذ کند. در واقع ارسطو در این زمینه به ادامه راه استاد خود اهتمام ورزید و تلاش کرد تا اندیشه‌ای انتقادی نسبت به مبانی نظری فلسفه و معرفت‌شناسی ارائه دهد.

هر چند نظرات افلاطون همیشه در ورای ذهن ارسطو جای داشت، اما عمل برجسته ارسطو این بود که آنچه را در جستجوی آن بود از طریق بیان متافیزیکی در مقابل نقطه نظرهای استادش بیان نکرد، بلکه خود ادبیات را بررسی کرد^۱

از دوران آن سلاطین اندیشه به بعد نقد اندیشه از اهمیتی والا برخوردار شده و تلاش متفکران بعدی در راستای حفظ این سنت پسندیده همچنان از گرمی و اهمیت برخوردار بوده است. از آن دوران تا کنون نقد یکی از معیارهای مهم در حوزه تفکر به‌شمار می‌آید و نویسندگان بسیاری در باره آثار دیگر اندیشمندان به نگارش‌های تحلیلی و بررسی‌های انتقادی دست یازیده‌اند. این شیوه در طول تاریخ فرهنگ و تمدن بشری دستخوش تحول و دگرگونی بسیار شده است. روش‌های مختلف انتقادی و بررسی‌های تحلیلی، همواره در تهذیب و اصلاح متون موثر واقع شده و نقشی بی‌بدیل ایفا کرده است.^۲

پس از ارسطو باید از یکی از شخصیت‌های مهم یونانی یعنی هوراس نام برد که در این عرصه صاحب‌نظر است. توضیح این مطلب ضروری بوده که مکتب یونان نقشی به‌سزا در تدوین و تثبیت فرهنگ نقادی برعهده داشته است. در مطالعه تاریخ نقد به شخصیت برجسته و مطرح دانته آلیگیری^۳ برمی‌خوریم که در این زمینه در کنار تحلیل فلسفی، از اندیشه‌های دینی یاری می‌گیرد. همچنین باید از

۱. تاریخچه نقد ادبی، ص ۱۱

۲. تحلیل نقد، ص ۱۹

افراد صاحب‌نامی که پس از دانه در این حوزه به نگارش دست یازیدند نام برد که بوکاچو^۱ یکی از آنان است. او به تجدید حیات فرهنگ کلاسیک اهتمام داشته و در عرصه نقد ادبی به تلاشی درخور دست زده است.

پس از آن می‌توان به ناقدان دوره رنسانس اشاره کرد. در این دوره شخصیت‌های برجسته‌ای چون جان میلتون^۲، تامس هابز^۳، نیکلا بوآلو^۴، درایدن^۵ و پوپ^۶ در این وادی گام نهادند. نقش این اندیشمندان در رشد و ارتقای فرهنگ نقادی بسیار درخشان و برجسته است. در این میان نقد نئوکلاسیک انگلیسی که دارای اهمیت زیادی است، به سموئل جانسون^۷ ختم می‌شود.

تاریخ نقد از آغاز رنسانس تا نیمه قرن هجدهم مشتمل است بر تثبیت، تکمیل، و گسترش دیدگاهی در باره‌ی ادبیات^۸. این دیدگاه در طول تاریخ دستخوش دگرگونی‌هایی شده و تحول به‌سزایی در شیوه‌ها و روش‌های نقد ایجاد کرده است. چنانچه این تغییر در آثار شخصیت‌های مهم دیگر قابل مشاهده است.

از دیگر ناقدان بزرگ باید از ویکتور هوگو^۹، گوته^{۱۰}، والت ویتمن^{۱۱}، و امیل زولا^{۱۲} نام برد. یکی از ناقدان بزرگی که نسبت به همه چیز شک کرد و دیدگاهی کاملاً انتقادی مطرح ساخت، آناتول فرانس^{۱۳} است. سپس باید به ناقد

1. Boccaccio
2. John Milton
3. Thomas Hobbes
4. Nicolas Boileau
5. Dryden
6. Pope
7. Samuel Johnson

۸. تاریخ نقد جدید، ج. ۱، ص ۴۰

9. Victor Hugo
10. Goethe
11. Walt Whitman
12. Émile Zola
13. Anatole France

بزرگ دیگری که در حوزه اعتراض اخلاقی به هنر شهره است اشاره کرد که او کسی نیست جز لئو تولستوی^۱. کارل مارکس^۲ نیز یکی دیگر از ناقدان مهم بوده که انتقادهای خود را در قالب مکتب مارکسیسم مطرح ساخته است.

علاوه بر آن باید بیان کرد که فرهنگ نقادی در جهان اسلام نیز از اهمیت بسیار بالایی برخوردار بوده است. نگارش حاشیه بر آثار دیگران، تفسیر و تاویل متون، تحلیل نظریه‌ها و اندیشه‌هایی که توسط سرآمدان علم مطرح شده، یکی از ویژگی‌های خاص فرهنگ اسلامی است. در جهان اسلام نه تنها آثار دانشمندان اسلامی، بلکه آراء اندیشمندان یونانی و به‌نوعی اندیشه‌های متفکران غربی مورد مذاقه و بررسی ژرف قرار گرفته است. بزرگانی چون ابوعلی سینا، امام محمدغزالی، خواجه‌نصیرالدین طوسی، ابن‌خلدون، ابوریحان بیرونی و خواجه شمس‌الدین محمد حافظ از زمره شخصیت‌های برجسته علمی و فرهنگی در جهان اسلام هستند که به فرهنگ نقد و تحلیل آراء دیگران اهمیت زیادی داده و به ارزیابی اندیشه‌های سایر دانشمندان و بزرگان توجه داشته، و به ارائه نظریه‌های نوین همت گمارده‌اند.

از فعالیت‌های فکری انتقادی در دوران معاصر و در عرصه نقد منابع اطلاعاتی باید به آثار کارل ریموند پوپر^۳، فیلسوف علم اشاره کرد که دارای اندیشه‌های مهمی است. همچنین جورج سوروس^۴ در حوزه آزادی اندیشه و جامعه باز^۵ دارای تفکر برجسته‌ای است که در کنار آراء پوپر در فعالیت‌های تحلیل اطلاعات مورد استفاده قرار گرفته است.

-
1. Leo Tolstoy
 2. karl marx
 3. Karl Raimund Popper
 4. George Soros
 5. Open society

اهمیت نقد

نقد همواره با توجه به اهمیت اثر مورد نظر انجام می‌پذیرد. هرگاه که منبعی علمی یا اطلاعاتی توسط یکی از متخصصان و اندیشمندان نقد می‌شود، این فرایند حاکی از ارزشی است که ناقد^۱ برای آن اثر قائل است. به تعبیر دیگر ناقد آن اثر را در حدی می‌داند که شایسته توجه و صرف وقت بوده، و در باره آن مطلبی نوشته است. این نکته‌ای است که صاحبان آثار علمی باید به آن توجه داشته باشند که نگارش آنان به اندازه‌ای از اهمیت برخوردار بوده است که دیگران را بر آن داشته که در باره آن بنویسند و اظهارنظر کنند. بنابراین هرگاه نقدی در باب منبع و یا متنی تهیه می‌شود، از این حیث که توجه متخصصان را به خود جلب کرده، مایه مباهات صاحب اثر است، مگر آنکه انگیزه و بازتاب عملکرد ناقد غیرعلمی و بر مصالحی بنا شده باشد که شائبه اعمال همزاد با رذائل اخلاقی را جلوه‌گر سازد. حتی در این حالت نیز شایسته آن است که ما توجه به مطالب نقد مطرح شده داشته باشیم، زیرا که ممکن است واقعیاتی در قالب بغض بیان شود که صرف‌نظر از نیت ناقد، حاوی نکات ارزشمندی برای اصلاح و برطرف ساختن کاستی‌های متن باشد، که در آن‌صورت بهره‌گیری از انتقاد صحیح به سود نویسنده اثر خواهد بود.

هر چه اهمیت موضوع بیشتر باشد، میزان توجه به اثر افزون خواهد شد. بنابراین برای سنجش و آزمون اعتبار و تاثیرگذاری یک نوشتار، می‌توان از میزان اقبال و توجه به نقد آن اثر، به عنوان یک عامل مهم در تحلیل آن بهره گرفت. به تعبیر دقیق‌تر هر چه بیشتر به یک مکتوب پرداخته شود، می‌توان آن را دلیلی بر مهم بودن آن اثر دانست.

نقد منابع اطلاعاتی^۱ از نظر معرفت‌شناسی مبتنی بر اصولی است که چرایی و بررسی آن را می‌توان در قالب معیارهای شناخت انسانی، و قواعد فلسفی جستجو کرد. از این منظر بسیار مهم است که به ابعاد معرفتی در نقد متون عنایت داشت و با توجه به تحلیل و ارزشیابی منبع اطلاعاتی به پالایش متن اقدام ورزید. عمل نقد در جهان نوین از جایگاه خاصی برخوردار است و تلاش ناقدان برای اصلاح منابع اطلاعاتی در تمامی عرصه‌های علمی و فنی، زمینه‌ای برای ارتقای دانش بشری محسوب می‌شود.

شکل‌گیری و تکوین نقد

ظهور نقد همواره با توجه به زمینه و بستری است که اثر در آن ارائه می‌شود. یعنی منبع، با عنایت به نگارش‌های موجود مورد بررسی قرار می‌گیرد. هیچ نوشته‌ای در خلاء واقع نشده، بلکه انعکاسی از دنیای بیرونی است که تظاهر عینی پیدا می‌کند. ناقد باید به این نکته اساسی توجه کند که اثر ارائه شده، در میان آثار موجود در آن زمینه موضوعی چه جایگاهی دارد. باید تأکید کرد که این سخن به مفهوم بی‌توجهی به محتوای منبع نیست، بلکه مراد آن است که هر نگارشی را باید در ظرف زمانی و مکانی خود سنجید. در بررسی‌های تاریخی نقادانه که به مطالعه تحلیلی در سیر فرایند و یا جریانی پرداخته می‌شود، به ویژه در آثار مربوط به حوزه علم و فناوری، لزوماً باید با دقت و وسواس بیشتری انجام پذیرد. زیرا پیشرفت دانش در طول زمان گره از بسیاری مشکلات و معضلات می‌گشاید، که در آن زمان آشکار نبوده است. نقد منصفانه باید محدودیت‌های مکانی و زمانی را در نظر داشته باشد. ای بسا که مولف آن اثر نیز اگر امروز به نگارش دست می‌زد، به همین نتایج رهنمون می‌شد؛ و یا به عکس آن، ناقد نیز در زمان گذشته به این

اندیشه دست نمی‌یافت. این بیان به هیچ وجه به معنای آن نیست که با گذشت زمان شرایط متفاوت شده و لذا تحلیل نیز دگرگون شده است، و یا نباید به نقد آثار پیشینیان و زمان گذشته دست زد، بلکه مراد آن است که انصاف علمی حکم می‌کند که اثر مورد بررسی با توجه به یافته‌های روزی که در اختیار قاطبه متخصصان بوده است، در دایره ارزیابی قرار گیرد.

انگیزه نگارش نقد معمولاً با بروز و ظهور نکات قوت و یا ضعف، ایجاد اختلال در درک یک مفهوم، کمبود اطلاعات ضروری و مورد نیاز، برداشت ناصحیح و ناتمام از موضوعی که مطرح شده است، معرفی و ارائه یک اثر برجسته و اثربخش، و یا اهمیتی که مبحث نگاشته شده در تکوین و پیشرف یک حوزه تخصصی در پی دارد، شکل می‌گیرد.

تأثیر نقد

بررسی متن ادبی را نمی‌توان یک فعالیت تک بُعدی به حساب آورد. بلکه باید فراسوی متن را هم مورد توجه قرار داد.^۱ این ابعاد شامل مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نیز می‌شود و ضرورت دارد تا در تحلیل نقد لحاظ شود. بنابراین نقد با یک جریان ارزیابی عمیق و گسترده روبروست که می‌توان آن را در جایگاه شایسته و والا قرار داد که با جنبه‌های اجتماعی تعامل و ارتباط مستقیم نیز دارد. در واقع ناقد علاوه بر جایگاه ادبی، یک شخصیت اجتماعی نیز دارد.

منتقد اجتماعی به تشریح عوامل سازنده نقد ادبی می‌پردازد^۲ و کوشش می‌کند تا بتواند به عنوان یک شخصیت تأثیرگذار به ارائه اندیشه و نظر بپردازد. بنابراین می‌توان با تکیه بر نقد و تحلیل صائب، به طرح رویکردهای نوین نظری در باب متن اقدام ورزید.

۱. روش مطالعه ادبیات و نقدنویسی، ص ۱۰۵

۲. نکته‌هایی از نقد ادبی

برای دستیابی به درک مطلوب از مفاهیم مطرح شده در متون علمی و یا فنی، تهیه و انتشار نقدهای متون می‌تواند راه‌گشا باشد. هم با برخورداری از آثار و نوشته‌های موجود در باره موضوعی خاص، و هم با تکیه بر آراء صاحب‌نظران، امکان تصحیح^۱ و ویرایش^۲ متن به شیوه‌ی مناسب‌تری مهیا می‌شود. نقد در جوامع علمی نقش میانجی و رابط میان اندیشه پدیدآورنده از یک‌سو، و دریافت و درک خواننده، از سوی دیگر را بر عهده دارد. در واقع موقعیت و عملکرد نقد، با مفهوم ویرایش علمی قرابت دارد. چنانچه پذیرفته شود که نقد توانایی ایجاد فضای تعامل اطلاعاتی را دارد، در آن صورت می‌توان قبول کرد که نقد در نقش پیونددهنده آرای مختلف ظاهر می‌شود. این پیوستگی میان اندیشه‌ها در صورتی محقق خواهد شد که ناقدان و خوانندگان بکوشند تا در فضای فکری مناسبی به تعامل بپردازند که سبب ایجاد نوعی مفاهمه و درک متقابل می‌شود.

اهمیت نقد بیشتر از حیث تاثیری است که بر اندیشه مخاطبان بالقوه‌ی متن برجای می‌نهد. این اثربخشی با ویرایش مفهومی متن هم‌سو است. نقد توانایی تحلیل و بررسی بهتر متن را برای خواننده به ارمغان می‌آورد و نظر او را به ابعاد و جنبه‌هایی جلب می‌کند که شاید قبلاً خیلی شناخته شده نبوده است. بنابراین نقد فرایندی ارزشمند برای تقویت قوه تفکر و طرح رویکردهای نوین است که در زمینه‌ها و عرصه‌های گوناگون شکل می‌گیرد.

کاربرد نقد منابع اطلاعاتی

نقد، فرایند اصلاح اطلاعات است. اطلاعات در صورت خدشه‌دار شدن در جنبه‌هایی چون: صحت و درستی، اعتبار، کاربرد، تاثیر، ارزش، و اثربخشی

1. Correction
2. Edition

می‌تواند سبب خسارت و زیان‌های فراوانی در زندگی بشر شود. از همین رو تلاشی وسیع در محیط‌های علمی برای سنجش و پیرایش آثار و متون علمی صورت می‌پذیرد. در صورتی که اطلاعات از طریق فعالیت ارزشیابی اصلاح نشود، بیم آن وجود دارد که در پاره‌های اطلاعاتی دیگری نفوذ کرده، و وسعت دامنه اطلاعات نادرست^۱ یا کم‌درست را گسترش دهد. اگرچه میزان صحت و درستی اطلاعات مراتبی دارد و می‌توان آن را در ابعاد مختلفی مطرح ساخت، ولی لزوماً باید توجه کرد که نقد با این بینش صورت می‌پذیرد که پدیده خشه و اختلال در ساختار اطلاعات را کاهش دهد.

در واقع، نقد فعالیتی علمی، تخصصی و مبتنی بر شناخت مناسب از حوزه‌ی موضوعی است که ناقد در آن زمینه به نگارش نقد دست می‌زند. بر این اساس، عمل نقد، اقدام برای اصلاح و ویرایش متنی است که از منظر ناقد، ارزش توجه و بررسی دارد. باید بیان کرد که نگارش نقد به مفهوم رسمیت بخشیدن به ارزش متن و عنایت به اهمیت موضوع است. ولی ضرورت دارد که همواره در نگارش‌های تحلیلی، نقادی در قالبی مدون و بر اساس هسته‌های مهم و کلی بحث شکل گیرد.

روش‌مندی نقد

نقد از زمره فعالیت‌های موثری است که منجر به اصلاح و ارتقای متن می‌شود. بر این اساس می‌توان انتظار داشت که با نگارش نقد مناسب و روش‌مند، پاره‌های اطلاعاتی^۲ مندرج در متن، در نوشتارهای بعدی بازنگری شده و یا در اندیشه خوانندگان مراحل ویرایشی آن به شکل ذهنی انجام پذیرد. در واقع باید بیان کرد که نقد فرایند تاثیرگذاری است که پایه‌های علمی متن را تحکیم

-
1. Wrong information
 2. Information pieces

می‌بخشد. نقد در مسیر تعامل^۱ و تبادل اطلاعات نقش پراهمیت‌تری ایفا می‌کند. از یک سو با تکیه بر مبانی علمی و معیارهای شناخته شده تفکر نظام‌مند، زمینه بحث و گفت‌وگوی منطقی را در جامعه فراهم می‌سازد؛ و از سوی دیگر خطاها^۲ و آفت‌های قابل مشاهده در نوشتارهای تخصصی را کاهش می‌دهد.

نکته مهم در تعریف نقد روشمند آن است که نقد یک فعالیت کاملاً عالمانه و به دور از هرگونه گرایش و سلیقه خاص ناقد است. معیار اصلی و دقیق در بررسی یک متن، و یا اثر علمی و تخصصی، توجه به ساختار علمی و مبانی پذیرفته شده در عرصه آن رشته تخصصی است. ناقد یا باید در این حوزه دارای آگاهی و دانش لازم بوده، و یا اینکه بتواند با مطالعه موضوعی و نیز مراجعه به نقدها و تحلیل‌های معتبری که در این حیطه به انجام رسیده، به نقد سالمی دست زند. طبیعی است که در هر حال ناقد نمی‌تواند در موضوعی که اظهارنظر می‌کند، خالی از اطلاعات بنیادی و پایه در آن موضوع باشد. ضرورت بهره‌گیری از نقدهای دیگران در حکم مشورت با عقل جمعی است. می‌توان با بررسی‌های گوناگونی که در یک حوزه معین به انجام رسیده است، و با جمع‌بندی کلی آن به نکته و یا نکات جدیدی آگاهی یافت.

نقد از یک سو با کاستی‌ها و گزاره‌های صحیح همنشین است و از سوی دیگر نسبتی با صحت و درستی اطلاعات دارد. نقد تلاشی روش‌مند برای افزایش درک صحیح از اطلاعات است. در نقد منابع اطلاعاتی مشخص ساختن ضعف‌ها و کاستی‌ها همانقدر ارزش دارد که تبیین صحت اطلاعات. بر این اساس نقد صرفاً بیان نکات ضعف اطلاعاتی نیست، بلکه تلاشی در راستای تثبیت اعتبار اطلاعات و درستی آن نیز به‌شمار می‌آید. همچنانکه

1. Interactive
2. Mistakes

نگارش یک مقاله علمی با تکیه بر روش‌شناسی انجام می‌پذیرد، در تدوین نقد نیز مراحل نگارشی با توجه به معیارهایی است که در آن باید رعایت شود. این معیارها و عناصر موثر در طول کتاب در قالب مولفه‌های اصلی توضیح داده خواهد شد.

ساختار کلی نقد

یک نقد شامل دویخش طرح اصول کلی و تجزیه تحلیل مشخص است؛ هدفها و شیوه‌هایی را مدنظر دارد. ساختار آن متشکل از رده بندی از زیر و مشخص، به فوق و کلی، منطق استنتاجی و استقرایی است. شواهد از اثر ادبی و قولها از کتب نظری برای اثبات ادعای نقاد ارایه می‌شوند. در نقد ادبی اصول معلوم قبلی بکار برده شده تا اصول نوین نهفته در یک اثر مشخص استخراج شوند.^۱ تودورف^۲ در کتاب نظریه‌ی ادبی دو گرایش اصلی را در خواندن متون ادبی از یکدیگر جدا دانست. گرایش نخست در خود متن ادبی، معنا را می‌جوید؛ دیگری هر متن را همچون بیان ساختاری تجریدی می‌یابد. تودورف مورد نخست را تاویل متن می‌خواند و عناوینی چون تفسیر، توضیح متن، خواندن و نقد را مترادف با آن می‌داند.^۳

ساختار نقد منابع اطلاعاتی بر اساس مولفه‌هایی شکل می‌گیرد که در تبیین نقد نقش اساسی و بنیادی دارند. بر این مبنا برخی از عوامل اصلی در نقد متون، چارچوبی را تشکیل می‌دهند که می‌توان با تکیه بر عناصر مهم نقد به تدوین ساختار مفهومی^۴ و نیز شکلی نقد مبادرت ورزید.

۱. نکاتی در باره نقد ادبی

2. Todorov

۳. Poétique, pp. 15-16 نقل در: ساختار و تاویل متن، ص ۱۷۳-۱۷۴

4. Conceptual structure

برای نگارش در باب نقد علمی کتاب و متون اطلاعاتی، دو محور عمده مورد توجه قرار می‌گیرد که عبارت است از:

۱. عوامل مهم و تاثیرگذار در ساختار نگارش و سطوح مربوط به آن؛ و ۲. عناصر مهم در تبیین محتوا و مفاهیم تخصصی متن. البته عناصر موثری در سایه‌ی این محورها و نیز در ارتباط با ارکان دیگری می‌توان مطرح ساخت. ولی همواره این دو رکن مهم در نگارش‌های انتقادی مرکز توجه و عنایت قرار دارند. هر یک از موارد نامبرده از اهمیت خاص خود برخوردارند و نمی‌توان هیچ‌یک را فدای دیگری کرد. در واقع، ساختار مفهومی در سایه ساختار شکلی انسجام پیدا می‌کند. این دو محور اصلی همواره در نگارش نقد باید در نظر گرفته شده و به شیوه‌ی مناسبی از آنها بهره گرفته شود.

نقد دارای ویژگی‌های خاص خود است و در تحلیل مبانی علمی، کاربردی پرنفوذ دارد. نقد علمی کتاب‌ها و منابع اطلاعاتی یکی از فعالیت‌های ضروری در حوزه‌های تخصصی محسوب می‌شود. امروزه این فعالیت موثر در بسیاری از عرصه‌های حرفه‌ای، در باره منابع اطلاعاتی مرتبط با رشته‌های دانشگاهی به انجام می‌رسد، و متخصصان موضوعی در این زمینه به نگارش‌های ارزشمندی دست می‌زنند. روش‌های متعدد نقد علمی در آثار ناقدان قابل جستجو و مشاهده بوده، و هر ناقدی با سبک خاص خود به نوشتن نقد می‌پردازد. برخی از ناقدان بر جنبه‌های خاصی تاکید بیشتری می‌ورزند و از ابعاد دیگری کمتر یاد می‌کنند. در نگارش‌های انتقادی تکیه بر محتوا و مفهوم متن بیش از سایر جنبه‌ها صورت می‌گیرد.

در شیوه‌های متعدد نگارش نقد، مرسوم آن است که ابعاد و ویژگی‌های متن بررسی و ارزیابی شود. از این نظر معمولاً توجه عمده به خود متن و شیوه‌ی تدوین آن است. لذا در قالب عناصر مختلفی که با معیارهای نقد در ارتباط است، تحلیل می‌شود. اما محور و هسته‌ی اصلی مباحث مطرح شده، در

باره نوشتاری است که توسط پدیدآورندگان آن اثر تنظیم شده است. در واقع بررسی متن، به نوعی نقدِ مولف یا مولفان است. البته این روش منطقی و مبتنی بر یک چارچوب مدون در ساختار نوشتارهای علمی است. ولی می‌توان با غنی‌سازی^۱ نوشتار انتقادی، به عرصه‌های دیگری نیز در این زمینه وارد شد.

هسته‌ی اصلی نقد

نقد در چارچوبی تحلیلی مطرح می‌شود که این قالب مدون می‌تواند در ارتباط با زمینه‌های مختلف موضوعی به نقش آگاه‌سازی خود بپردازد. در این رابطه باید بیان کرد که نقد با تکیه بر روشی سازمان‌یافته و متکی بر عناصر هسته‌ای شکل می‌گیرد که می‌توان آن را در حکم یک ساختار اطلاعاتی^۲ مستقل معرفی کرد.

از سوی دیگر، چیستی و ماهیت نقد به این نکته مهم راجع است که ناقد در فرایند نقد^۳، تلاش می‌کند تا بتواند به مفهوم و معنای واقعی در متن دست یابد. تمامی تلاشی که توسط نگارنده‌ی اثر برای بیان معنا انجام پذیرفته است، در زیر نگاه دقیق و تحلیل‌گرانه‌ی ناقد، تجزیه شده و مورد ارزشیابی^۴ قرار می‌گیرد.

نقد در ذات خود با قالب‌های تحلیلی^۵ قرین و همراه است. در ارتباط با چارچوب کلان نقد باید بیان کرد که عوامل هسته‌ای که تشکیل‌دهنده‌ی نقد علمی^۶ هستند، در ارتباط مستقیم و متعامل با یکدیگر قرار دارند. بر این اساس، نقد یک قالب اطلاعاتی-تحلیلی است که به اصلاح فقره‌های اطلاعاتی یاری می‌رساند. ساختار نقد، با فعالیت‌های نگارشی چون معرفی، تشریح، توضیح، تحلیل و ارزیابی شکل می‌گیرد. هر نقد، با توجه به سازه‌های اصلی

-
1. Enrichment
 2. Information structure
 3. Criticism process
 4. Evaluation
 5. Analytical formats
 6. Scientific criticism

تشکیل‌دهنده‌ی خود می‌تواند در حکم یک پیشینه‌ی اطلاعاتی^۱ مرتبط با اطلاعات سازمان‌یافته ظهور کند. نقد دارای ساختاری مدون و تثبیت شده است که از نظر شکلی و محتوایی، قالب‌های مشخصی را پوشش می‌دهد. یک نقد، علاوه بر مقدمه‌ای که در باب موضوع اصلی متن مطرح می‌سازد، به معرفی نویسنده و پدیدآورنده‌ی اثر پرداخته، موقعیت علمی و آثار مکتوب او را تشریح می‌کند. همچنین با معرفی و توضیح اثر خواننده را به شیوه‌ی مناسبی با موضوع و محتوای متن آشنا می‌کند. علاوه بر آن، دارای بررسی محتوایی متن است که ارزیابی و تحلیل مناسب از نوشتار را در بر می‌گیرد. نقد معمولاً نتیجه‌گیری و خلاصه‌ای^۲ موجز از کلیت متن ارائه می‌دهد که در شناخت مناسب خواننده از اثر موثر است. می‌توان بیان کرد که این نتیجه‌گیری حاوی نکات عمده‌ای است که چارچوب کلان نقد را مطرح می‌سازد.

نقد و توسعه علمی

نقد منابع اطلاعاتی از زمره راهبردهای^۳ موثر برای افزایش اثربخشی اطلاعات^۴ است. با توسعه و افزایش انتشارات علمی^۵، سنجش صحت اطلاعات و اعتبار منابع اطلاعاتی در حوزه‌های علمی دارای اهمیت به‌سزایی است. از همین‌رو، باید بیان کرد که نقد یکی از فعالیت‌های مهم در جریان نگارش متون علمی^۶ و تخصصی است که می‌تواند حاوی فواید قابل توجهی برای توسعه و پیشرفت علم باشد. از سویی با بررسی‌های مناسب و عملکرد بهینه در تدوین نقد می‌توان به دستاوردهای مطلوبی در حوزه‌های علمی دست یافت، و از سوی

-
1. Information record
 2. Summary.
 3. Strategies
 4. Information effectiveness
 5. Scientific publications
 6. Scientific text

دیگر با تکیه بر این عامل موثر می‌توان نقاط ضعف و کاستی‌های موجود در یک متن علمی را کاهش داد. نقد از زمره ابزارهای کاربردی در اصلاح اطلاعات محسوب می‌شود و با بهره‌گیری از آن امکان برطرف ساختن پاره‌ای از مشکلات در ساختار علمی وجود دارد. هدف از نقد کتاب ارائه ارزیابی انتقادی از کتاب بوده که عملی فکری است^۱. همواره در منابع مختلف، تعداد قابل توجهی نقد و متون تحلیلی منتشر می‌شود که هر یک از آنها به جنبه‌هایی از آثار تخصصی می‌پردازند. در این رابطه، سنجش میزان اعتبار نوشته‌های انتقادی از ملاک‌های مهم برای ارزشیابی علمی است که می‌توان با تکیه بر آن به پالایش اطلاعات مبادرت ورزید.

در واقع اعتبار نقد منابع اطلاعاتی از این نظر حائز اهمیت است که نقد، ارتباط مستقیمی با توسعه علمی^۲ دارد؛ یعنی نقدی که در باره‌ی یک متن به رشته تحریر درمی‌آید، می‌تواند منظری نوین و دیدگاهی اصلاحی بر یک اندیشه محسوب شود. لذا در زمینه‌ی پیشرفت حرفه‌ای^۳ تاثیر به‌سزایی از خود برجای می‌نهد. یکی از مسائلی قابل بررسی در این عرصه، بحث اعتبار نقدهای منتشر شده است. با بیان این مطلب می‌توان به نکاتی در خصوص شرایط و ویژگی‌های نقد منابع اطلاعات پرداخت تا دارای دقت بیشتری باشد.

توانایی ناقد

نقد با خود فرهنگی خاص پدید آورده و اندیشه را به بوته داوری و ارزش‌گذاری فراخوانده است. باید توجه داشت شخصی که دست به نقد می‌زند و در این وادی گام برمی‌دارد، باید دارای مهارت‌ها و توانایی‌های

-
1. Grande Prairie Regional College(website)
 2. Scientific development
 3. Professional development

متناسب علمی بوده و تلاش کند تا با تکیه بر دانش و توانمندی‌های مبتنی بر آن به بررسی و تحلیل مناسب متن مبادرت ورزد. ناقد و تحلیل‌گر، اصول انتقادی‌اش را بر اساس شناخت خود از ادبیات شکل می‌دهد^۱ و از این رو آگاهی او از مفهوم و محتوای متن امری ضروری است. ناقد با تکیه بر دانشی که در زمینه علمی مرتبط به‌دست آورده تلاش می‌کند تا در این عرصه به نگارش دست یازد و با بیان نکات ارزشمند در تحلیل و ارزیابی اثر به ارائه متنی سودمند مبادرت ورزد، تا هم نویسنده و هم خواننده متن بتوانند در تصحیح اندیشه و تفکر خویش از آن بهره گیرند.

ارائه بهترین درک از اثر

ناقد باید تلاش کند تا بهترین درک ممکن از اثر را داشته باشد. این شناخت البته به سادگی امکان پذیر نیست. چرا که متن ذاتا دارای ابعاد و پیچیدگی‌های خاص خود است. برای نگارش یک نقد مناسب، ابتدا ضروری است تا ناقد تلاش کند تا مناسب‌ترین و بهینه‌ترین شناخت ممکن را تجربه کند. بر همین اساس، داشتن روحیه مثبت برای تدوین نقد کمک بزرگی به شمار می‌آید. اگر ناقد بتواند درک بالاتری از متن داشته باشد، می‌توان امیدوار بود که در سنجش شاخص‌های خود کمتر به بیراهه گرایش پیدا کند. درک مناسب و بهتر از مفهوم متن به آن معناست که ناقد باید بر مبنای آن جنبه‌هایی از اثر به نگارش نقد دست زند که می‌تواند ادعا کند که شناخت مناسب‌تری از متن برای او حاصل شده است. این مورد شاید قدری ایده‌آلی باشد؛ ولی چنانچه ناقد بتواند بر اساس بهترین درک از اثر به نقد پردازد، می‌توان امیدوار بود که نقد از ارزش و اعتبار بالاتری برخوردار شود.

رعایت انصاف و فضائل اخلاقی

یکی از ارزش‌های پسندیده‌ای که در فرهنگ دیرین این دیار وجود داشته، رعایت انصاف علمی در نگارش متون و نقدهای مکتوب بوده است. بسیاری از حاشیه‌های رقم خورده، علاوه بر تفسیر و توضیح مطلب، حاوی نکات توضیحی و تشریحی در نقد و تحلیل اثر بوده است؛ به گونه‌ای که برخی اوقات این آثار به نوعی، تبدیل به نقد نامه‌های مفصلی شده است که حاوی نظرات و اندیشه‌های مولف آن به شمار می‌رود. نمونه بارز آن را می‌توان در اثر ملا محسن فیض کاشانی تحت عنوان "محجۃ البیضا" که در واقع شرح و نقد آراء امام محمد غزالی در کتاب ماندگار و بی بدیل احیاء العلوم الدین بوده است، مشاهده کرد. گفتنی است که مرحوم فیض خود صاحب نظری مشهور در زمینه اخلاق دینی است و کتاب او علاوه بر شرح و ارزیابی اندیشه‌های غزالی، حاوی نکات ارزشمندی است که این عالم معروف ارائه داده است. از نکات برجسته‌ای که به عنوان اخلاق نقد و انتقاد باید برشمرد، بی‌توجهی به نوع مذهب و اعتقاد صاحب اثر است. چنانچه یک عالم شیعی یعنی مرحوم فیض به بررسی و شرح تفکر امام محمد غزالی که اهل سنت بوده می‌پردازد. زیرا اثر آن بزرگوار را فراتر از اندیشه مذهبی مورد توجه قرار داده و از تعصبات بین مذهبی پرهیز کرده است. نظیر چنین اقدامی را می‌توان در فعالیت علمی شیخ محمد عبده ملاحظه کرد که برای نخستین بار به عنوان یک عالم اهل سنت به انتشار نهج البلاغه در مصر اقدام می‌ورزد. و این سنت ارزنده، شایسته توجه بیشتر است.

نکته دیگر در ارتباط با زبان نقد است که اگر به شیوه منصفانه و با معیارهای عالمانه نگاشته شده باشد، تاثیر به سزا خواهد گذاشت. پاره‌ای از نقدها به‌رغم درستی سخن و تحلیل انجام گرفته، آنچنان با نیش و تند قلم همراه بوده، که حتی پذیرش درستی اندیشه را نیز با اختلال مواجه ساخته است. زیرا سخن صحیح باید ظاهر نیکو نیز داشته باشد. خوشبختانه فرهنگ ایرانی از این لحاظ وضعیت

مناسبی دارد و حجم قابل توجهی از آراء انتقادی که در عرصه آثار مکتوب به رشته تحریر درآمده، از این خصلت پسندیده برخوردار بوده است. مورد دیگر در باب بی طرفی ناقد است. برای نگارش یک نقد علمی، ناقد نباید سوگیری داشته باشد. با غرض ورزی و جهت گیری های مغرضانه هیچ گاه نمی توان به یک اثر منتقدانه اطمینان کرد. این گونه برخوردها با آثار مکتوب همواره در طول تاریخ نقدنویسی وجود داشته است. در یک مورد ناقد محترمی در جمع خصوصی گفته بودند که فلانی در حال نگارش اثری تازه است، بگذارید کتابش را منتشر کند تا آشی برایش بپزم و نقدی بنویسم! این گونه از نقدهای آماده و از پیش تهیه شده مشخص است که همراه با بغض و عداوت تهیه شده است. البته به هر میزان که ناقد تلاش کند که نیت خصم آلوده خود را در نقد پنهان سازد، معمولاً آثار کینه در کلام وی آشکار خواهد شد. خوانندگان فرهیخته همواره به آراء انتقادی به دیده نقدانه می نگرند، و این شیوه ای است که سبب ارزیابی مستمر شده و در مجموع به سود اندیشه و تفکر پویا و رو به رشد است.

نتیجه گیری

نقد منابع اطلاعاتی یکی از فعالیت های مهم در محیط های علمی محسوب می شود. امروزه انواع آثار انتقادی به منظور تحلیل و بررسی اطلاعات ارائه شده در محمل های مختلف، منتشر می شود. ناقدان بر اساس دانش خویش و مبانی پذیرفته شده در رشته های متعدد علوم به فرایند نقد مبادرت می ورزند. نقد از زمره راه کارهای موثر برای سنجش صحت اطلاعات است. با تکیه بر این ابزار سودمند در حوزه تحلیل و بررسی متون، می توان بر برخی از مشکلات موجود در تولید اطلاعات غلبه کرد و به رفع چالش های پیش آمده پرداخت. نگارش نقد علمی یکی از فعالیت های روشمند و مدونی است که در عرصه فعالیت تخصصی و عالمانه جایگاهی ممتاز و معتبر دارد. باید توجه

داشت که هرگونه نگارش نقد بر آثار دیگران باید با رعایت بی‌طرفی و انصاف بوده و ناقد به آن حوزه تخصصی آگاهی و اشراف داشته باشد. شایسته است که کوشش ناقد همواره صرف اظهار نکات مغفول و کاستی‌های احتمالی شود، به آن نیت که هم صاحب اثر را آگاه کرده و هم گامی در راستای پیشرفت و توسعه دانش برداشته باشد. علاوه بر آن، به منظور ترغیب و تشویق فعالیت‌های علمی، لزوماً باید نقاط تاثیرگذار و مفید متن بیان شود؛ زیرا که قوت اثر همواره در کنار کاستی‌های آن قرار دارد. زبان نقد، زبان دوستی، همدلی و نیک‌خواهی است. هرگونه نقد شایسته توجه و دقت کافی در مطرح ساختن تمامی ویژگی‌ها بر اساس اصل انصاف علمی است.

نقد در چارچوبی تحلیلی مطرح می‌شود که این قالب مدون می‌تواند در ارتباط با زمینه‌های مختلف موضوعی به نقش آگاه‌سازی خود بپردازد. نقد با تکیه بر روشی سازمان‌یافته و متکی بر عناصر هسته‌ای شکل می‌گیرد که می‌توان آن را در حکم یک ساختار اطلاعاتی مستقل معرفی کرد.

توانایی ناقد برای نگارش نقد از شروط اصلی تدوین آن است. به هر میزان که ناقد از قدرت و توانایی علمی بیشتری برخوردار باشد، می‌توان امیدوار بود که قوت و استواری نقد افزایش یابد. علاوه بر آن، رعایت اخلاق نگارش و پایبندی به فضایل انسانی نقش موثری در آماده‌ساختن نقد مطلوب دارد. بدون تردید پذیرش محتوای نقد، با تکیه بر فضائلی است که ناقد در لابلای نوشتار خود بر آنها تاکید کرده است.

هدف والای نقد، یاری رساندن به رشد علمی است. بر همین اساس، ضرورت دارد تا نقد متنی پویا و اثربخش باشد. تعامل میان صاحبان قلم، در یک فضای سالم، بدون تردید، زمینه پیشرفت حرفه‌ای را مهیا می‌کند. اهمیت نقد از همین منظر قابل بررسی است. زیرا در صورت رعایت اصول نقادی، نقد عرصه‌ای برای ارائه بهترین نظرها و اندیشه‌هاست.

فصل دوم

معرفت شناسی نقد

تحلیل فکر

نگارش‌های انتقادی، حیطه‌ای از فعالیت‌های تحلیلی در عرصه منابع اطلاعاتی است که در مجامع علمی از جایگاهی رفیع و ارزشمند برخوردار است. نقد منابع اطلاعاتی در دوران معاصر یک فرایند روش‌مند، مدون و علمی بوده که مبتنی بر مبانی روش‌شناسی علمی است. در نوشته‌های انتقادی - که آراء، اندیشه‌ها، و ایده‌های دیگران ارزشیابی می‌شود، و از پشتوانه استواری برخوردار است - دانش و بینش علمی سایه افکننده است. برای تدوین نقد عالمانه، همواره باید به اصول و مبانی علمی انتقاد پایبند بود. نقد اقدامی است که ناقد در آن می‌کوشد با تکیه بر مبانی شناخت منطقی در آن حوزه تخصصی، به بیان نکات مهمی در اصلاح و تهذیب متن اقدام ورزد. در دوران معاصر، با توجه به حجم عظیم نگارش‌های متعددی که در جهان انتشارات به دست ما می‌رسد، هیچ نوشته و اندیشه‌ای را فراتر از دایره ارزیابی و تحلیل نمی‌یابیم؛ زیرا هر تفکری مجموعه برداشتها و نتایجی است که از اندیشه‌های دیگران برآمده است و متفکر با چنین پشتوانه‌ای به ابراز نظر مبادرت می‌ورزد. بنابراین توجه به تحلیل و ارزیابی متون اقدامی موثر محسوب شده که در ارتقای اندیشه و تفکر، نقشی به سزا از خود بر جای می‌نهد. برای شناخت فرایند نقد منابع اطلاعاتی، مطالعه در باره مبانی شناختی و معرفت‌شناختی نقد می‌تواند به توسعه بهتر این فعالیت علمی منجر شده و پایه‌های این اقدام حرفه‌ای را تحکیم بخشد.

پویایی فرایند نقد

نقد بیش از آنکه فعالیتی درونگرا باشد، برون‌گراست. به این مفهوم که مکنونات درونی ناقد که برای خود ارزشمند است، می‌تواند در فرایند نقد و تحلیل قرار گرفته و دوباره بر آن نقدی نگاشته شود، و بر نقد جدید نیز، نگارشی تازه افزوده شود و آن را مورد بررسی بیشتر قرار دهد. این دور می‌تواند همچنان ادامه داشته باشد. شاهد این سخن نگارش حاشیه‌های متعددی است که بر متون معتبر فرهنگی ما، به ویژه در عرصه معارف دینی به چشم می‌خورد. شرح‌ها و حاشیه‌هایی که بر مبنای دیگری نوشته شده، یکی از دلایلی است که این اندیشه در معارف دینی به رسمیت شناخته شده است.

نقد همواره با یافته‌های جدید قرین است. هر نقدی که به رشته تحریر در می‌آید، استعداد تحول و دگرگونی با نگارش نقدهای پس از خود را دارد. در واقع نقدهای علمی تکمیل‌کننده یکدیگر هستند. چنانچه برخی مواقع نقدها دوباره بررسی می‌شوند؛ یا حاشیه‌ها بر حاشیه‌ها نگاشته می‌شود. این شیوه سبب ایجاد ارتباطی مستمر در عرصه نقادی شده و نظریات مختلف با تضارب مستمر آراء و تعامل اندیشه‌ها، بیشتر رشد می‌کنند.

نقد دارای ساختاری خودتوسعه‌دهنده در درون خویش است و بر این مبنای کلیدی بنا نهاده شده که امکان تحلیل و ارزیابی بهینه آثار وجود دارد، و می‌توان آنها را مورد بررسی مجدد قرار داد. انتقاد از متون و اندیشه‌ها سبب ایجاد تعامل بیشتر و رابطه منسجم میان صاحبان آراء خواهد شد. این فرایند در برخی موارد سبب پدیدآمدن اثری نوین و مستقل در باره نگارش پیشین می‌شود. می‌توان بیان کرد که پویایی جریان نقدنویسی در عرصه علم، یکی از عوامل اصلی پیشرفت و توسعه آن در طول تاریخ بوده است. به میزانی که تلاش‌های منتقدانه در عرصه یک اندیشه علمی افزایش می‌یابد، زمینه رشد و بروز آراء و تفکرات نو بیشتر فراهم می‌شود.

قضاوت در نقد

منابع اطلاعاتی و کتاب‌ها از زمره موادی هستند که همواره مورد توجه اندیشمندان و متفکران قرار داشته‌اند. اطلاعات ماده اصلی و مهم تشکیل دهنده کتاب‌ها بوده و هست. هرچه در عرصه انتشار کتاب و مواد اطلاعاتی پیش‌تر می‌رویم، و با اندیشه‌های نوین مواجه می‌شویم، دایره نقد و بررسی منابع اطلاعاتی از اهمیت بیشتری برخوردار شده و توجه متفکران و نویسندگان را به‌خود جلب کرده است. گرچه سخن گفتن در باره ماهیت و ساختار اطلاعات مقوله‌ای به‌غایت غامض است، ولی می‌توان با نقد متون و نوشته‌هایی که در اثر دانش، شناخت و اندیشه پدیدار می‌شود، و نیز با تکیه بر عقل سلیم و ساحت تفکر، به پالایش و تحلیل متون پرداخت. اطلاعات دارای ساختار قابل خدشه‌ای است که با تفسیر و درک آدمی از آن نسبتی مستقیم دارد. برداشت‌ها و تحلیل‌های افراد در مجموع به قضاوت و ابراز نظر در باب متن منجر می‌شود که این از ویژگی‌های نقد است.

بنابراین، نقد در ذات خود با قضاوت ارتباط دارد و در دایره نظام ارزشی قرار می‌گیرد. در چنین حالتی امکان لغزش و خطا در برداشت ناقد محتمل است. با پذیرش چنین گزاره‌ای، نیاز به ابزاری برای سنجش میزان اعتبار نگارش انتقادی، کاملاً منطقی است. به همین دلیل ضروری است تا با سنجش میزان اعتبار معمولاً بیشترین سوءتفاهم‌ها در نگارش نقدهای متون، در بخش قضاوت و تحلیل ارزشی نهفته است. ناقد باید در این فعالیت تلاشی مضاعف مصروف دارد. آگاهی از موضوع متن بدون تردید در گرو شناخت کلیت مبحث بیان شده، و تسلط بر حیطه موضوعی مطالبی است که ناقد در باره آن دست به تحلیل زده است. در باب دیدگاه ارزشی و سخنانی که در موضع و جایگاه قضاوت و تحلیل محتوا مطرح می‌شود، باید دانست که وظیفه‌ای مهم، و مسئولیتی سنگین بر عهده ناقد قرار گرفته است که شایسته توجه و دقت بیشتر وی است.

درک صحیح از متن

جستجوی شناخت به قدمت تاریخ بشر است. با آغاز گروه‌بندی اجتماعی و بهره‌گیری از ابزار به‌منظور بهتر برآورده ساختن نیازهای روزانه، میل شناختن پدیدار گشت، زیرا که شناخت برای تسلط بر اشیاء پیرامون و به‌خدمت گرفتن آنها ضرورت دارد. ذات شناخت همانا تعمیم^۱ است.^۲ با بهره‌گیری از امکان تعمیم می‌توان به درک مناسب‌تری از مفهوم دست یافت. برای شناخت بهتر در درک منابع اطلاعاتی و ارائه تفسیری مناسب از متن، فهم محتوای منبع اطلاعاتی اهمیت بالایی دارد. تبیین مفهوم با تکیه بر قدرت شناخت و شناسایی معنای نهفته در متن میسر است.

بحث و بررسی موضوع فهمیدن به مثابه گونه‌ای از شناختن که باید تئوری و روش خود را داشته باشد، از قرن نوزدهم آغاز شده است. تا قرن نوزدهم تنها از قاعده‌های تفسیر متون دینی، فلسفی، هنری و حقوقی سخن می‌گفتند و در این زمینه‌ها مباحث و سوابقی وجود داشت. این قاعده‌ها عبارت بودند از لزوم آشنایی با زبان متن و قواعد دستوری آن، لزوم دقت در چگونگی به‌کار بردن واژه‌ها و ترکیبات به‌وسیله مولف متن، لزوم تأمل در سبک و اسلوب استفاده شده از آن در هر بخش از متن و احتمالاً لزوم توجه به موقعیتی که مولف متن را در آن موقعیت پدید آورده است.^۳ این موارد در تعامل قدرت شناخت ناقد برای دستیابی به مفهومی مناسب از متن می‌توانست تأثیر بالایی داشته باشد. ولی نکته‌ای مهم در این عرصه قابل عنایت است که در شناخت و درک متن تأثیرگذار است و آن اینکه میزان درک هر خواننده‌ای با مفهوم مستطر در متن رابطه‌ای مستقیم دارد. برای ارائه تفسیر مناسب از متن، فهم صحیح آن

1. Generalization

۲. پیدایش فلسفه علمی، ص ۲۵

۳. هرمنوتیک، کتاب و سنت؛ فرایند تفسیر وحی، ص ۱۳-۱۴

می‌تواند به ارائه تاویل مطلوبی از آن بیانجامد. بنابراین فهم و درک صحیح به شناخت بهتر یاری می‌رساند و آن را تقویت می‌کند.

این‌که دریافت و درک مناسب از متن چگونه حاصل می‌شود، بستگی به میزان شناخت و آگاهی ناقد دارد. تخصص، تجارب حرفه‌ای، بینش و توانایی ارزشیابی، و برداشت دیگر صاحب‌نظران، همگی می‌توانند نقشی مهم برعهده داشته باشند. در واقع، شناخت با تکیه بر پایه‌های استوار نامبرده شکل می‌گیرد و به هر میزان که توانایی ناقد در عرصه‌های مورد نظر افزایش یابد، قدرت تحلیل متن نیز تقویت خواهد شد.

نقد: فرایند تحلیل و تفسیر

نقد فعالیتی مبتنی بر مهارت‌های تحلیل و تفسیر متن است. توان بررسی مباحث مطرح شده در یک اثر، با بهره‌گیری از توانایی‌هایی انجام می‌پذیرد که نقش موثری در ساختار نگارش انتقادی دارند. ناقدان می‌توانند با استفاده از توانایی‌های شناختی^۱ و ادراکی^۲ خویش به تدوین نقدی دست زنند که نقش به‌سزایی در اصلاح نگرش متخصصان به‌همراه دارد. توانایی‌های مورد انتظار برای نوشتن نقد در متون این حوزه مطالعاتی مطرح شده و صاحب‌نظران در باره آن ایده خود را بیان کرده‌اند. برای تقویت مهارت‌های نقدنویسی^۳ و ارائه تفکر انتقادی^۴ در باب آثار مکتوب، آشنایی با برخی از مشکلات و محدودیت‌های تدوین نقد می‌تواند به ارتقای کیفیت نقد منجر شود.

-
1. Cognitive
 2. Conceptual
 3. Critical writing
 4. Critical thinking

نقد یا مقاله انتقادی در باره یک کتاب یا مقاله در مرحله اول خلاصه‌ای از متن نیست، بلکه تحلیل، تفسیر و ارزشیابی اثر مکتوب است.^۱ در واقع، نقد این امکان را فراهم می‌سازد که حیطه‌ی وسیعی از آراء متفاوت در صحنه‌ای از یک بستر یکپارچه مطرح شود. این عرصه شامل پاره‌های متعدد معرفی‌ها، بررسی‌ها و تحلیل‌هایی است که در مجموع ساختار اطلاعاتی را شکل می‌دهد که خواننده آنها را از منابع و مراجع گوناگون جمع‌آوری می‌کند. ساختار مطرح شده، در کنار متون مرتبط به تبیین فضای فکری مناسبی یاری می‌رساند که می‌توان با تکیه بر آن به تبیین اندیشه^۲ و تفکری نوین دست یافت. حوزه‌های مختلفی که در تحلیل‌های انتقادی^۳ مورد بررسی قرار می‌گیرد، خوانندگان را به‌سوی تدوین افق فکری منسجمی سوق می‌دهد. این دستاورد به‌شرطی شکل می‌گیرد که زیرساخت مناسب این فرایند و زمینه مطلوب آن مهیا شده باشد.

نقد: تعامل عقل فردی و جمعی

نگارش نقد در مجامع علمی فعالیتی مطلوب و ارزشمند محسوب می‌شود، و شیوه‌های متعدد نقدنویسی در نزد اندیشمندان و صاحب نظران رشته‌های علمی و تخصصی قابل تقدیر است. در معرفی آثار بیشتر اعضای هیئت علمی دانشگاه‌های خارج از کشور معمولاً بخشی نیز به معرفی نقدهای آنان از کتابها، مجلات، مقالات، وبگاه‌ها، اندیشه‌ها، و به‌طور کلی منابع اطلاعاتی و نیز اطلاعات ارائه شده از سوی دیگر متخصصان و متفکران رشته‌های علمی اختصاص می‌یابد. حتی پاره‌ای از این آثار به معرفی فعالیت‌های نوشتاری و انتشاراتی دیگران مربوط می‌شود. اهتمام به چنین فعالیت ارزنده‌ای ریشه در

-
1. The Book Review or Article Critique
 2. Introduces
 3. Thought
 4. Criticism analysis

این تفکر مطلوب دارد که همواره عقل جمعی بهتر و کامل‌تر از عقل فردی است؛ و به تعبیر دقیق‌تر تفکر همگانی امکان خطای کمتری نسبت به اندیشه‌های فردی دارد. این معیار واقع بینانه، سخن مشهور و معروف بزرگمهر حکیم را یادآور می‌شود که: همه چیز را همگان دانند و همگان هنوز از مادر نزاده‌اند. با چنین نگرشی می‌توان پذیرفت که اندیشه‌های آدمیان قابلیت تحلیل و بررسی مجدد داشته، و می‌توان بر این اساس به نقد آثار دیگران دست یازید، چرا که هیچ اندیشه‌ای آنقدر کامل نیست که مصون از خطا و اشتباه باشد. حتی در برخی از موارد آنچنان نیست که سخن درست‌تری یافت نشود، و یا اندیشه‌ای نباشد که آن را کامل نکند. گرچه این موضوع در میان ما نیز پذیرفته شده و معمولاً در مجامع علمی به آن استناد^۱ نیز می‌شود، ولی در پاره‌ای از موارد شاهد بی‌مهری نسبت به این پدیده موثر و اثربخش هستیم. برخی اوقات نه به دلیل بی‌توجهی به فرایند نقد و تحلیل علمی، که به واسطه برداشت نامناسبی که از این فعالیت در نزد ما وجود دارد شاهد بروز و ظهور نگرش منفی نسبت به این ثمره میمون و مبارک در عرصه علم و پژوهش، یعنی نقدنویسی و نگاه منتقدانه به آثار نویسندگان و مولفان هستیم.

شرح توصیفی و ارزشی

در نگارش هر نقد علمی ما با دو گونه توضیح روبرو هستیم. یکی شرح توصیفی است، که ناقد به ابعاد متنوعی در ساختار متن^۲ و اثر مورد بحث می‌پردازد که صرفاً بازگوکننده مشخصات منبع، آنگونه که هست می‌باشد. در این بخش از تحلیل، چهره کلی و فصل بندی‌ها، مباحث، مشخصات ظاهری و فیزیکی اثر، بهره‌گیری از ابزارهای متعدد نگارشی و نظایر آن صرفاً از منظر

1. Citation.

2. text structure

توضیح شرایط موجود کتاب و یا ماده اطلاعاتی مورد بررسی قرار می‌گیرد. ساختارهای نظام توصیفی بدون پرداختن به تحلیل محتوی و یا بررسی‌های ارزشی، یعنی بدون انجام فرایند قضاوت صورت می‌پذیرد. در این میان باید توجه داشت که بهره‌گیری از نظام توصیفی در یک نقد شرط ضروری ورود به عرصه نگارش اثر انتقادی است. ولی مکتوب مذکور در این حد نیز باقی نمی‌ماند، و به حوزه دیگری راه می‌یابد که منجر به ارزشیابی کیفی و محتوایی می‌شود و نظام ارزشی را در درون بافت متن علمی شکل می‌دهد.

بخشی از تحلیل ناقد به مقوله نظام ارزشی و تحلیل محتوی و مضمون متن می‌پردازد. حتی ممکن است که فعالیت این بخش به ویژگی‌های توصیف ساختار کلی، و بدنه اصلی متن نیز نظر داشته باشد، ولی ساختار آن را هم در قالب ارزشیابی و تحلیل ارزشی متن مورد مذاقه قرار می‌دهد. در این قسمت که ناقد به تحلیل ارزشی دست می‌زند، و یا به تعبیر دقیق‌تر قضاوت انجام می‌پذیرد، اهمیت نقد بیشتر نمایان می‌شود؛ زیرا ناقد اثر را به زیر تیغ نقد کشیده و نقاط قوت و ضعف آن را مشخص می‌سازد. بیشترین توجه خوانندگان آگاه نقد معمولاً معطوف به این بخش از تحلیل آثار است. همچنین باید تذکار داد که در بخش توصیف نیز ما باید لزوماً مشخصات منبع را آنگونه که هست ببینیم و به تصویر کشیم. لذا شرح و معرفی ساختارهای بنیادی متن از منظر توصیفی، هم‌سو و هم‌سنگ با بررسی‌های تحلیلی و ارزشیابی آن از اهمیت برخوردار است.

جریان تفکر انتقادی

سنت نقادی در کجا و چه وقت تاسیس شد؟ این پرسشی است که شایسته تفکر جدی برای یافتن پاسخ آن است. آنچه قطعی است چنین است:

کُسِنُوفَانِس^۱ که سنت ایونیایی را به اِلثا آورد، کاملاً از این واقعیت آگاهی داشت که تعلیمات خود وی حدسی محض است، و اینکه کسان دیگری خواهند آمد که چیزها را از او بهتر می‌دانند. اگر در جستجوی نخستین نشانه‌های این ایستار نقادانه و این آزادی جدید اندیشه برآییم، به نقادیگری آناکسیماندروس^۲ نسبت به طالس^۳ رهبری می‌شویم^۴. می‌دانیم که طالس روحیه انتقاد را در شاگردان خود تقویت می‌کرد و می‌کوشید تا در مواقعی که آنان نکته‌های ارزشمند بیان می‌کنند، این شیوه آنان را تشویق کند.

اما تفکر انتقادی سنت فکری‌ای است که از ایمانوئل کانت^۵ آغاز می‌شود. او بخشی از تلاش فلسفی خویش را تحقیق در ماهیت و محدودیت‌های دانش بشری قرار داد. از نظر وی، فاعل عمل شناسایی در آفرینش دورنمایه آگاهی سهیم است و آن را سازمان می‌دهد و تفسیر می‌کند. از این رو، فیلسوف باید به معرفت‌شناسی و نقد توجه کند؛ یعنی در جهت تعیین و تشخیص اشکال و مقولاتی تلاش کند که عمل شناسایی را ممکن می‌سازند^۶. این شناسایی برای فیلسوف بسیار بااهمیت است و به او کمک می‌کند تا بتواند در فرایند تحلیل متون و نظریه‌پردازی به‌خوبی از آن بهره‌گیرد. در این میان او با پشتوانه فلسفی به تحلیل و بررسی ایده‌ها همت می‌گمارد و تلاش می‌کند تا با تکیه بر عقل سلیم به تبیین نظریه خویش بپردازد. آنچه که در این عرصه برای فیلسوف مهم تلقی می‌شود تکیه بر شناخت عقلانی از محتوا و به تبع آن درک بهینه متن و یا اندیشه است.

-
1. Xenophanes
 2. Anaximander (Anaximandros)
 3. Thales

۴. حدس‌ها و ابطال‌ها: روش شناخت علمی، ص ۱۸۴-۱۸۵

5. Immanuel Kant

۶. درآمدی بر هرمنوتیک، ص ۳۳۴

سنت عقلی‌گرا نه و سنت بحث انتقادی نماینده تنها راه عملی گسترش شناخت است، البته شناخت حدسی یا فرضی. راه دیگری وجود ندارد. به صورت اخص، راهی که از آزمایش یا مشاهده آغاز شود وجود ندارد. در توسعه و پیشرفت علم، مشاهده‌ها و آزمایش‌ها تنها نقش برهان‌های انتقادی دارند، و این نقش را همراه با براهین دیگر غیر مشاهده‌ای ایفا می‌کنند. البته این نقش مهمی است، ولی اهمیت مشاهده و آزمایش کاملاً وابسته به این امر است که آنها را برای نقادی نظریه‌ها به کار ببرند یا به کار نبرند.^۱ در نقد متون نیز هنگامی که مبانی و نظریه‌های علمی مطرح می‌شود، بحث شناخت از اهمیت بالایی برخوردار است. روش‌های مبتنی بر روش‌شناسی علمی و پژوهش می‌تواند به میزان زیادی حیطه‌های متعدد شناخت را برای ناقد تحدید کند. از این رو ضرورت دارد تا ابعاد مختلفی از بررسی‌های مبتنی بر روش‌شناسی در این میان مطرح شود.

به منظور تامین چنین دستاوردی در دوران معاصر اندیشمندانی چند در این وادی گام نهاده‌اند و تلاش کرده‌اند تا بتوانند با بهره‌گیری از میراث اندیشه انتقادی به تبیین بهتر تحول و تغییر در جهان جدید بپردازند. از زمره اندیشمندانی که در این عرصه به تحلیل و بررسی وضعیت معاصر پرداخته و در حوزه اندیشه انتقادی به ارائه ایده مبادرت ورزیده، باید از کارل مارکس نام برد. البته نمی‌توان مارکس را از کسانی دانست که کاملاً در حوزه سنت عقلی‌گرا نه به کاوش پرداخته، ولی از متفکرانی است که پس از خود پاره‌ای از اندیشمندان را متأثر ساخته است.

همچنان که می‌دانیم کارل مارکس نیز از متفکران جریان تفکر انتقادی است که هابرماس^۲ علی‌رغم پاره‌ای اختلاف‌ها از او متأثر است. مارکس بر

۱. حدس‌ها و ابطال‌ها: روش شناخت علمی، ص ۱۸۶

اساس ماتریالیسم تاریخی و اعتقاد به این‌که همه تحولات اجتماعی مرهون تغییرهای پدیدآمده در شکل و ابزار تولید است، به تحلیل انتقادی از نظام سرمایه‌داری پرداخت. هدف او از این نقد، هدایت و راهنمایی عمل انقلابی طبقه کارگر بود.^۱ از سوی دیگر هابرماس با تکیه بر پاره‌ای از اندیشه‌های مارکس به بیان ابعادی دیگر در عرصه اندیشه انتقادی پرداخت که در فعالیت او در حوزه تاریخ اندیشه انتقادی قابل ملاحظه است و توانست در زمینه‌های مختلف به ارائه آراء خود مبادرت ورزد.

هابرماس روشنفکری است که نظریه‌های خویش را در موضوع‌های کاملاً ناهمگون ابراز می‌دارد. مباحثه‌های وی با گادامر^۲، لیوتار^۳، دریدا^۴، پوپر^۵، لومان^۶ و اندیش‌ورانی که تخصص‌هایی گوناگون دارند، گویای گستره‌ی وسیع دغدغه‌های نظری او است. این امر، به ضمیمه رویکرد انتقادی او و میدان دادن به نقد و گفت‌وگو و پویایی تفکر، جمع‌بندی آراء هابرماس را با مشکل روبه‌رو می‌کند. در قرن بیستم تفکر انتقادی با مکتب فرانکفورت^۷ جان تازه‌ای گرفت. هابرماس از اعضای فعال این مکتب است؛ اگرچه در برخی جهات با آنان اختلاف نظر دارد^۸، ولی تفکر انتقادی او توانست عکس‌العمل برجسته‌ای در میان اندیشمندان هم‌عصر او ایجاد کند که هابرماس را به یکی از ارکان اندیشه انتقادی در دوران معاصر تبدیل کرد.

۱. درآمدی بر هرمنوتیک، ص ۳۳۴ - ۳۳۵

2. Gadamer

3. Lyotard

4. Derrida

5. Luman

6. Frankfurt school

۷. درآمدی بر هرمنوتیک، ص ۳۳۴ - ۳۳۵

ایده‌ی متفکرانی که در عرصه اندیشه انتقادی به ارائه آراء مختلف مبادرت ورزید توانست جریانی پدید آورد که آنان به تحلیل و ارزشیابی اندیشه‌های موجود پردازند. از این منظر نهاده‌ی ساختن این بینش تأثیری به‌سزا در فرایند نقد منابع اطلاعاتی بر جای نهاده است. در واقع تفکر انتقادی ریشه‌ای قوی برای تقویت و پشتیبانی از فعالیت نقد محسوب می‌شود. با تکیه بر ایده‌های نقادانه، سیر تطور انتقادی در ارتباط با منابع اطلاعاتی شکل می‌گیرد. بنابراین میان اندیشه انتقادی و نقد متون رابطه‌ای مستقیم وجود دارد که با شکل‌گیری نقد جدید به‌صورت جدی در عرصه اندیشه مطرح شده و به پویایی جریان علم یاری می‌رساند.

پوپر و اندیشه انتقادی

کارل ریموند پوپر فیلسوف علم نامبردار معاصر در عرصه نقد دانش به ابراز پاره‌ای از نظرات تحول‌گرایانه پرداخته است. توجه به این نظرات در عرصه نقد و فرهنگ نقادی مفید و سازنده است. اندیشه‌های پوپر با تکیه بر ساختار جامعه‌ای معین که وی آن را جامعه باز^۱ می‌نامد شکل می‌گیرد.

اگرچه اصطلاح جامعه باز اولین بار توسط فیلسوف فرانسوی هنری برگسون^۲ به کار برده شده است، مفهوم جدید آن بیشتر اثر سرکارل پوپر، بخصوص در کتاب کاملاً شناخته شده وی به نام جامعه باز و دشمنان آن^۳ که ابتدا در سال ۱۹۴۵ چاپ شد، نشأت گرفته است. او اساساً نوعی سازمان جامعه را پیشنهاد می‌کند که بر مبنای این شناخت که هیچ کس به

-
1. Open society
 2. Henri Bergson
 3. Open Society and its Enemies

حقیقت‌نهایی^۱ دسترسی ندارد، بنا نهاده می‌شود؛ فهم و درک ما از جهان کامل نیست و یک جامعه کامل و بدون نقص غیرقابل دستیابی است.^۲

تأکید پوپر بر توانایی انسان در یادگیری است، و نتیجه آن دستیابی به دانش مفید و معتبر است، حتی اگر آن دانش ضرورتاً ناقص باشد؛ در نتیجه ما می‌توانیم یاد بگیریم و دانش ما می‌تواند رشد یابد، حتی اگر هرگز نتوانیم بدانیم؛ یعنی آن را با قطعیت بدانیم. از آنجائی که ما می‌توانیم یاد بگیریم، هیچ دلیلی برای ناامید شدن از به‌دست آوردن دلیل نداریم، و از آنجائی که هرگز نمی‌توانیم بدانیم، هیچ زمینه‌ای برای خودبینی و کوتاه نظری، یا خیال و وهم در رابطه با رشد دانش مان نداریم.^۳ بر اساس اظهار پوپر می‌توانیم به این مطلب اشاره کنیم که اندیشه‌های ما به صورت مداوم در حال نقد و تحلیل روش‌مند قرار می‌گیرد. هیچ اندیشه و تفکری که مطرح می‌سازیم و در عرصه دانش آزمون‌پذیر قرار می‌گیرد، عاری از خطا و اشتباه نیست. اندیشه علمی به آن جهت مورد قبول واقع می‌شود، که دارای خصوصیت ابطال‌پذیری^۴ است. ما تا زمانی می‌توانیم یک اندیشه را علمی بدانیم که آن تفکر قابل رد شدن و ابطال‌پذیر^۵ باشد. در این بخش ما با پرسشی مهم روبرو می‌شویم که در بررسی آثار علمی، معیار ما برای تعیین بهترین منبع و اثر علمی کدام است؟ برای پاسخ به این پرسش می‌توان به اظهار پوپر اشاره کرد که در این زمینه به شیوه خاص خود می‌نگرد.

پاسخ پوپر به پرسش بهترین منابع دانش روشن است، و از بنیادی‌ترین بخش این تفکر که هر چیزی را می‌توان نقد کرد (و خود این اصل نیز از این قاعده مستثنی نیست) نشأت گرفته است، و منجر به تهیه راه‌حل ساده مساله

-
1. Ultimate truth
 2. On the theory of democracy, pp. 93-98
 3. The open society and its enemies, p. 383
 4. Refutation
 5. Falsifiable

منابع دانش می‌شود... یعنی هر منبعی - سنت، برهان و دلیل، تصورات، مشاهدات، یا به عبارتی هر چه هست و نیست - مجاز بوده و می‌تواند به کار رود، اما هیچ کدام سندیتی ندارد. از هر نوع منبعی استقبال می‌شود، ولی هیچ عبارتی از انتقاد مصون نیست، هر چه که منبع آن باشد.^۱

نکته‌ی مهمی که باید به آن اشارت ورزید آن است که می‌توان منابع موجود را که در عرصه دانش به رشته تحریر درآمده است، با نگاه منتقدانه به تحلیل و واری فرخواند. بنابراین هرگونه مدرک علمی قابل نقدشدن است. البته باید به این موضوع نیز توجه کرد که در تحلیل منابع علمی همواره می‌توان از دیدگاه تاریخی به موضوع نگریست. گرچه برخی از فیلسوفان علم همواره برای نقد به این نوع نگرش توسل جسته‌اند، و پدیده‌های مختلف را در ظرف زمانی و تاریخی مورد مذاقه قرار داده‌اند، ولی نگاه تاریخی تنها نگاه تحلیلی به آثار نگاشته شده نیز نیست. شاید بتوان بیان کرد که تحلیل و بررسی خود منبع پراهمیت‌تر باشد. بر این اساس به سخنان پوپر توجه می‌کنیم که می‌گوید:

هیچ منبع نهایی از دانش وجود ندارد. از هر منبعی، هر پیشنهادی، استقبال می‌شود، اما بررسی نقادانه هر منبعی، و هر پیشنهادی نیز آزاد است. تا زمانی که به مسائل تاریخی نپردازیم معمولاً خود وقایعی که بیان شده‌اند را بررسی می‌کنیم، تا این که در زمینه منابع اطلاعاتی مان تحقیق و تفحص کنیم.^۲

پوپر چنین بیان می‌کند: که نباید تلاش خود را معطوف به آن کنیم که برای صحت اندیشه‌ای، از منبع آن بحث کنیم، بلکه باید خود مطلب را نقد کنیم و از هر منبعی یا تمام منابع دیگر در صورت ضرورت استفاده کنیم.^۳ این دیدگاه

1. Ibid, p. 378 in: Libraries and open society; Popper, Soros and digital information

2. On the so-called sources of knowledge, p. 49

3. Libraries and open society; Popper, Soros and digital information

منجر به بررسی دقیق نگارشی خواهد شد که در دست داریم. استفاده از منابع دیگر در واقع تکمیل‌کننده محتوای متن است. ما بیش از هر چیز محتاج به درک و فهم متنی هستیم که در پی تحلیل روشمند و مدون آن خواهیم بود. ناترنو^۱ این موضوع را چنین تفسیر می‌کند که منبع صحیح و موثق^۲ مناسب، باید در پرسش نقدگرایانه، حرف اول، و نه حرف آخر را بزند^۳.

این بیش که در میان اندیشه‌ها و آثار باید به دنبال کسی گشت که حرف آخر را نمی‌زند، ریشه در تفکر اندیشمندانی چون ناترنو و پوپر دارد. برای کسانی که به پویایی و پیشرفت علم اعتقاد دارند، همواره کسانی از اهمیت بیشتری برخوردار هستند که مدعی بیان و اظهار سخن نهایی و قطعی در علم نیستند. این ادعا که مطلب من کاملاً صحیح و غیر قابل خدشه است، خود سخن غیرعلمی است. زیرا اعتقاد به علمی بودن یک مطلب و سپس غیر قابل ابطال دانستن آن یک تناقض^۴ مبرهن است. البته باید به این نکته نیز توجه داشت که ضرورت ترویج چنین اندیشه‌ای در گرو دسترسی آزاد به منابع مختلف است. یعنی داشتن حق دستیابی به منابعی که برای نقد نیازمند آنها هستیم. به تعبیر دقیق‌تر نقد علمی میسر نمی‌شود، مگر آنکه منابع متعدد در اختیار همگان قرار گیرد.

از این مطلب چنین می‌توان برداشت کرد که عقیده اساسی باید چنین باشد، که هر منبع یا تمامی منابع در قالب جامعه باز در دسترس باشد^۵. این نکته از مبانی مهم در اندیشه انتقادی پوپر به‌شمار می‌آید که شرط ضروری برای داشتن نگاه انتقادی، دسترسی به منابعی است که لازمه انجام فرایند نقد علمی و

1. Notturmo

2. Authority

3. Science and the open society; the future of Karl Popper's philosophy, p. 136

4. Paradox

5. Libraries and open society; Popper, Soros and digital information

تحلیل مدون است. از نگاه او منابع به مفهوم عام آن مورد نظر بوده است. یعنی کلیه منابعی که می‌توان از آنها اطلاعات کسب کرد.

برداشت‌های متفاوت از فرایند نقد

در نگارش نقد، با دو شیوه مختلف مواجهه، روبرو می‌شویم. هر یک از دو روشی که توضیح داده خواهد شد، برای خواننده انتظاری از نقد مکتوب فراهم می‌سازد. از یک سو او با متنی سروکار دارد که امکان قبول یا رد آن، و نیز پذیرفتن برخی از ابعاد و رد کردن پاره‌ای دیگر از جنبه‌ها، پیش روی وی قرار می‌گیرد؛ و از سوی دیگر اعتماد مخاطب نقد را در بوته آزمون قرار می‌دهد.

ابتدا، برداشتی وجود دارد که مبتنی بر نظریه تردید^۱ در خصوص نقدهای مکتوب است. به این معنی که نقد در نگاه نخست، قابل اعتماد نیست، مگر با تکیه بر ادله منطقی به خواننده ثابت شود که معیارهای مورد استفاده ناقد از قوت و استواری مناسب برخوردارند. بنابراین مخاطب با بهره‌گیری از برخی عناصر ممیز و تشخیص بر اساس پیش زمینه‌ی شناخت و ادراک خویش به بررسی نقد می‌پردازد و میزان صحت و بی‌طرفی نقد را برای خویش تبیین می‌کند.

در مقابل این نظر، ایده دیگر بر مبانی اعتماد^۲ استوار است. این برداشت مبتنی بر این پیش فرض است که ابتدا باید به نظر ناقد اعتماد کرد و تحلیل او را به شکل نسبی پذیرفت، مگر خلاف آن ثابت شود. بر اساس این نظر، در هر صورت اطمینان از نظر ناقد، ولو به صورت نسبی می‌تواند نتایج مثبتی در بررسی اثر به دنبال داشته باشد. زیرا با تکیه بر متنی که در مقابل خواننده قرار می‌گیرد، او می‌تواند به تحلیل مناسب دست یازد و در طول مطالعه و پس از آن، همواره امکان مشورت با صاحب نظران و بررسی بیشتر وجود دارد.

-
1. Suspicion theory
 2. Confidence principles

تحول اطلاعاتی: دگرگونی شناخت و برداشت‌ها

در قرون جدید پس از آنکه افق تاریخی نوینی برای مغرب‌زمینیان گشوده شد، متون فلسفی، دینی، و هنری قرون وسطی و قبل از آن برای انسان‌های متعلق به این افق تاریخی جدید، پر ابهام جلوه کردند و تفاوت افق تاریخی عصر جدید با عصر گذشته آشکار گردید. این وضع موجب شد در باره تفسیر و فهمیدن متون گذشته بررسی‌ها و تاملات پیچیده و دقیقی انجام دهند و این بررسی‌ها موجب توجه کامل و مستقل به مسئله تفسیر و فهمیدن متون به عنوان گونه‌ای از شناخت گردید.^۱ شناختی که در این وادی به آن توجه شد، به معنای قبول محدود بودن درک آدمی از متن و به تبع آن پذیرفتن محدودیت فهم انسان از منابع اطلاعاتی است. این ویژگی در عصر جدید با توانایی‌های خلاقانه ناقدان در هم آمیخت و به اصحاب نقد جرات کاوش و بررسی در متون بزرگان علم را بخشید. در واقع توانایی ارزشیابی با تکیه بر خردورزی و پذیرفتن این نظریه که هر اندیشه‌ای قابل نقد است و انسان همواره در شناخت خود به پاره‌ای از معانی دست می‌یابد، تکامل یافت. در این میان نقش تفکر و قدرت خلاقه ناقدان بیش از پیش نمایان شد. کاسیرر بیان می‌کند که مشهورترین عنوان جاودانی و افتخارآفرین عصر روشنگری [یعنی عصر نقد] به خاطر همین دستاورد سترگ است که نقد را با آفرینندگی، که پیش از آن به این کمال صورت نگرفته بود، چنان ترکیب کرد که نقد مستقیماً به خلاقیت تبدیل شد.^۲

این خلاقیت در واقع توانایی ناقدان را برای درک بهتر اطلاعات و تحلیل مناسب آن تقویت می‌کند. خلاقیت با قدرت شناخت و درک آدمی نسبتی دو سویه دارد. برای درک متون توجه به ساختار اطلاعات و محتوای آن امری ضروری است. در واقع فضای علمی جامعه‌ای که ناقد در آن رشد یافته و یا

۱. هرمنوتیک، کتاب و سنت؛ فرایند تفسیر وحی، ص ۱۴-۱۵

۲. فلسفه روشنگری ص ۴۲۳

زندگی می‌کند می‌تواند تاثیر به سزایی در فرایند نقد داشته باشد. از همین رو قدرت تاویل متن دارای اهمیت بالایی است و تحولی که در جهان نوین ایجاد شده در سطح معرفت آدمی و میزان درک او از دانش زمان است.

غفلت گذشتگان از مبانی و پیش فرض‌های فهمیدن متون و آنچه واقعا در روند فهمیدن رخ می‌دهد، به این جهت بود که در گذشته افق تاریخی مولفان متون و مفسران آنها با یکدیگر چندان متفاوت نبود و چون تجربه‌ها و زبان‌های آنها مشترک بود لازم نبود محتوایی از یک افق تاریخی در افق تاریخی دیگر ترجمه شود.^۱ در حالی که در دوران معاصر میزان درک تحلیلگران از متون و منابع اطلاعاتی دارای فاصله زیادی است و همین مساله تا حد زیادی در شرایط فهم متون و تاویل آن تاثیر قابل ملاحظه‌ای برجای نهاده است.

علاوه بر آن باید به نقش مهم فلسفه نظام‌مند در این عرصه اشاره کرد و اهمیت آن را یادآور شد. چنانچه میان مسائل اساسی فلسفه نظام‌مند و مسائل اساسی نقد ادبی همواره رابطه‌ای نزدیک موجود بوده است و پس از نوزایی روح فلسفی در دوره رنسانس که مدعی زایش دوباره هنرها و علوم بود این رابطه به تاثیری متقابل، حیاتی و بی‌واسطه یعنی به بده و بستان دائم میان این دو قلمرو انجامید. اما عصر روشنگری گامی فراتر گذاشت و وابستگی میان فلسفه و نقد را به معنایی دقیق‌تر توضیح داد. یعنی این وابستگی را نه تنها علّی، بلکه به معنای اصیل و جوهری نیز تبیین کرد. روشنگری، فلسفه و نقد را وابسته به هم و در آثار غیر مستقیمشان هماهنگ با یکدیگر می‌داند و نیز می‌کوشد تا برای هر دو سرشتی واحد بیابد.^۲

فلسفه با حمایت نظری از معرفت و دانش بشری به شناخت بهتر متن کمک کرده و فرایند نقد را پشتیبانی می‌کند. این شناخت در درک متن و سپس

۱. هرمنوتیک، کتاب و سنت؛ فرایند تفسیر وحی، ص ۱۴

۲. فلسفه روشنگری ص ۴۱۹

تفسیر آن و نیز تحلیل و بررسی متن، نقشی موثر و بنیادی ایفا می‌کند. با تکیه بر چنین بینشی منابع اطلاعاتی در بوته نقد و بررسی قرار می‌گیرند و امکان انتقاد نسبت به هر یک از منابع وجود دارد. پشتوانه فلسفی در جهان معاصر پایه‌ی استواری برای فعالیت نقد متون به وجود آورده است.

معناداری گزاره‌ها و نقد متن

عقیده به نیازمندی متن به تفسیر، خود بر دو نگرش انتقادی مبتنی است: نخست اینکه خود متن غیر از معنای آن است و معنا هرگز برملا و آفتابی نیست. دیگر این که معنا بالاخره نمی‌تواند از متن منفصل و با عقیده آن بیگانه باشد و متن تنها اساس معنای مورد نظر است.^۱ این نکته ظریف به ما کمک می‌کند تا در نقد متون به اثر برداشت خواننده در درک متن توجه و دقت کافی داشته باشیم. برای شناخت بهتر نقش تفسیر متون و میزان درک آدمی از نگارش‌ها، بررسی مفهوم معناداری گزاره‌ها می‌تواند رهگشا باشد.

معانی ذهنی آدمی قابلیت عینی شدن را دارند، یعنی خود را در ساخته‌هایی از فعالیت آدمی بروز می‌دهند که به‌عنوان عنصرهای تشکیل‌دهنده یک جهان مشترک هم در دسترس سازندگانشان و هم در دسترس مردمان دیگر قرار دارد. این گونه جلوه‌های عینی نشانه‌های کم و بیش بادوامی از فرایندهای ذهنی سازندگانشان به‌شمار می‌روند، که قابلیت استفاده‌شان از حد و مرز موقعیت چهره به چهره‌ای که در آن می‌توان مستقیماً آنها را درک کرد، فراتر می‌رود.^۲ در واقع در زمان و مکان‌های دیگر غیر از عرصه‌ای که مولف به پدیدآوردن متنی همت گمارده است، قابلیت تفسیر و تحلیل معنای متن وجود دارد. معناداری گزاره‌ها بر این اساس تبیین می‌شود که هر متن دارای بافتی از کلمات

۱. هرمنوتیک، کتاب و سنت؛ فرایند تفسیر وحی، ص ۱۵

۲. ساخت اجتماعی واقعیت: رساله‌ای در جامعه‌شناسی شناخت، ص ۵۴

است که در مجموع معنای مشخصی را افاده می‌کند. برای انجام یک نقد روش‌مند، اطلاع از بافت کلی و نیز معنادار بودن متن الزامی است. همچنین آشنایی با نظریه‌های معنا می‌تواند به تحلیل مناسب‌تر این مفهوم یاری رساند. برخی از اندیشمندان مانند ویلیام پ. آلستون^۱ مجموع نظریه‌های معنا را به سه دسته تقسیم کرده‌اند: نظریه مصداقی یا حکایی معنا؛ نظریه مفهومی یا ایده‌ای معنا و نظریه رفتارگرایانه معنا^۲. هر یک از این نظریه‌ها با برخورداری از ویژگی‌های خاص خود می‌تواند به درک معناداری در متن یاری رساند و از فرایند تحلیل متون پشتیبانی کند. از سوی دیگر یکی از نظریه‌های مهم معناداری، نظریه تحقیق‌پذیری^۳ است.

طبق این نظریه معیار معنادار بودن یک لفظ یا یک قضیه، تحقیق‌پذیری تجربی است. اگر بتوانیم سخن خود را به صورت تجربی اثبات کنیم آنگاه معنادار خواهد بود. به زعم طرفداران این نظریه، معیار معنادار بودن کلام، اثبات‌پذیری آن است؛ و اگر دلایلی برای اثبات اظهارات ما وجود نداشته باشد، الفاظ یا عبارات معنادار نخواهند بود^۴. در واقع معناداری گزاره‌ها در متون اطلاعاتی نسبتی مستقیم با درک و اثبات منطقی آنان دارد. در نقد منابع اطلاعاتی وجود یکپارچگی و انسجام در معنای کلی متن می‌تواند به درک بهتر گزاره‌ها یاری رساند.

مقوله‌ی شناخت، تفسیر و استقلال متن

فهمیدن گونه‌ای شناختن است. خواندن یک متن یا شنیدن یک گفتار غیر از فهمیدن آن است و ممکن است شخصی سخنی را بشنود یا متنی را بخواند،

1. William P. Alston

۲. راز متن: هرمنوتیک، قرائت‌پذیری متن و منطق فهم دین، ص ۲۴

3. Theory of verification

۴. راز متن: هرمنوتیک، قرائت‌پذیری متن و منطق فهم دین، ص ۲۵

ولی آن را نفهمد. پس از رویارویی با یک متن یا گفتار می‌توان با آن دو گونه برخورد کرد. یک گونه برخورد، تبیین آن متن یا گفتار به‌عنوان یک پدیده است؛ در روش تبیین، ارتباطاتی را که پدیده‌ها از آن ناشی شده با قواعد مربوط توضیح می‌دهند و معلوم می‌کنند که این پدیده چگونه واقع شده است. برخورد دیگر، تفسیر آن متن یا گفتار و فهمیدن آن است. با عمل تفسیر، متن یا گفتار شفاف می‌شود و معنای خود را نشان می‌دهد. تفسیر بر این پیش‌فرض مبتنی است که خواندن و شنیدن یک متن یا گفتار، گرچه مدلولات کلمات و جملات آن‌ها معلوم باشد آنچه را متن و گفتار در خود پنهان دارند آشکار نمی‌گرداند و این امر پنهان را تنها با تفسیر می‌توان آفتابی و برملا کرد.^۱ قدرت تفسیر یک متن با تکیه بر عناصر اصلی معنایی در آن امکان دارد. برای نقد مناسب ضروری است تا ناقد بکوشد به کُنه مفهوم دست یابد. در هر متنی امکان تفسیرهای مختلف وجود دارد و تلاش ناقد همواره بر آن است تا بتواند تفسیر مناسب‌تری که امکان تطبیق‌پذیری بالاتری را با متن دارد ارائه دهد. در این میان واقع‌گرایی ناقد در درک متن و تفسیر معنای آن مهم است که با تکیه بر مبانی فلسفی و تحلیل انتقادی صورت می‌پذیرد.

تاویل ادبی در انگلستان و امریکا عمدتاً در چارچوب واقع‌گرایی، به تعبیر فلسفی، صورت می‌گیرد. محض نمونه، گرایش این مکتب متوجه این پیش‌فرض است که اثر ادبی صرفاً در جهان خارج و ذاتاً مستقل از ادراک‌کنندگان آن واقع است. ادراک هر کس از اثر را باید جدا از خود اثر انگاشت و وظیفه‌ی تاویل ادبی سخن گفتن در باره خود اثر است. نیات و مقاصد مولف نیز دقیقاً از اثر جدا نگه داشته می‌شود؛ اثر موجودی فی‌نفسه است، موجودی که توانایی‌ها و تحرکات خاص خودش را دارد. نمونه‌ی

۱. هرمنوتیک، کتاب و سنت؛ فرایند تفسیر وحی، ص ۱۳

متعارف تاویل‌کننده‌ی دوره‌ی جدید کسی است که عموماً از خودمختاری هستی اثر ادبی دفاع می‌کند و وظیفه خود را جاری کردن این هستی در سراسر تحلیل متن می‌داند. بدین ترتیب جدایی ابتدایی فاعل و موضوع یا ذهن و عین، اصل متعارفه واقع‌گرایی، به معنای فلسفی و چارچوب تاویل ادبی بدل می‌شود.^۱ بر این اساس عنایت به محتوا در راس تلاش برای درک مفهوم محسوب می‌شود. هر اثری که مورد نقد قرار می‌گیرد باید در حکم یک موجود مستقل در نظر گرفته شود که می‌تواند فراتر از تأثیر شخصیت نویسنده مورد تحلیل قرار گیرد. محتوای متن قابلیت آن را دارد که توسط افراد مختلف، تفسیر شود. ولی باید به این نکته مهم توجه داشت که صرف نظر از تفاسیر مختلفی که از متن بر می‌آید، همواره تاویل مناسبتی وجود دارد که با معنا، محتوا و مفهوم متن امکان تطبیق بیشتری دارد و بنابراین سعی ناقد باید بر آن قرار گیرد تا بتواند منطبق‌ترین تفسیر را از متن ارائه دهد.

تأثیر اندیشه و برداشت ناقد از نقد

از سوی دیگر باید توجه داشت که در تحلیل اطلاعات ما همواره با برداشت خاص خود از آن روبرو هستیم. موردی که در نگارش‌های انتقادی حتماً باید مورد عنایت قرار گیرد آن است که درک و برداشت ما از منابع اطلاعاتی لزوماً با مقصود و غرض پدیدآورنده آن یکسان نیست. گرچه متن دارای ساختاری مدون و مشخص است، ولی هرگز برداشت‌های انسانی یکسانی از آن صورت نمی‌پذیرد. در ارتباط با میزان درک مفهوم در مخاطب همواره عواملی چون هنجارها، ارزش‌ها، ادراک و شناخت انسانی دخیل هستند. بر این اساس، دریافتی که مخاطب از متنی واحد دارد، ممکن است متفاوت با برداشت

۱. علم هرمنوتیک: نظریه تاویل در فلسفه شلایر ماخر، دیلتای، هایدگر، گادامر، ص ۱۱ - ۱۲

مخاطب دیگری باشد. این پدیده سبب شده تا به سنجش درک مخاطب در دریافت اطلاعات از متن توجه بیشتری شود. حتی در هنگام مرادوه رو در روی نیز ممکن است با مواردی برخورد داشته باشیم که از سخنی که با منظور مشخص بیان می‌شود، برداشتی کاملاً مغایر صورت پذیرد. زیرا در بسیاری از موارد وجود ایهام در بیان، و یا امکان برداشت معانی متفاوت از اطلاعات وجود دارد. علاوه بر آن پیشینه متون و منابع اطلاعاتی در ارتباط با نقد می‌تواند مورد ملاحظه قرار گیرد. بستر اطلاعاتی یکی از عوامل مهم در فرایند نقد محسوب می‌شود که بر اندیشه ناقد تاثیر می‌گذارد.

ظهور نقد همواره با توجه به زمینه و بستری است که اثر در آن ارائه می‌شود. یعنی منبع، با عنایت به نگارش‌های موجود مورد بررسی قرار می‌گیرد. هیچ نوشته‌ای در خلاء واقع نشده، بلکه انعکاسی از دنیای بیرونی است که تظاهر عینی پیدا می‌کند.^۱ علاوه بر زمینه نقد که در آن محیط مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد، برداشت ناقد از متن و منبع اطلاعاتی نقشی مهم در تبیین نقد برعهده دارد. تحلیل متن و فرضی که ما در درک اطلاعات داریم می‌تواند در ارائه نقدی پیراسته‌تر موثر باشد. برای شناخت متن و آغاز نقدی مطلوب، باید بر اصولی تکیه کنیم و بتوانیم با حمایت آنها به ادامه تحلیل و ارزشیابی متن پردازیم. در فرایند نقد امکان بروز تردید در باره‌ی برخی از پیش فرض‌های ما محتمل است.

ولی با آنکه هر یک از مفروضات ما ممکن است در معرض چالش قرار گیرد، مورد چالش قرار دادن همه آنها همزمان با هم غیرعملی است. بنابراین هر نقد باید تدریجی و تکه تکه باشد (برخلاف نظر کلی‌گرا نه و یکپارچه دوئم و کوئین)؛ و این راه دیگری از گفتن این مطلب است که قاعده کلی هر بحث نقدی عبارت از آن است که به مسئله خود بچسبیم، و اینکه باید آن را، در

۱. سخنی در باب نگارش‌های انتقادی: همراه با شرحی مختصر پیرامون آراء کارل پوپر در باره نقد منابع اطلاعاتی، ص ۲۸۱

صورت امکان، به پاره‌های جزئی تقسیم کنیم، و در زمان واحد برای حل کردن بیش از یکی از آن مسائل جزئی نکوشیم. هر چند که البته می‌توانیم همیشه از یک مسئله اضافی و فرعی آغاز کنیم، یا به جای مسئله خود، مسئله بهتری جانشین سازیم.^۱ بر این اساس، هسته اصلی بحث در نقد متون، مسئله بنیادی مورد مناقشه در نقد است. در نقد متون برداشت‌های ناقد از متن در واقع بر اساس پیشینه اندیشه و افکار او در باره موضوع مورد مناقشه است. ناقد با میزان درک خود از مسئله مطرح شده در متن به نقد اثر مبادرت می‌ورزد. پس در اینجا برداشت ناقد از محدوده بحث، ربط وثیق با شناخت و آگاهی او از موضوع و نیز ادراک پیشینی او از مسئله مورد نظر دارد.

ارتباط میان متن، معنا و نقد

معنای هر متن یک واقعیت پنهان است که باید به‌وسیله تفسیر برملا و آشکار شود. دلالت متن بر معنا در پرتو عمل تفسیر حاصل می‌شود. در واقع، متن به‌وسیله تفسیر به‌سخن می‌آید و آنچه را در درون خود دارد بیرون می‌ریزد.^۲ متن برای شناخته شدن بیشتر و درک محتوای آن مورد تحلیل قرار می‌گیرد. این بررسی همواره به منظور شناخت بهتر متن و دریافت معنای مورد نظر در آن انجام می‌پذیرد. برای درک مفهوم متن نیاز به آگاهی در باره موضوع و نیز محتوای اصلی متن است. متن از یک سو مورد مذاقه قرار گرفته و ابعاد و جنبه‌های معنایی آن بررسی شده و از سوی دیگر ارتباط میان منظور نویسنده و تاثیر آن بر درک خواننده مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در این میان تبیین مسئله معنا و مفهوم متن در نقد نقشی مهم برعهده دارد.

۱. حدس‌ها و ابطال‌ها: روش شناخت علمی، ص ۲۹۶

۲. هرمنوتیک، کتاب و سنت؛ فرایند تفسیر وحی، ص ۱۵

دشواری نظری عمده فراراه موضع انتقادی جدید، مسئله معنا بود. در چارچوب نظریه تجربی، متن، دارای معنایی واحد و مشخص، هر چند پیچیده، بود و مولف مرجع این معنا محسوب می‌شد. معنا آن چیزی بود که مولف در متن گذارده بود. نظریه پردازان بعدی با نفی دسترسی به قصد مولف به مثابه تضمین‌کننده معنا، خواننده را به عنوان مرجع تازه‌ای برای تعیین معنای واحد و تک‌صدایی متن، علم کردند.^۱ یعنی خواننده است که معنای متن را استخراج کرده و برداشت او از متن به منزله مفهوم عینی و بیرونی متن تظاهر پیدا می‌کند. در این نظریه استقلال متن از برداشت خواننده میسر نیست و متن با درک خواننده و تفسیری که او از متن ارائه می‌دهد نسبتی نزدیک دارد.

از سوی دیگر، آستین در نظریه فعل گفتاری بر این نکته تاکید دارد که معنی باید در شرایط کاربردی آن مورد بررسی قرار گیرد. محیطی حاکم بر گوینده و شنونده که در آن کلام تولید می‌شود، در معنادگی آن موثر است. محتوا و موقعیت زبانی و شرایط غیرزبانی گفتار، بافت آن را تشکیل می‌دهند. در واقع بافت عبارت است از محیط زبانی و غیرزبانی حاکم بر سخن. از همین جاست که بافت را به دو قسم زبانی و غیرزبانی تقسیم کرده‌اند.^۲ بنابراین بافت می‌تواند با تاثیری که بر درک متن برجای می‌نهد به شناخت بهتر متن و درک مناسبتر آن رهنمون شود. باید توجه داشت که تفسیر متن همواره با نگرش انتقادی همراه است. این نگرش تلاش می‌کند تا خواننده با شناخت پیراسته‌تری به برداشت‌های خویش از متن اقدام ورزد.

تفسیر متن به منظور فهم آن بر سه نگرش انتقادی زیر استوار است: ۱. درست فهمیده شدن هر متن تنها با تفسیر آن ممکن است. ۲. از هر متن تفسیرهای متعدد می‌توان داد. هر متنی وجود متعدد دارد و فهمیدن معنای متن

۱. عمل نقد، ص ۳۳

۲. راز متن: هرمنوتیک، قرائت‌پذیری متن و منطق فهم دین، ص ۴۳

یک مسئله بدیهی نیست. ۳. باید معنای درست متن را تشخیص داد و آن را انتخاب و توجیه کرد و تفسیرهای نامناسب و معانی نادرست را کنار گذاشت.^۱ با در نظر گرفتن این ابعاد در نقد متون می‌توان تلاش کرد تا به معنای واقعی و مناسب متن دست یافت. برای تفسیر و شناخت بهتر متن، با تکیه بر برداشت‌های صحیح می‌توان به نقد منبع اطلاعاتی دست یازید و کوشش کرد تا درک خواننده از متن را بیشتر به مراد پدیدآورنده اثر نزدیک کرد.

نسبیت و تحلیل متن

سنجش‌ها همواره از خصلت نسبی بودن برخوردارند. هیچ اندیشه کاملی وجود ندارد که روزی خدشه‌ای به آن وارد نشود. به این نکته باید توجه کرد که اندیشه‌های صحیح همچون دیگر کالاهای معرفتی، تاریخ مصرف نیز دارند. بی‌توجهی به این نکته ظریف سبب ابراز نظراتی می‌شود که ممکن است قبلاً بطلان آنها اثبات شده باشد. هرگونه اظهارنظر در زمینه مسائل علمی باید این مساله مهم را در نظر داشته باشد که آراء علمی همواره در معرض نقض و ابرام قرار دارند. نقدهای مکتوب نیز از این قاعده مستثنی نیستند. نقد همواره در سنجش موقعیتی که مورد مذاقه قرار می‌دهد، با نگرشی محدود به این مهم همت می‌گمارد. هر نقدی در حد توان و میزان درک و دریافت ناقد نسبت به برخی از جوانب متن به رشته تحریر در می‌آید. اگر ناقد دیگری در باره متن دست به نگارش زند، نگاه او متفاوت، و یافته‌ها و تحلیل وی نیز متفاوت خواهد بود. حتی اگر ناقد اول نیز پس از مدتی بخواهد دوباره به نقد اثر قبلی بپردازد، نظرات جدیدی مطرح خواهد ساخت. این نکته در بررسی‌های انتقادی نسبت به متون از اهمیت زیادی برخوردار است. باید توجه داشت که نقد

۱. هرمنوتیک، کتاب و سنت؛ فرایند تفسیر وحی، ص ۱۵

میزان درک ناقد نسبت به اثر بوده، و همواره امکان توسعه و ارتقاء این اندیشه وجود دارد. هر نقدی در حکم اثری است که می‌توان آن را کامل کرد. اطلاعات ناقد محصور در دایره زمان و مکان بوده و نگرش او نیز محدود و معین است. با این دیدگاه می‌توان به ارزشیابی مستمر آثار علمی پرداخت و اندیشه‌ها را تا زمانی که اعتبار آنها مخدوش نشده، معتبر و صحیح دانست. همواره باید این امکان را در نظر گرفت که نقد بعدی می‌تواند به نکات سودمندی اشاره کند که کامل‌کننده اثر قبلی است.

تودورف همچون بارت به معنای یکه‌ی متن بی‌باور است: متن در جریان دو بار خواندن یکسان نمی‌ماند؛ در هر بار خواندن معنایی تازه می‌یابد. و این علیه پوزیتیویسم در علوم اجتماعی است که معنای نهایی و قطعی را می‌جست. معنای نهایی نه اینکه دست یافتنی نیست، بل اساساً وجود ندارد.^۱ بر این اساس و بر مبنای نظر تودورف و بارت هر گونه برداشت از منبع اطلاعاتی همراه با درک نوینی از محتوای آن است. اگر بپذیریم که دستیابی به معنای نهایی قابل حصول نیست، در آن صورت فرایند تحلیل متن و ارائه برداشتهای مختلف بیشتر قابل قبول است. با این فرض امکان نقد متون در هر سطحی قابل پذیرش است. این مسئله در ارتباط با فرضیه^۲های علمی که در متون اطلاعاتی مطرح می‌شود قابل تطبیق است. فرضیه‌های نوینی که در متون علمی بیان می‌شوند و فقره‌های اطلاعاتی مبتنی بر آنها که به صورت اطلاعات مستند به ثبت می‌رسند، از این ویژگی برخوردارند که اکتشاف‌های نوین آنها را تکمیل می‌کنند و در برخی موارد به سستی اعتبار آنان می‌انجامند. البته در ارتباط با اعتبار مبانی علمی که مبتنی بر فرضیه‌های پایه خود هستند، معمولاً دستاوردهای نوین علمی به پشتیبانی و تقویت علمی آنها کمک می‌کند.

۱. Poétique, pp. 15-16 نقل در: ساختار و تاویل متن، ص ۱۷۳-۱۷۴

2. Hypothesis.

بنابراین، فعالیت نقد در یک چارچوب مدون که خود آن چارچوب نیز قابل نقد و تحلیل است انجام می‌پذیرد و نمی‌توان نظری نهایی در باره منبع اطلاعاتی صادر کرد و اندیشه‌های ما تا زمانی قابل استناد و بهره‌گیری هستند که توسط فرضیه‌ها و قوانین جدید نقض نشده باشند. این مفهوم در فلسفه تحلیلی نوین در ارتباط با نقد منابع اطلاعاتی کاربرد دارد و بر همین معیار آراء ما را در حوزه نقد، نسبی قلمداد می‌کند.

مبانی علمی و ارزیابی متن

هنگامی که برای تبیین پدیده‌های مشاهده شده معین فرضیه‌ای طرح می‌کنیم، البته آن را طوری می‌سازیم که وقوع آن پدیده‌ها را ایجاب کند؛ بنابراین، واقعیاتی که آن فرضیه باید تبیین کند جزء شواهد مؤید آن محسوب می‌شوند. اما بسیار مطلوب است که فرضیه علمی را شواهد جدید نیز تأیید کنند، یعنی شواهدی که هنگام تنظیم فرضیه شناخته نبوده‌اند یا به حساب نیامده‌اند؛ در واقع بسیاری از فرضیه‌ها و نظریه‌های علوم طبیعی را این گونه پدیده‌های جدید پشتیبانی کرده‌اند و در نتیجه بر میزان تأییدشدگی آنها افزوده‌اند.^۱ بنابراین تا زمان تأیید جامع‌تر متون اطلاعاتی و مبانی علمی، امکان تحلیل و بررسی بیشتری وجود دارد که در پاره‌ای از موارد متون علمی با گذشت زمان و توسعه آتی گزاره‌های موید و فرضیه‌های نوین دارای استحکام بیشتری می‌شوند. ردپای این مسئله در قرن هجدهم و به خصوص در رابطه با درک مفهوم متن مورد توجه قرار گرفته بود. چنانچه در باره تنگناهای شناختی و درک متون اطلاعاتی تلاش می‌کردند تا به کُنه موانع شناختی دست یابند.

۱. تاریخچه نقد ادبی، ص ۴۵

متفکران سده هجدهم حتی در جایی که محدودیت مفهومی را برای بررسی آثار ذوقی می‌پذیرند و در آنها وجود عنصری خردگریز را تصدیق می‌کنند، خواهان شناختی روشن و استوار در باره همین محدودیت هستند.^۱ درک این معنا خود سبب تحول مهمی در سیر اندیشه انتقادی شد. به‌ویژه آنکه با گسترش دامنه علم و به وجود آمدن تخصص‌های مختلف ابعاد متناظری در این حوزه ظهور کرد. یکی از مسائل مهمی که با توسعه مبانی علمی پدیدار شد، شکل‌گیری ساختار ترکیبی علوم و بحث شناخت بود. در این ارتباط توجه بیشتر به تخصص‌گرایی و جنبه‌های متعدد یک رشته علمی به پیشرفت گرایش‌های نوین در حوزه علم منجر شد. همین امر تقویت تخصص در یک رشته و یا گرایش خاص را به همراه داشت و باعث شد که متفکران در رشته‌های علمی به تقویت بیشتر دانش خود در حوزه‌های خاص بپردازند.

با پیدایش شکل‌های پیچیده‌تر دانش و ظهور رونق اقتصادی، متخصصان تمام وقت خود را صرف رشته‌ها و موضوع‌هایی از مهارت تخصصی خویش می‌سازند که، همراه با تکامل ابزارهای عقلی، ممکن است فاصله‌شان از ضروریات عملی زندگی روزمره پیوسته بیشتر گردد. خبرگان در این حوزه‌های خالص‌تر شده دانش دعوی مقام ویژه‌ای برای خود دارند.^۲ این مسئله می‌تواند دارای آثار مثبت و منفی باشد. از یک سو توانایی علمی آنان با تقویت تخصص‌ها پشتیبانی می‌شود و از سوی دیگر موقعیت بالاتر علمی ممکن است رگه‌هایی از جزمیت در آنان پدید آورد. مهمترین دستاوردی که در دوران معاصر از سوی برخی فیلسوفان علم چون پوپر مطرح شد، در واقع ارائه راه‌حل عملی برای مقابله با جزمیت علمی حاصل از توسعه و پیشرفت تخصصی علم بود. تلاش کسانی چون پوپر در مسئله فرایند نقد علمی بر این

۱. فلسفه روشنگری، ص ۴۲۰

۲. ساخت اجتماعی واقعیت: رساله‌ای در جامعه‌شناسی شناخت، ص ۱۶۰

مبنای مهم پایه‌ریزی شد که ما ضمن پذیرش کاستی‌ها در برداشت خود از قوانین و فرضیه‌های علمی، می‌توانیم مطمئن باشیم که با بهره‌گیری از نقد امکان اصلاح خطاهای علمی وجود دارد.

نظریه‌ها تنها افزارهای کار نیستند. آنچه منظور ما به‌دست آوردن آن است، حقیقت است: ما نظریه‌های خود را در معرض آزمایش قرار می‌دهیم، به این امید که آنها را که درست نیست و حقیقت ندارد حذف کنیم^۱. برای دستیابی به این هدف، ما نیاز داریم تا از مبدایی فعالیت خود را شروع کنیم تا بتوانیم به دستاوردهای موثری برای تایید یافته‌های خود دست یابیم. هر چند که این مسیر چندان استوار نیز نباشد. ولی بدون تردید، بهره‌گیری از عقلانیت و انتقاد در این حوزه کارآمد است.

بدین‌گونه ما با یک نقطه عزیمت مبهم آغاز می‌کنیم، و بر روی شالوده‌های غیرمطمئن بنایی می‌سازیم. ولی می‌توانیم پیشرفت کنیم: گاه می‌توانیم، پس از مقداری انتقاد، متوجه آن شویم که حق با ما نبوده است: می‌توانیم از اشتباه‌های خویش چیز بیاموزیم، از فهمیدن این که اشتباه کرده‌ایم... بنابراین، نخستین رای و نظر من آن است که نقطه عزیمت ما عقل سلیم است و انتقاد افزار بزرگ ما برای پیشرفت است^۲. این ایده امروزه در فرایند نقد منابع اطلاعاتی تأثیر به‌سزا بر جای نهاده است. در محیط‌های علمی تمامی آثار منتشر شده می‌توانند مورد نقد قرار گیرند و بسیاری از آنان در یک فرایند تحلیلی در مجله‌های تخصصی و یا دیگر رسانه‌ها نقد می‌شوند. همچنانکه می‌دانیم، فرایند نقد در محیط‌های علمی گرچه فعالیتی مقبول و پذیرفته شده است، ولی مبتنی بر شالوده و زیربنای فلسفی است. بر همین مبنا نیز فعالیت‌های علمی در این حوزه با تکیه بر مبانی عقلانی و روش‌های علمی انجام می‌پذیرد. پوپر با این رویکرد بیان

۱. جهان باز: برهانی در تایید نامعین‌گیری. جزء دوم از پی‌نوشت بر منطق اکتشاف علمی، ص ۱۶۰

۲. شناخت عینی: برداشت تکاملی، ص ۳۷

می‌کند که تنها یک عنصر عقلانیت در تلاش‌های ما برای شناخت جهان وجود دارد، و آن آزمایش نقدی نظریه‌های ما است.^۱

از سوی دیگر اقدام به تحلیل و انتقاد، خود مستلزم داشتن شناختی عمیق و مستند است. به ویژه در جایی که افراد در یک حلقه انتقادی و مشترک به فرایند نقد می‌پردازند. بنابراین نقد در بستری واقع می‌شود که آن سطحی اولیه از دانش تخصصی است و بدون شناخت کافی اساسا فعالیت در حوزه‌های انتقادی ابتر و عقیم است.

اشخاصی که در یک بحث نقدی پرثمر دخالت دارند، غالبا اگر ناخودآگاه هم باشد، بر دو چیز اعتماد می‌کنند: یکی این که هر دو طرف دعوی این را می‌پذیرند که هدف مشترک آنها دست یافتن به حقیقت یا دست کم نزدیکتر شدن به آن است، و دیگر اینکه مقدار قابل توجهی از شناخت مشترک دارند. این بدان معنی نیست که هر یک از این دو چیز مبنایی ضروری برای هر بحث است، یا آنکه این دو چیز خود از دانسته‌های پیش از تجربه است و نمی‌تواند به نوبه خود در معرض بحث نقدی قرار گیرد. تنها به این معنی است که نقادی هرگز از عدم آغاز نمی‌شود، هر چند هر یک از نقطه‌های آغاز آن می‌تواند، هر یک در زمانی، در جریان مجادله نقدی مورد چالش واقع شود.^۲

نتیجه‌گیری

تفکر انتقادی ریشه‌ای عمیق در تاریخ اندیشه دارد. فیلسوفان و اندیشمندان متعددی در ارتباط با موضوع شناخت، درک، فهم و قدرت تحلیل و انتقاد سخن گفته‌اند. تلاش مستمری در طول تاریخ اندیشه بشر برای تبیین وضعیت

۱. حدس‌ها و ابطال‌ها: روش شناخت علمی، ص ۱۸۷

۲. حدس‌ها و ابطال‌ها: روش شناخت علمی، ص ۲۹۵

دانش و ملاک و میزان صحت آن وجود داشته است. این شیوه نگرش به انسان و طبیعت، در قالب معیارهای تفکر فلسفی و تحلیل انتقادی مطرح شده است. اهمیت فعالیت در حوزه نقد منابع اطلاعاتی در جهان معاصر بسیار افزایش یافته است. با گسترش این مفهوم در دوران معاصر ابعاد معرفت‌شناسانه این زمینه موضوعی نیز مورد عنایت قرار گرفته است. محدود بودن درک آدمی از متن و به تبع آن پذیرفتن محدودیت فهم انسان از متن باعث شده تا او به شناخت معیارهای معرفت‌شناسانه توجه بیشتری داشته باشد. برای رسیدن به این مقصد، میزان درک متون و قدرت بهتر شناخت اطلاعات از اهمیت بالایی برخوردار است.

فرضیه‌های دانش بشری، با تکیه بر فلسفه و شناخت علمی به باز می‌نشیند و به ناقدان کمک می‌کند تا شناخت بهتری از متن داشته باشند. پیشینه فکری، مبانی نظری اندیشه ناقد، و همچنین فضای علمی و فرهنگی زندگی ناقد در درک اطلاعات و فرایند نقد بسیار موثر است. در ارتباط با نقد منابع اطلاعاتی، امکان تحلیل معنای متن در زمان و مکان دیگری غیر از عرصه‌ای که مولف به پدیدآوردن اطلاعات همت گمارده، وجود دارد که این مسئله به ارائه طیف وسیعی از برداشت‌های مختلف از اطلاعات منجر می‌شود.

تاویل و تشریح محتوایی اطلاعات مندرج در متن، با بهره‌گیری از فقره‌های اصلی معنایی در آن امکان دارد. برای نگارش یک نقد سودمند و موثر، ناقد تلاش می‌کند تا محتوای اصلی متن را دریابد و بر اساس معنای هسته که ساختار متن را تشکیل می‌دهد به تحلیل مناسب مبادرت ورزد. یکی از مواردی که در نقد متون باید مورد توجه قرار گیرد تا نتیجه به نحو مطلوب ارائه شود، آن است که در هر متنی امکان برداشت‌های گوناگون وجود دارد و ناقد می‌کوشد تا تحلیل واقع‌گرایانه‌ای از متن ارائه دهد. باید توجه داشت که هر گاه متنی مورد نقد قرار می‌گیرد، در نقش یک موجود مستقل است که جدا از

تأثیر شخصیت نویسنده تحلیل می‌شود. متون مختلف این امکان را در ذات خود دارند که توسط ناقدان متعدد تاویل شوند و نظر آنان را پذیرا شوند. در فرایند نقد منابع اطلاعاتی، تحلیلی که ناقدان از آن ارائه می‌دهند، برداشت‌هایی است که آنان از درک متن به دست می‌آورند. بنابراین باید به این نکته مهم توجه کرد که ممکن است شناختی که ما از متن به دست می‌آوریم و درکی که از اطلاعات یک متن داریم، لزوماً با مقصود پدیدآورنده آن همگون نباشد. این مورد باید حتماً در نقد متون مورد توجه قرارگیرد و این نکته مهمی است که در ارزشیابی فرایند نقد می‌تواند مورد ملاحظه قرار گیرد.

برای درک معنای اطلاعات مندرج در متن، ضروری است تا محتوای اصلی متن مورد مذاقه قرار گیرد و موضوع اصلی آن تبیین شود. در واقع باید با مطالعه در باره معنای گزاره‌ها تلاش کرد تا به مفهوم اصلی آنها پی برد. هدف نویسنده از نگارش متن و تأثیری که بر مخاطب بر جای می‌نهد مورد تحلیل قرار می‌گیرد. با در نظر گرفتن موارد پیش گفته در نقد متون می‌توان امیدوار بود که به معنای مناسبتری در درک متن نزدیک شد. به منظور تاویل و شناخت بهتر اطلاعات مندرج در متن، بهتر آن است که برداشتهای خود را تا زمانی معتبر بدانیم که اندیشه استوار دیگری آن را نقض نکرده است. با این رویکرد می‌توان انتظار داشت که نقد منبع اطلاعاتی بیشتر به برداشت صحیح نزدیک باشد.

فصل سوم

مولفه‌های اصلی در نگارش نقد

سنجش اعتبار نقد

اساساً نقد متن با هر رویکردی که از آن تاثیر پذیرد، فعالیتی علمی است و این فعالیت مبتنی بر روش و مبانی علمی است. به تعبیر دیگر نقد، روش مند است و بر اساس خط مشی مدون انجام می شود. در این میان اجزای اثربخشی نیز نقش خویش را ایفا می کنند. بر همین مبنا، اعتبار نقد با تکیه بر چنین شیوه ای شکل می گیرد.

برای سنجش میزان اعتبار نقد، باید به عناصر متعددی توجه کرد و از جنبه های گوناگون به بررسی اعتبار نقد پرداخت. این عوامل معمولاً در یک فرایند ترکیبی و در کنار یکدیگر مورد بررسی قرار می گیرند و هر یک سهمی در تعیین معتبر بودن نقد دارند. برخی از این عناصر از زمان گذشته مورد بهره برداری قرار گرفته اند و تاثیر خود را در بستر تاریخی بر جای نهاده اند.

اینکه آیا اصولی خاص نقدی که در گذشته بیان شده برای تمامی زمان ها معتبر است یا خیر، جای پژوهش دارد، اما این خود حقیقتی است که اعتقاد بر درستی^۱ آنها، قالب بی شماری از شاهکارهای ادبی را شکل بخشید و محتوای

1. Truth

آثار را نیز تعیین کرد.^۱ به هر حال می‌توان از نتایج ارزشمند پیشینیان بهره گرفت و در فعالیت‌های جاری از آنها استفاده کرد. باید اذعان کرد که از زمره فعالیت‌های دشوار در بررسی متون انتقادی، مطالعه وضعیت نقد و ویژگی‌های آن است. برای ارزیابی یک نقد توجه به زوایای گوناگونی ضروری است تا شخص بتواند به قوت و استحکام نقد پی ببرد. از سویی شیوه‌ی نگارش و مشی ناقد در نقد، واز سوی دیگر تحلیل ارائه شده از نوشتار مورد نظر باید مبتنی بر روش‌شناسی علمی باشد. همچنین باید در تمامی مراحل نقد، رعایت انصاف در نوشتار به عمل آمده باشد. در این میان تشخیص برخی از مسائل در نقد ممکن است به راحتی انجام پذیرد. مانند مشکلات نگارشی و املائی. ولی در بحث مربوط به نکته‌های تحلیلی و بررسی ابعاد و زوایای پنهان متن، کار به راحتی انجام نمی‌پذیرد. در این رابطه شناخت کافی از بحث ضروری است تا بتوان نسبت به ارزیابی نقد اقدام کرد.

نکته‌ی اول و کلیدی در نقد

تادیه^۲، اظهار داشته که تأویل و تفسیر جزء متن است. تفکر نو، کوشیده است تا چند صباحی اندیشه‌آفریننده و اندیشه‌آفریده را کنار بگذارد. از نظر رولان بارت^۳ و برخی از دوستانش، دیگر مؤلفی وجود ندارد، بلکه هر چه هست متن است، که بیش‌تر به ناقدان تعلق دارد تا به نویسندگان^۴. همچنین، باید تلاشی عمیق صورت پذیرد تا بتوانیم در نگارش انتقادی به خلق نقدی مناسب و صحیح دست یابیم. در این زمینه، ضروری است که از متون ردیف اول و

۱. تاریخچه نقد ادبی، ص ۹

2. Tadie.

3. Roland Barthes.

۴. نقد ادبی در قرن بیستم، ص ۹

نسخه‌های اصلی متن بهره‌گیریم و با توجه به نقدهای دیگری که درباره آن متن نوشته شده، اطلاعات بیش‌تری درباره متن به‌دست آوریم.

در همین خصوص، پیری^۱ بیان داشته که سعی کنید برای نقد هر اثر، بیش از یک انتقاد از متن اولیه - که مشغول رسیدگی به آن هستید - مطالعه کنید. به قسمت‌هایی از نقدها که با یکدیگر ناسازگار است، توجه کنید نه به قسمت‌هایی که نتایج خوب را به وضوح و یک کلام نشان می‌دهد، بلکه به قسمت‌هایی که دیدگاه‌های متفاوت را بیان می‌کند.^۲

معمولاً ما فرض می‌کنیم نسخه‌ای که در مقابل داریم، بدون هیچ تفاوتی با نسخه اصلی به دستمان رسیده است. اما در بسیاری از مواقع قضیه کاملاً برعکس است؛ آنچه پیش روی ماست، مقابله دقیق نسخ متعدد، تفسیرها، و حک و اصلاحات یا حدس و گمان‌هاست؛ و چون مطالعه روایت‌های غیردقیق هر چیزی، از نظریه‌های اقتصادی گرفته تا آثار ادبی، کاری است بی‌معنی، مگر آنکه به قصد تعیین متن اصح صورت گیرد (یعنی متن منقح)، تصحیح متون دین بسیار بزرگی بر گردن ما دارد.^۳ بنابراین بویژه در زمینه متون کهن (کلاسیک)، بررسی و تحلیل متن تصحیح شده از اهمیت بالاتری برخوردار است. این، نکته‌ای است که در بسیاری از نگارش‌های انتقادی مورد توجه قرار می‌گیرد. تصحیح متون، خود ارتباط مستقیم با فرایند نقد دارد، و مصحح صاحب‌نظر، خود ناقدی چیره‌دست است.

1. Pirie.

۲. چگونه نقد بنویسیم؟ (روش نوین نگارش رساله، نقد دانشگاهی؛ نقد تطبیقی و نقد هرمنوتیک و انواع

نقد، ص ۶۶

۳. مبانی نقد ادبی، ص ۳۶

انتخاب صحیح

در نقد، باید روشی را انتخاب کرد که با راهنمایی‌های حرفه‌ای مناسب‌تر است^۱ و به ابعادی توجه داشت که امکان تحلیل بهتر اثر را فراهم می‌کند. از سوی دیگر شایسته است ناقد کتابی را نقد کند که در حوزه کاری او باشد و زمینه‌ی فکری و تخصصی آن را داشته باشد؛ همچنین اثر روزآمد بوده و از اهمیت بالایی در عرصه علمی مورد نظر برخوردار باشد. همین امر سبب خواهد شد تا ارتباط میان نقد و توسعه علمی به شکل مناسب‌تری برقرار شود.

نقد تحلیلی^۲ عبارت است از عمل نگارشی که ما را به خلاصه‌سازی^۳ و تحلیل یک متن بر می‌انگیزد. نقد تحلیلی می‌تواند در باره یک کتاب، یک فصل، و یا یک مقاله در مجله باشد. نگارش نقد، معمولاً نیازمند مطالعه اجزای متن انتخاب شده و نیز خواندن دیگر متون مرتبط است؛ به گونه‌ای که ما بتوانیم تحلیلی منطقی و منصفانه در باره اثر انجام دهیم^۴. بهتر است که این بررسی همواره در چارچوب دقت نظر و تمرکز مناسب قرار گیرد. زیرا برای ارائه نقد مطلوب، ضرورت دارد تا همواره ناقد با دیده‌ی موشکافانه و بدور از غرض اقدام کند. در عین حال، داشتن نگرش تردیدآمیز تا حد معقولی کارآمد است.

در اینجا باید به نکته مهمی اشاره کنیم، و آن بیان این مفهوم است که نگرش همراه با تردید به نقد می‌تواند به خواننده بینشی دهد که او با دقت بالاتری به محتوای نقد پرداخته و بتواند تلاش کند تا به برداشتی بهتر و نزدیکتر با نظر نگارنده دست یابد. البته باید به این مهم نیز اشاره کرد که این تردید در مطالعه نقد باید در حد متعادل باقی بماند. افراط در این مسیر می‌تواند به نتایج نامطلوبی منجر شود که همواره آراء و نظرات دیگران را در

-
1. The Book Review or Article Critique
 2. Analytical review
 3. Summarization
 4. Writing a Critical Review

مظان اتهام قرار دهد. بنابراین، به نظرمی‌رسد که ایجاد تعادل در این خصوص باید با دقت بیشتری انجام شود تا شخص بتواند میان اندیشه‌ی تردیدآمیز و پذیرش آراء ناقد، نسبتی منطقی و متعادل برقرار سازد.

روش بررسی نقد

روش‌هایی که در تدوین نقد متون و فرایند بررسی محتوای آن استفاده می‌شود، در حکم معیاری برای سنجش اعتبار متن است. روش علمی در بررسی نقد متون، تابع ضوابط و معیارهای روش‌مندی است که در فرایند نقد مورد بهره‌گیری قرار می‌گیرد. روش‌های گوناگونی در نقد متون وجود دارد که ناقدان با توجه به سلايق و علايق خود از شیوه‌ای خاص تبعیت می‌کنند. روش پرداختن به نقد از این جنبه حائز اهمیت است که حاکی از معیارها و ارزش‌های مقبول ناقد است و او با تکیه بر چنین زیرساخت ذهنی به تدوین و نگارش نقد مبادرت می‌ورزد.

هدف اصلی از نگارش نقد، ارزشیابی و تحلیل است. این هدف نیازمند آن است تا ناقد بتواند درک، دریافت و نگرش خود را به سوی نقدهای ارزشمند هدایت کند. همچنین توصیف مناسبی کرده و تاویل خوبی ارائه دهد. علاوه بر آن، ناقد باید بتواند متن را شناسایی، خلاصه‌سازی و مهم‌تر از همه، ایده‌ها و اطلاعاتی را که نویسنده مطرح ساخته، ارزشیابی کند.^۱ این اقدام‌ها می‌تواند نقش به‌سزایی در اتخاذ روش‌های سودمند بررسی نقد داشته و ناقد را در این مسیر کمک کند. در واقع با تکیه بر توانایی‌های سنجش و ارزیابی نقد، یک نوشتار مفید برای درک محتوای اثر پدید می‌آید.

1. University of Washington [website]

برخی از نقدهای کتاب به خلاصه‌سازی محتوای کتاب به شکل فشرده می‌پردازند و سپس به ارزیابی آن مبادرت می‌ورزند. برخی دیگر به یکپارچه‌سازی نقش‌های مطرح شده توجه می‌کنند، یادداشت‌هایی در خصوص آن می‌نگارند و با به‌کارگیری خلاصه‌ها، بیشتر به بیان نمونه‌ها و مثال‌ها اشاره دارند^۱ که هر یک از روش‌های مورد نظر در جای خود دارای فواید و سودمندی‌های حرفه‌ای است و در مجموع شرایطی مناسب برای تحلیل اثر فراهم می‌سازد.

روش‌های مدون و مبتنی بر روش‌شناسی علمی حاکی از شناخت و آگاهی مناسب ناقد از فرایند نقد علمی و معتبر است. بر این اساس نقد در قالبی تدوین می‌شود که کمترین میزان سوگیری و تعصب^۲ را در بر داشته باشد. تسلط بر روش‌شناسی علمی نقد، با توانایی تخصصی و فنی ناقد همراه است. در نگارش نقدهای معتبر، ناقد بر ابعادی تکیه می‌کند که حاوی بیشترین میزان شناسایی ساختار کلان متن است. به هر میزان که ناقد در پردازش نقد به هسته‌های اصلی و شاخص‌های کلان می‌پردازد، و از بیان نکات خرد و جزئی در حجم زیاد، و یا توجه بیش از حد به غلط‌ها و مشکلات املایی امتناع می‌ورزد، در واقع تسلط او در نگارش نقد و عنایت به اعتبار بیشتر نگارش تحلیلی آشکار می‌شود.

مطالعه دقیق و دوباره متن

به هر حال، برای درک مناسب متن ضروری است تا ناقد بیش از یک بار به مطالعه اثر بپردازد و لااقل در دو نوبت به این کار مبادرت ورزد تا بتواند درک بهتری از منبع اطلاعاتی داشته باشد. چه ناقد از ایده تردید به موضوع اثر بنگرد و چه با تکیه بر نگرش اعتماد به این بحث وارد شود، مطالعه بیش از یک بار متن می‌تواند حاوی فوایدی باشد. در واقع دقت و قدرت تمرکز و تحلیل بهتر

-
1. The Book Review or Article Critique
 2. Bias

از زمره مواردی است که قطعاً به ناقد کمک می‌کند تا به بررسی مناسب‌تر دست زند و به نتایج مطلوبی رهنمون شود.

خواندن کتاب با دقت برای اولین بار سبب می‌شود تا ایده کلی از مقصود نویسنده و نیز هسته‌های اصلی نظر او مشخص شود. مطالعه کتاب برای بار دوم، باعث می‌شود تا به برخی از انتظارات ناقد پاسخ داده شود. نظیر: هدف و دیدگاه نویسنده، نوع شواهدی که برای اثبات منظر نویسنده به کار گرفته شده است. متقاعدکننده بودن شواهد، چگونگی شکل‌گیری ساختار کتاب، بحث بررسی توسعه آن نسبت به دیگر کتاب‌های مشابه و هم موضوع بر اساس نظم و منطق، برخورداری تخصص لازم و ضروری نویسنده برای نوشتن کتاب، میزان موفقیت‌آمیز بودن تلاش مولف در بیان هدف خود در نگارش متن و ارزیابی نهایی ناقد از کتاب^۱.

تشریح و تحلیل عناصر اصلی متن

ناقد باید سعی خود را معطوف به آن کند که بتواند عناصر اصلی متن را معرفی، تشریح و ارزیابی کند. در این رابطه توجه به نکات کلیدی باید با تامل و دقت انجام پذیرد. در واقع پس از مشخص ساختن عناصر اصلی، تحلیل آن دارای اهمیت بیشتری است. بررسی بیشتر و تبیین ارتباط میان کانون‌های اصلی متن می‌تواند به ارائه نقدی مطلوب منجر شود. ناقد می‌تواند تلاش کند تا شاخص‌های اساسی را تشریح و تحلیل کند. او نیاز دارد تا مسائل پیش پا افتاده و ساده را کنار گذاشته و به آنها توجه نکند. یکی از مسائلی که باعث می‌شود تا ناقد در مسیر نقد به انحراف کشیده شود، عنایت بیش از حد به مواردی است که اصولاً اهمیت پرداختن ندارد. به عنوان مثال پرداختن زیاد به

1. University of Washington [website]

ظواهر چاپی یا صفحه‌آرایی متن می‌تواند ذهن ناقد را از مسیر اصلی نقد خارج سازد. البته ضروری است تا بتواند به کانون‌های بنیادی توجه کند و هر یک از محورها را در ارتباط با دیگر مولفه‌ها به بوته نقد کشد.

موقعیت علمی نگارنده‌ی نقد^۱

یکی از معیارهای مهم در سنجش اعتبار نقد متون، بررسی شخصیت علمی نگارنده‌ی نقد است. به همین منظور، ارائه تحلیلی از دانش و توانایی ناقد در بررسی ضروری است. واضح است که این صرفاً یکی از عناصر تاثیرگذار در بررسی صحت و اعتبار نقد است، و این عامل در کنار دیگر عوامل قابل بررسی است.

برخی از اطلاعات کتابشناختی در باره نویسنده ممکن است قابل توجه باشد. اینکه کتاب از نظر بدیع‌بودن چه جایگاهی دارد؟ یا بیان این نکته که نویسنده از چه منطقه‌ای است؟ و یا آنکه کجا زندگی می‌کند؟ فعالیت‌های نگارشی پیشین او چیست؟ و چگونه تجارب قبلی علمی و عملی خود را در نگارش این اثر به کار گرفته است؟ همگی حائز اهمیت است.^۲

در واقع، موقعیت حرفه‌ای و توان علمی ناقد می‌تواند به عنوان یکی از عوامل اصلی در بررسی اعتبار نقد باشد. به‌ویژه حوزه‌ی فعالیت ناقد از منظر تخصصی و کارهای علمی او در این زمینه، عنصری تاثیرگذار محسوب می‌شود. به‌صورت کلی، انتظار می‌رود که منتقد یک متن از قدرت درک و تجزیه‌ی مناسب متن برخوردار باشد. از همین‌رو، تلاش ناقد در یک زمینه‌ی موضوعی، با عنایت به حیطه‌ی آگاهی و دانش او قابل ارزیابی است. معمولاً می‌توان از منظر تخصصی، شخصیت علمی ناقد را در حکم معیاری قوی و

1. Scientific position of reviewer
2. Grande Prairie Regional College [Website]

اثربخش برای سنجش اعتبار نقد در نظر گرفت، ولی همواره باید نسبت به دیگر عناصر موثر حساسیت داشت و آنها را نیز در کنار این عامل مهم، مدنظر قرار داده و در بررسی لحاظ کرد.

شخصیت علمی پدیدآورنده(گان)

توضیح دربارهٔ شخصیت علمی نویسنده(گان)، تحصیلات، تخصص، علایق، آثار علمی درخور توجه و زمینهٔ فعالیت علمی در عرصهٔ نگارش حرفه‌ای، از عناصر اصلی در نقد منابع اطلاعاتی است. یکی از عوامل مهمی که می‌توان با تکیه بر آن به نقد اثر نگارشی پرداخت، شخصیت و توان علمی نگارندهٔ اثر است. با تکیه بر فعالیت پدیدآورنده در حوزهٔ تخصصی موردنظر و زمینه‌های نگارش او، سبک و سطح قلمش، تا حد زیادی کیفیت اثر مشخص می‌شود. این عامل، در واقع یکی از مؤلفه‌های ضروری در تحلیل منبع اطلاعاتی است. از سوی دیگر، کاملاً مبرهن است که در نقد اثر علمی و یا نگارش ادبی، نمی‌توان صرفاً به اعتبار و یا توانائی‌های شناخته شده‌ی پدیدآورنده تکیه کرد؛ زیرا ممکن است که اثر نویسنده متفاوت با آثار قبلی باشد. نکتهٔ مهمی که در تبیین شخصیت علمی پدیدآورنده اثر می‌توان بیان کرد، آن است که بتوان با توجه به زمینهٔ موضوعی پیشین و علاقه‌مندی‌های حرفه‌ای در عرصهٔ نگارش، به بیان اهمیت و سطوح تخصصی و حرفه‌ای منبع اطلاعاتی پرداخت.

شیوه‌ی معرفی^۱ اثر

در رابطه با معرفی اثر، ناقد می‌تواند از شیوه‌های مختلفی بهره گیرد. این روش‌ها به جنبه‌های خاصی از معرفی توجه دارند. برخی از ناقدان کتاب را به اختصار معرفی می‌کنند و گروهی دیگر با بسط و توضیح بسیار به معرفی اثر

مبادرت می‌ورزند. پاره‌ای از ناقدان با بهره‌گیری از واژگان متن به معرفی می‌پردازند و برخی دیگر با استفاده از کلمات خاص خود. ناقدانی هستند که به ترتیب فصل‌ها^۱ و بخش‌های^۲ متن توضیح می‌دهند و کسانی نیز به روش کلی و خارج از نظم اثر به تشریح مفاهیم همت می‌گمارند. در تمامی شیوه‌ها مهم آن است که چارچوب مفهومی اثر به خوبی بیان شده و خواننده پیام اصلی متن را دریابد. ممکن است که در توضیحی ساده و مختصر، لب مطلب بهتر به خواننده منتقل شود تا در یک شرح مفصل و طولانی که چندان نیز واضح نیست. این مسأله‌ای است که لزوماً باید در نگارش نقد مدنظر قرار گیرد.

در معرفی اثر باید توجه کرد که موضوع اصلی کتاب یا مقاله چیست؟ چه دریافتی از مفهوم کلان آن وجود دارد؟ و برای چه گروهی از خوانندگان نوشته شده است؟^۳ با تکیه بر این عوامل می‌توان به روش بهتری به معرفی اثر همت گماشت.

معمولاً در یک بررسی ساده میان متن و نقد آن، مشخص می‌شود که روش معرفی متن تا چه اندازه با نوشتار اصلی مطابقت دارد. این انطباق می‌تواند در نقش معیاری موثر برای تعیین اعتبار نقد مورد استفاده قرار گیرد. زیرا میزان خلوص و شفافیت معرفی و ارائه اطلاعات منطبق بر محتوای کتاب، حاکی از دقت و مسئولیت‌پذیری ناقد در نگارش نقد است.

همچنین در معرفی اثر، توصیه کتاب برای دانشجویان و یا متخصصان از زمره مواردی است که باید در این بخش مورد توجه قرار گیرد^۴ تا خوانندگان سطح کتاب را ارزیابی کرده و در ارتباط با مطالعه اثر از این توصیه بهره‌مند شوند.

-
1. Chapters.
 2. Sections.
 3. The Book Review or Article Critique
 4. University of manitoba [Website]

روش تجزیه و تحلیل^۱ متن

مهم است که همواره به‌خاطر داشته باشیم که نقد ابزاری برای خواننده است، نه ارائه‌ای در حد و اندازه یک متخصص کارآموده ادبی. پس باید مراعات مخاطبان را در نظر داشت و به سمت سادگی در نوشتار پیش رفت.^۲ بنابراین اصل مهم در نگارش و تحلیل متن عبارت است از نوشتاری سلیس، روان و قابل درک برای خواننده و لذا در انتخاب روش مورد نظر باید به این امر اساسی توجه داشته باشیم.

در ارتباط با روشی که برای بررسی متن توسط ناقد انتخاب می‌شود، می‌توان اهمیت نقد را مورد بررسی قرار داد. در این رابطه، شیوه‌های متعددی در تحلیل متن وجود دارد که با عنایت به نظر ناقد و توانایی‌های او شکل می‌گیرد. ناقدی که از روش‌های مناسب برای تحلیل متن بهره می‌گیرد، به هسته‌های اصلی نوشتار توجه می‌کند و در همین راستا تلاش می‌کند تا بتواند به محتوای متن و مفاهیم پایه‌ی آن دست یابد. لذا در بررسی‌های خود نیز به ابعادی نظر دارد که مَقَوِّم محتوای اصلی متن به‌شمار می‌آید.

یک نقد تحلیلی، گزارش^۳ یا خلاصه متن نیست. خلاصه‌سازی‌ها یا ارائه گزارش‌ها به بحث در باره مندرجات برمی‌گردد، در حالی که نقد به ارزشیابی نقاط قوت و ضعف کتاب، اعتبار، تفسیر، تشریح و تحلیل باز می‌گردد.^۴ این عوامل در واقع باید مبتنی بر عامل دیگری باشد که عبارت است از بحث بی‌طرفی در بررسی‌های ناقد.

بی‌طرفی در تحلیل متن از زمره عواملی است که باید توسط ناقد رعایت شود. زبان نقد، زبان اصلاح و ویرایش است، نه زبان طعنه و کنایه. توجه به

-
1. Method of analysis
 2. Grande Prairie Regional College [Website]
 3. Report
 4. University of Washington [website]

نقاط ضعف، هم‌پای نقاط قوت، مهم و تاثیرگذار است. به هر میزان که ناقد به مسائل مربوط به تحلیل کاستی‌ها می‌پردازد، باید در کنار آن به عناصر تقویت‌کننده و توانمندی‌های نوشتار نیز عنایت داشته باشد. همچنین باید توجه داشت که روش بررسی متن، یعنی نوع نگاه ناقد به متن، حاکی از مجموعه‌ی توانایی‌ها، مهارت‌ها، نگرش‌ها و منظر ناقد است که در سنجش میزان اعتبار نقد، نقش پُرننگی ایفا می‌کند. بنابراین، همواره باید توجه داشت که تسلط ناقد به متن و ارزیابی او تا چه میزان با معیارهای تحلیلی نقد هم‌خوانی داشته و توانسته است از عهده‌ی چنین کار مهمی برآید.

اهمیت عنوان

یکی از معیارهای مهم نقد منابع اطلاعاتی، آن است که به این پرسش پاسخی مناسب داده شود: عنوان اثر تا چه میزان بیان‌کننده مفهوم و مبحث ارائه شده است؟ از نکات کلیدی^۱ در نقد کتاب، مشخص ساختن میزان ارتباط میان عنوان با مطالب ارائه شده در متن است. اهمیت عنوان به‌کار رفته در اثر، براساس عنوان‌های انتخابی برای فصل‌ها و بخش‌های کتاب، به‌خوبی قابل بررسی است. ربط^۲ منطقی که میان عنوان کتاب و رؤس مطالب آن وجود دارد، حاکی از توجه و دقت نویسنده در نگارش اثری معتبر و کارآمد است. واضح است که عنوان نیز همچون عوامل دیگر تحلیل کتاب، می‌تواند به‌عنوان عاملی در بررسی‌ها مورد نظر قرار گیرد. قبل از شروع نگارش انتقادی، می‌توان به سرفصل‌ها اشاره کرد. در این تقابل سودمند، رابطه میان عنوان و متن به‌خوبی نمایان می‌شود. عنوان کتاب در جذب مخاطب و نفوذ در دنیای نشر، نقشی بی‌بدیل ایفا می‌کند، همچنانکه نگارش سرخط روزنامه‌ها خود نوعی

1. Key elements.
2. Relevance.

فعالیت تخصصی است که موجب توجه و جذب مخاطب می‌شود. از جمله نکات ضروری در نگارش انتقادی، می‌توان به این نکته اشاره کرد که چنانچه عنوان مورد استفاده صرفاً جنبه تبلیغی داشته و فروش بیش‌تر کتاب را مد نظر قرار داده باشد، در نقد باید به این شیوه اشاره شود. درباره کتاب‌های علمی، باید اظهار داشت که نویسنده کم‌تر به این روش تکیه می‌کند. زیرا اعتبار علمی خود را با انتخاب نابجا کم‌رنگ می‌سازد.

بخش‌بندی اثر

توضیح توصیفی بخش‌بندی کتاب نیز با توجه به طرح کلی - که معمولاً در چارچوب بخش‌ها، فصل‌ها، و قسمت‌های مختلف ارائه شده - از عناصر مهم دیگر در نقد است. بخش‌بندی کتاب، معمولاً به شیوه‌ای متناسب انجام می‌گیرد. این تناسب، بسته به نوع نگارش متفاوت است. گاهی مطالب نویسنده، دارای وزنی متناسب در کل مجموعه کتاب است که مؤلف با تکیه بر یک نظم ساختاری در میزان فضای اختصاص داده شده به هریک از بخش‌ها، نوعی اعتدال در پیش می‌گیرد. در اثر علمی - که از تعادل در ساختار بخش‌بندی برخوردار است - ملاحظه می‌کنیم که هم از لحاظ حجم صفحه‌ها و هم از نظر میزان توضیح‌های ارائه شده در هر فصل و یا بخش، تعادلی نسبی در میان قسمت‌های مختلف کتاب برقرار شده است. در مواردی هم بنا به موضوع مطرح شده، ممکن است توضیح مباحث براساس اهمیت هریک از زیرمجموعه‌های ارائه شده، متفاوت باشد. تعیین شرایط و ویژگی‌های بخش‌ها و توضیح در باب تحلیل‌های ارائه شده، یکی از موارد بررسی ناقد است.

تحلیل موضوع

بررسی و تحلیل موضوع کتاب، میزان ارتباط موضوع کتاب با مبانی علمی - تخصصی رشته مورد نظر، و سنجش وضعیت اهمیت موضوع با ابعاد خاص حرفه‌ای نیز، یکی از معیارهای مهم در ارزیابی کتاب به‌شمار می‌آید. موضوع کتاب در درجه نخست، براساس وضعیت علمی، در زمینه رشته‌ای که کتاب در آن حوزه به رشته تحریر درآمده، مورد تحلیل قرار می‌گیرد. بر همین اساس، حجم درخور توجهی از متن و مفاهیم وابسته به آن باید درون محتوای تخصصی مطرح شده، و ابعاد خاص آن با مبانی و اصول پذیرفته شده در زمینه حرفه‌ای تناسب داشته باشد. حتی نوآوری‌هایی هم که در این عرصه به جامعه علمی ارائه می‌شود، تابع همین اصل است. زیرا نوآوری و ابداع‌های نوین، خود بر مبنا و زیرساخت علمی استوار است. این مفهوم، سخن معروف نیوتن^۱ را به خاطر می‌آورد که: اگر من از ارتفاع بالاتری بر علوم نظاره دارم، به آن دلیل است که بر شانه‌ی غول‌ها ایستاده‌ام. علاوه بر فروتنی علمی نیوتن در این سخن، اهمیت تلاش‌های پیشینیان و مبانی علمی سازمان داده‌ی دانشمندان قبلی هم به‌خوبی فهمیده می‌شود. شایسته است که جایگاه موضوع و مباحث مرتبط با آن در حوزه تخصصی و علمی مربوط با منبع، مورد مذاقه قرار گیرد. پک و کوئل^۲ درباره‌ی روش مورد استفاده نویسنده در تحلیل موضوع اثر، یادآور می‌شود که در نظر داشته باشید که متون مختلف، تنها وجوه مشترک ناچیزی دارند. هدف ما پیدا کردن روش انحصاری نویسنده مورد نظر، برای ارائه این وجوه مشترک است. شیوه‌های مختلف نویسندگان، به درونمایه‌های رایج، پیچ

1. Newton

2. Peck & Coyle.

و تاب‌های متنوعی می‌بخشد. در متن به دنبال چارچوب گسترده‌تری بگردید و ببینید ایده اصلی و موضوع اساسی چگونه پرداخته می‌شود.^۱

سطح نگارش

توضیح درباره سطح نگارش از لحاظ تخصصی، و نیز ساختار دستوری نگارش با توجه به موضوعی که به آن پرداخته شده، از دیگر عوامل مؤثر به‌شمار می‌رود. متون حرفه‌ای که در رشته خاصی به چاپ می‌رسد، باید با توجه به انتظاری که نویسندگان در مقدمه ایجاد کرده، رقم خورده باشد. این ویژگی، در دو جنبه مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ یکی نگارش از لحاظ زبان علمی و تخصصی که پدیدآورنده در آن حوزه به تولید انتشارات دست یازیده است، و دیگر از نظر رسائی و هموائی با مفهومی که نگارنده به آن می‌پردازد. در واقع، مباحث از نظر سطح تخصصی با معیارهای حرفه‌ای سنجیده می‌شود. زبان علمی، و سنخیت سطح نگارش با موضوع مورد بررسی، دو مقوله است که در نگارش‌های انتقادی باید مورد توجه ناقد قرار گیرد. سنجش هریک از این دو سطح، می‌تواند به‌خوبی مبین میزان تسلط صاحب اثر بر موضوعی باشد که در نگارش کتاب انتخاب کرده است.

ارتباط ساختاری میان بخش‌ها

بررسی میزان رابطه اندامگانی (ارگانیک) میان بخش‌ها و فصل‌های کتاب در راستای حفظ یکپارچگی و وحدت موضوعی و تخصصی در سراسر کتاب نیز، عاملی دیگر در ارزشیابی کتاب محسوب می‌شود. ایجاد نظم ساختاری و برقراری پیوند میان فصل‌های مختلف کتاب، خود به ایجاد متنی متعادل یاری

۱. روش مطالعه ادبیات و نقدنویسی، ص ۲۷۱

می‌رساند. ارتباط میان سرفصل‌ها و مطالب آن‌ها، نکته‌ای درخور توجه است. در کتاب تخصصی، لزوماً باید میان فصل‌ها و متن آن‌ها پیوندی ناگسستنی برقرار باشد. حفظ یکدستی در کلیت کتاب نیز، از همین نکته سرچشمه می‌گیرد. توازن ایجاد شده در کتاب، سبب رضایت خاطر خواننده می‌شود و او را به مطالعه کتاب ترغیب می‌کند. این هم نکته‌ای است که می‌تواند توجه ناقد را به خود جلب کند.

هسته‌ی اصلی بحث

تحلیل میزان توجه نویسنده (گان) به مبحث کلی و پرداختن به هسته اصلی موضوعی در مطالب ارائه شده نیز، در نقد کتاب مؤثر است. در منابع اطلاعاتی - که با بهره‌گیری از روش‌شناسی و به شیوه عالمانه تحریر شده - می‌توان هسته‌های اصلی مباحث را در قالب توضیح‌های ضروری و تکمیلی مشاهده کرد. پرداختن به لب اصلی محتوا و مفهوم علمی در هر اثر پژوهشی، رکن مهمی در تألیف آن به شمار می‌آید. به هر میزان که نویسنده از مطالب و شاخ و برگ‌های اضافی در نگارش اثر بهره گرفته باشد، می‌توان بیان کرد که امتیازهای منفی آن نیز افزایش می‌یابد. برخی از مؤلفان، از هر گونه آگاهی و اطلاعات خود در هر جا استفاده می‌کنند که این، شیوه‌ای نامناسب برای نگارش هر کتاب تخصصی شمرده می‌شود.

شیوه پردازش متن

روش پردازش^۱ مبانی و مباحث علمی در اثبات فرضیه‌ها و نظراتی که نویسنده ارائه داده، یکی دیگر از عوامل ارزشیابی منابع اطلاعاتی است. روشی که در

اثبات اندیشه‌های مورد استناد مؤلف ارائه شده، در واقع عاملی مهم در نقد محسوب می‌شود. اینکه نویسنده تا چه میزان توانسته است به اثبات و یا ابطال اندیشه‌ای پردازد و از روش علمی در این مسیر بهره گرفته باشد، یکی از مؤلفه‌های اصلی در ساختار نقد منابع اطلاعاتی است. در این باره، می‌توان به بررسی بیش‌تر برخی از مستندات وی در رویکرد مورد استفاده او اشاره کرد و با سنجش عناصر خاص علمی در این زمینه، به تبیین وضعیت ایده و نگارش وی پرداخت.

بررسی استنادها

تحلیل استنادها و ارجاع‌هایی که به منابع مختلف داده شده، هم از نظر میزان صحت استناد، و هم اعتبار منبع، عنصری دیگر در نقد شمرده می‌شود. در استنادهای ارائه شده در متن، می‌توان به این دو عامل مهم توجه کرد. میزان اعتبار منابعی که نویسنده در اثر خود به آن‌ها استناد کرده، معیاری مهم در سنجش کتاب محسوب می‌شود. هر چقدر استنادها به منابع معتبر علمی بیش‌تر باشد، می‌توان نتیجه گرفت که مؤلف در خلق اثر خود به اطلاعات ارزشمندی تکیه کرده است. استناد به منابع ضعیف و کم اهمیت از منظر علمی، اعتبار اثر را کاهش می‌دهد. از سوی دیگر، کاربرد بیش از حد استناد در منابع اطلاعاتی، به گونه‌ای که متن تبدیل به مرور نوشته‌های دیگران شود (مگر در صورت نگارش مرور متون با چارچوب فنی و تخصصی آن)، شائبه کتاب‌سازی یا همان حکایت معروف چسب و قیچی^۲ را یادآور می‌شود.

1. Reference.
2. Cut & paste.

بررسی صحت اطلاعات مندرج در نقد

برای سنجش اعتبار یک نقد، می‌توان از میزان درستی اطلاعاتی که توسط ناقد ارائه شده، به عنوان یکی از عوامل موثر در تعیین میزان اعتبار علمی آن استفاده کرد. براین اساس، اطلاعات ارائه شده توسط ناقد در نقش عنصری مهم و معیاری موثر برای سنجش نقد مورد استفاده قرار می‌گیرد. برای تحلیل چنین اطلاعاتی، بهره‌گیری از مبانی علمی ضروری است. در هر شاخه‌ای از علوم و یا فنون، مبانی و اصول شناخته‌شده‌ی علمی وجود دارد که می‌توان با تکیه بر آن، به ارزشیابی نظرهای نوین و آثار جدید منتشر شده پرداخت. طبیعی است که این بررسی توسط افراد متخصص و آشنا با مباحث مرتبط انجام می‌پذیرد.

قابلیت درک کتاب، سازماندهی مناسب موضوع، و کاربرد واژگان ساده در مقدمه، درگیر ساختن خواننده توسط نویسنده در ارتباط با پیچیدگی‌هایی که متضمن شناخت کلی در خصوص موضوع است، می‌تواند در تحلیل بهتر اثر لحاظ شود^۱ و به نوعی با بررسی درستی اطلاعات ارتباط برقرار سازد. در واقع صحت اطلاعات با عواملی چون درک مناسب کتاب در ارتباط است، زیرا باید خواننده توانایی شناخت مطلوب اثر را داشته باشد تا بتواند به ارزیابی دست زند.

استفاده از متون معتبر و نظر ناقدان دیگر

متون پایه و منابع مرجع^۲ در رشته‌ی مورد نظر، می‌تواند حاوی آگاهی‌های مناسب در این زمینه باشد. این بررسی با توجه به سنجش و ارزیابی میان پاره‌های اطلاعاتی متن و منابع معتبر و مرجع، سبب انجام تطبیق مطلوبی در این عرصه خواهد شد که برای اهل فن، معیاری قابل اعتماد و رهگشا

1. University of manitoba [Website]

2. Reference resources

محسوب می‌شود. باید بیان کرد که بررسی اطلاعات مطرح شده، با شناخت علمی جاری در آن حوزه که توسط صاحب‌نظران به تایید می‌رسد، در حکم معیاری معتبر محسوب می‌شود. علاوه بر آن، اطلاعات موجود در نقد، قابلیت بررسی با نقدهای دیگر را نیز دارد.

ناقدان در ارزیابی متن، باید به نقدهای دیگر نیز نظر داشته باشند. معمولاً تعداد قابل توجهی از متون بااهمیت توسط افراد مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرد. بهتر است که ناقد از نقدهای دیگران نیز در تحلیل خود بهره گیرد. به‌ویژه آثاری که توجه جامعه علمی^۱ را به خود جلب می‌کند. ممکن است در حوزه‌ی نگارش‌های انتقادی این اعتقاد وجود داشته باشد که اگر متنی توسط یک ناقد بررسی شد، نیازی به نقد دوباره‌ی آن نباشد؛ ولی به نظر می‌رسد که در موارد متعدد می‌توان از متنی مهم و تاثیرگذار، برداشت‌های مختلفی ارائه داد و بررسی‌هایی را از ابعاد گوناگون به انجام رساند. این مورد، به‌ویژه در متون علمی انگلیسی‌زبان قابل مشاهده است که از یک اثر مهم، نقدهای چندگانه‌ای منتشر می‌شود که هر یک در جای خود، دارای اهمیت و ارزش انتقادی است.

کاربرد روش‌های اثربخش در درک متن

برخورداری متن از شیوه‌های مؤثر در درک بهینه خواننده، همچون برجسته‌سازی نکات کلیدی، ارائه خلاصه‌های روشنمند و نظایر آن، یکی دیگر از عناصر تحلیل کتاب به‌شمار می‌آید. در بسیاری از منابع علمی، شاهد آن هستیم که نویسندگان با ارائه شاخص‌های مهم در متن، به خواننده در مطالعه خود کمک می‌کند. برجسته‌سازی مطالب اصلی و مهم در متن با استفاده از شیوه‌های

1. Scientific society

مختلفی چون علامت گذاری^۱، درشت نمائی^۲، خط زیرین واژه^۳، کج ساختن قلم/اریب نویسی^۴ و نظایر آن صورت می پذیرد. ولی مهم تر از آن، انتخاب نکات کلیدی و مهم در متن است. این که نویسنده تا چه حد به مفاهیم اصلی پرداخته و به چه میزان انتخاب او در این بخش مؤثر بوده، خود قابل بررسی و تحلیل ناقد است. همچنین ارائه چکیده از متن در ابتدای هر فصل کتاب و نیز نتیجه گیری در پایان آن فصل، از زمره عوامل مثبت در ارزیابی اثر به شمار می آید. برخی از نویسندگان معتبر در هر بخش از کتاب خود، در ابتدا خلاصه، و در انتها نتیجه گیری از مطلب خود را ارائه می دهند.

استفاده از شیوه های بیان دیداری

استفاده نویسنده از روش های بیان دیداری^۵ در توضیح اطلاعات ارائه شده، چون جدول، نمودار، نقشه، عکس، گراف و امثال آن، شاخصی دیگر در این عرصه است. باید توجه کرد که نویسنده به چه میزان و در چه قسمت هایی از اثر به این گونه از ابزارهای اثربخش تکیه کرده، و در نگارش خود از آن بهره گرفته است. در بسیاری از موارد، ارائه چنین راهبردهائی در متن به فهم درک بیش تر خواننده یاری می رساند. همچنین استفاده بجا و صحیح از چنین روش هائی، رغبت خواننده را به مطالعه افزایش می دهد. نویسنده در برخی موارد و در موضوع های خاص، لزوماً باید از این چنین ابزارهای بهره گیرد. کاربرد جدول و نمودار، یکی از شیوه های مهم بیان دیداری در آثار علمی است. در کنار آن، به کارگیری عکس ها و تصاویر نیز از اهمیت برخوردار است.

-
1. Signing.
 2. Bold.
 3. Underline.
 4. Italic.
 5. Visualize.

در زمینه آثار مختلف رشته‌های گوناگون، هر یک از روش‌های بیان دیداری اطلاعات می‌تواند سودمند باشد. در آثار تاریخی، نقشه، و در تحقیقات مبتنی بر اسناد، نمونه سند حائز اهمیت زیادی است. نگاره‌های تصویری، نمادها، نشانگرهای مختلف در آثار علمی، نقشی بسزا در درک بهتر متن برعهده دارند. استفاده بجا و متناسب از چنین راهبردهائی، می‌تواند یکی از امتیازهای مثبت اثر به‌شمار آید.

رعایت چارچوب منطقی در توضیح مباحث

ارائه مطالب در بخش‌ها و فصل‌ها با استفاده از چارچوب منطقی در شروع و توضیح کلیت بحث (مقدمه)، مطرح ساختن نکات اصلی، توضیح و بسط متناسب مطلب، و نتیجه‌گیری نهائی کتاب از مبحث ارائه شده، عامل دیگری در این حوزه است. نکته‌ای که در ساختار اثر باید به آن توجه داشت، این است که در متن مبتنی بر روش علمی، شروع بحث مؤلف با زمینه اولیه و توضیح دقیق فعالیت تخصصی او درباره موضوع موردنظر در کتاب آغاز می‌شود. فصل‌ها به ترتیب با تکیه بر نظم منطقی مبحث، بیان می‌شود و با حفظ رابطه ساختاری با موضوع به پیش رود. هر بخش به موضوعی مربوط به خود پرداخته و از اختلاط مباحث با یکدیگر در بخش‌های مستقل اجتناب ورزیده باشد. به عبارت دیگر، توازن ساختاری کتاب از عوامل مثبت ارزیابی است.

میزان ارتباط بحث با طرح کلی اثر

تحلیل میزان ارتباط مباحث با ساختار از پیش طرح شده (چارچوب یا فهرست مندرجات) و رابطه متناسب میان آن‌ها، عامل بعدی است. فهرست مندرجات، در واقع چارچوب بحث و فحص کتاب است. با مطالعه و بررسی فهرست مندرجات، می‌توان به ماهیت و سطح فعالیت حرفه‌ای در کتاب پی برد. نکته

مهمی که در بررسی فهرست مندرجات وجود دارد؛ آن است که ممکن است فهرست مندرجات با انتخاب عنوان‌هایی برجسته و شاخص انتخاب شده، ولی متن متکفل چنین عنوان‌های شایسته‌ای نباشد. ارتباط نزدیک و صحیح میان فهرست مندرجات و متن کتاب نیز، از زمره عوامل مهم در نقد کتاب است. بخش‌بندی فصول در فهرست مندرجات، دلیلی بر شیوه اندیشه تخصصی مؤلف در حوزه خاصی بوده که در کتاب به آن پرداخته است.

تبیین رویکرد پدیدآورنده(گان) در نگارش

رویکرد اصلی نویسنده(گان)، و روش به کار رفته در تحلیل و پردازش متن کتاب نیز، عنصری دیگر در ارزشیابی اثر محسوب می‌شود. بررسی موضوع تخصصی، در قالب روش پژوهشی^۱ متناسب با آن میسر است. در بررسی وضعیت کاربرد فناوری اطلاعات در کتابخانه‌ای مشخص، می‌توان از مطالعه موردی^۲ بهره گرفت. در حالی که برای سنجش وضعیت و کاربرد وبلاگ در کتابخانه‌های تخصصی، نیاز به استفاده از روش پیمایشی^۳ داریم. بر همین اساس، رویکردهای دیگری چون روش تاریخی^۴، تجربی^۵، پژوهش کیفی^۶ و جز آن در انواع پژوهش‌ها و نگارش‌های علمی حائز اهمیت است. سنجش تناسب میان موضوع و روش مورد استفاده در اثر، می‌تواند عاملی سودمند در نقد کتاب شمرده شود. لذا ناقد می‌تواند به این نکته مهم در نقد خود اشاره کند و از آن در معیارهای ارزیابی کتاب بهره بگیرد.

-
1. Research method
 2. Case study.
 3. Survey.
 4. Historical.
 5. Experimental.
 6. Qualitative research.

میزان تأثیرپذیری و تأثیرگذاری اثر

بررسی میزان تأثیرپذیری از، و تأثیرگذاری بر آثار علمی مهم در آن حوزه تخصصی، عامل بعدی است. تمامی آثار علمی و تخصصی، در پی تأثیرپذیری از آثار پیشین خود به رشته تحریر در می‌آیند. این فرایند حرفه‌ای، امری پذیرفته شده در مجامع علمی است. ساختار علم، همواره بر پایه‌هایی بنا می‌شود که سازندگان بیشماری در ساخت و پردازش آن دخیل بوده‌اند. میزان برخورداری از آثار علمی قبلی و همچنین تأثیری که اثر در زمینه حرفه‌ای و تخصصی مرتبط برجای می‌نهد، از زمره موارد اصلی در سنجش و تحلیل منبع به‌شمار می‌آید. برخی از آثار از نفوذی بی‌نظیر در زمینه فعالیت حرفه‌ای برخوردارند، و پاره‌ای از آن‌ها کم‌ترین تأثیر را بر جریان علمی رشته مربوط بر جای می‌نهند، و بعضی نیز به نحوی متعادل در این عرصه به نقش مؤثر خود می‌پردازند. تعیین این جایگاه نیز، می‌تواند در نگارش‌های انتقادی مطرح شود.

جامع‌نگری متن

میزان جامع‌نگری در مبحث ارائه شده، و در عین حال شیوه‌های اثربخش توضیحی درباره اجزا و عناصر مهم موضوع تخصصی نیز، مؤلفه‌ای دیگر است. جامع‌نگری در این عرصه، اصطلاحی نسبی است. این ویژگی، باید در حد متعارفی در کتاب به‌کار گرفته شده باشد. اساساً هر اثر علمی که در حوزه‌ای تخصصی منتشر می‌شود، ضرورت دارد که ابعاد مرتبط با بحث مطرح شده را پوشش دهد. بی‌توجهی نویسنده(گان) به جنبه‌های خاصی که مرتبط با موضوع کتاب است و در نگارش اثر مطرح نمی‌شود، از زمره نکات منفی آن به‌شمار می‌آید. همان‌طور که اشاره شد، این مقوله در زمینه مباحث مرتبط و ضروری در حوزه تخصصی بوده و این، امری است که در عرف نگارش‌های علمی، چه در پایان‌نامه‌ها و چه در کتاب‌ها و دیگر منابع معتبر نگارشی رعایتش ضروری است.

اعتبار علمی اثر

میزان اعتبار علمی اثر در حوزه موضوعی که به آن تعلق دارد، و نگرش متخصصان مرتبط به آن، عاملی مهم در معیارهای انتقادی است. با انتشار هر اثر مهم تخصصی، توجه صاحب نظران و متخصصان آن رشته به سرعت به سوی آن جلب می شود. در این میان، برخی اظهارنظرهای عالمانه افراد صاحب نام، می تواند برای ناقد راهگشا باشد. اعتبار علمی هر اثر معمولاً در حیات حرفه ای یک رشته علمی به شکلی برجسته ظاهر می شود. اقبال صاحب نظران و متخصصان از منبع اطلاعاتی در فعالیت آموزشی و پژوهشی، دلیلی بر اعتبار و ارزش علمی آن است.

شیوهی پرداخت منطقی

نقد تحلیلی می تواند بر اساس مبنای ارزیابی کتاب، مثبت یا منفی باشد. در نگارش یک نقد، ترکیبی از مهارت های مربوط به توصیف آنچه که در متن مشاهده می شود، صورت می پذیرد؛ چگونگی تلاش اثر برای قبولاندن مقصودش بررسی می شود؛ و پاسخ های ناقد تشریح می شود.^۱ در این حالت با طرح دلایلی که در متن بیان شده، به تحلیل دقیق تری پرداخته شده و تا حد زیادی نیز از مشی و روش استدلالی بهره گرفته می شود.

در ارتباط با ارزشیابی روش استفاده شده در نقد می توان به شیوه های پرداختن به نقد نیز توجه داشت. در این روش ها عنایت به روند منطقی و روش مند نقد حائز اهمیت است. پردازش سنجیده و مبتنی بر رعایت چارچوب های شناخته شده ی نقد می تواند حاکی از پیمودن مسیری قابل قبول و موثر در نگارش آن به شمار آید. مقدمه ی مناسبی که ابعاد مفهومی نقد را آشکار

1. University of Washington [website]

می‌سازد، تشریح مبحث و توضیح پیرامون معنا و هسته‌ی موضوعی متن، از زمره مواردی است که باید با نگارشی روان و مبتنی بر مبانی علمی حوزه‌ی مورد نظر تدوین شده باشد. از سوی دیگر، تحلیل ساختار اثر و معرفی مناسب آن می‌تواند در تکمیل اعتبار و وثوق نقد نقش به‌سزایی داشته باشد. در کنار آن و مهم‌تر از همه، ارزیابی دقیق متن با توجه به ساختار و چارچوب اصلی متن و توجه به جنبه‌های مثبت و منفی در نگارش منبع، در سنجش اعتبار نقد بسیار تعیین‌کننده است. در صورتی که این روند به‌صورت منصفانه و با توجه به عناصر تحلیلی و پیشنهاد شده برای نقد متون انجام شده باشد، باعث قوام و استحکام نقد می‌شود. مطلوب است که نتیجه‌گیری از کلیت متن بوده و حاوی نکات اصلی و کلان در تحلیل ساختاری متن باشد.

آراء متخصصان و صاحب‌نظران^۱

پژوهشگران و دانشوران باید ارتباط خود را با مخاطبان شایسته برقرار سازند و اندیشه خود را در معرض آراء انتقادی و نقدهای مستقل قرار دهند. معمولاً نتایج پژوهشی و عالمانه، به‌صورت وسیع از طریق انتشاراتی چون مقاله‌های مجله‌ها یا کتاب‌ها، اراء، بیان و یا از طریق همایش‌ها و کارگاه‌ها، اشاعه و اطلاع‌رسانی می‌شود.^۲ انواع شیوه‌های بیان مطالب علمی توسط متخصصان و اندیشمندان در حوزه‌های گوناگون علمی وجود دارد که شامل اراء پژوهش‌ها و مطالعات آنان است. در زمینه نقد آراء و متون نیز می‌توان از چنین آثاری بهره گرفت.

می‌توان با بررسی انتشارات مورد نظر در ارتباط با نقدهای موجود حجم اطلاعات ارائه شده را بررسی کرده و میزان اظهار نظر مناسب در باره یک

1. Opinion of specialist & proficient
2. Grande Prairie Regional College [Website]

مفهوم را به دست آورد. علاوه بر آن، نوع اطلاعاتی را که عرضه می‌کند، شناسایی کرد.^۱

البته ناقدان آگاه و متعهد، در نگارش خویش بر نقد و اظهار اندیشه، دارای سعه صدر و انتقاد بر برداشت‌های صورت گرفته هستند. اساساً ناقدان با ظرفیت، در اندیشه خود نیز تحلیل را روا می‌دارند و به امکان توسعه و تحول قدرت درک معتقدند. فرای نیز تصریح می‌کند که منتقدان شرافتمند کسانی‌اند که دم به دم در ذوق و سلیقه خویش نقص می‌جویند.^۲

علاوه بر آن، توصیه شده که برای نقد هر اثر، بیش از یک انتقاد از متن اولیه - که مشغول رسیدگی به آن هستید - مطالعه کنید.^۳ اتخاذ این شیوه به منظور بهره‌گیری بهتر از اندیشه‌هایی است که توان ارتقاء و پیشرفت مطلوب را در خود دارند. اندیشه صاحب‌نظران با در نظر گرفتن چنین عنصری، رو به رشد و بالندگی می‌گذارد و از بروز سوگیری جلوگیری می‌کند.

آراء و اندیشه‌های صاحب‌نظران در خصوص یک نقد می‌تواند از زمره معیارهای قابل اعتماد برای سنجش میزان اعتبار نقد باشد. در این رابطه می‌توان به تحلیلی که آنان از صحت و عادلانه بودن نقد ارائه می‌دهند به عنوان عنصری موثر در بررسی معتبر بودن نقد اطمینان داشت. به همین منظور، نگارش‌هایی که بر نقدهای انجام شده به رشته تحریر درمی‌آید از جمله ابزارهای سودمند برای این مقصود است.

در واقع نقد نقد^۴ یا تحلیل یک نقد و بررسی یک نوشتار انتقادی خود می‌تواند متنی راهگشا برای هدایت خواننده و ارزیابی اعتبار اثر به شمار آید؛

1. How to Write a Book Review

۲. تحلیل نقد، ص ۴۱

۳. چگونه نقد بنویسیم؟ (روش نوین نگارش رساله، نقد دانشگاهی؛ نقد تطبیقی و نقد هرمنوتیک و انواع نقد)، ص ۶۶

4. Criticism of criticism

مشروط بر آنکه این تحلیل از سوی صاحب‌نظر و متخصصی معتبر ارائه شده باشد و یا با مبانی علمی آن حوزه‌ی موضوعی هم‌سو باشد. در این قسمت نیز توجه به بحث سوگیری ناقد و عوامل تشخیص آن می‌تواند در تعیین اعتبار نقد موثر باشد. با وجود نقش اثربخش نقدهایی که در باره‌ی نقدهای مکتوب تهیه شده می‌توان بیان کرد، از این نکته نیز نمی‌توان غفلت ورزید که اظهارنظر متخصصان موضوعی معتمد، یکی از عوامل ارزشیابی نقد بوده و باید در کنار دیگر عناصر سنجش از آن بهره گرفت.

محمل انتشاراتی نقد^۱

از زمره معیارهای موثر برای سنجش نقد منابع اطلاعاتی می‌توان به محمل و منبعی اشاره کرد که نقد را ارائه می‌دهد. اعتبار منبع مورد بحث از این نظر قابل اعتناست که معمولاً منابع معتبر، نقدهای ضعیف و غیرعلمی را منتشر نمی‌کنند و بنابراین وقتی که نقدی در منبعی موثق و مهم به چاپ می‌رسد، می‌توان انتظار داشت که احتمالاً این نقد تا حد زیادی حائز معیارهای مورد انتظار بوده است. البته باید به این نکته‌ی مهم نیز توجه کرد که این معیار در کنار دیگر عوامل بررسی مطرح می‌شود و نقش عناصر قبلی در کنار این عامل قابل بررسی و تحلیل است. در جهان انتشارات، همواره یکی از معیارهای اصلی برای سنجش اهمیت و اثربخشی متن، اهمیت و اعتبار ناشر و محمل اطلاعاتی است و می‌توان با در نظر گرفتن چنین شاخصی به بررسی نگارش‌های انتقادی پرداخت.

در خصوص ناشر اثر باید تعیین کرد که چه ناشری به نشر کتاب مبادرت ورزیده؟ آیا کتاب توسط خود نویسنده منتشر شده یا ناشر ضعیفی دارد؟

سنجش خودانتشاری کتاب می‌تواند برخی موارد با دشواری همراه باشد، زیرا نویسنده می‌تواند برای خود تحت نام ناشری برانگیزنده – که البته کار سختی نیز نیست – به انتشار بپردازد، در حالی که با بررسی بیشتر مشخص می‌شود که آن نشر تنها یک تا چند اثر محدود از آن نویسنده منتشر کرده است^۱ که این امر می‌تواند موجب فریب مخاطب از نظر موضع اعتبار ناشر شود.

نسبی بودن تحلیل‌ها در نقد

نقد یک رشته علمی است که شامل تفسیر متنی، پژوهش‌های تاریخی و اندیشه نظری می‌شود^۲. همچنین از نظر تادیه، تأویل و تفسیر جزء متن است^۳. از این رو هم از بُعد تفسیری و هم از منظر اندیشه‌ای که ناقد در باب بررسی متن مصروف می‌کند، نقد با تفکر و نظر ناقد پیوندی ناگسستنی برقرار می‌سازد که در اینجا، تلاش برای دست یافتن به معنا و محتوای متن هدف نهایی قلمداد می‌شود. نقد همواره با پرسشی مهم در باب چیستی معنا همراه است. کاوش در باره ی‌گنه و ماهیت معنا به میزان شناخت و آگاهی ناقد بستگی دارد. تلاش برای دستیابی به مفهوم واقعی متن و اندیشه پدیدآورنده، یکی از فعالیت‌های موثر ناقد است. بلزی توضیح می‌دهد که نقد در تولید معرفت از متن، آنچه را که داده شده، فعالانه دگرگون می‌کند. نقد در مقام عملی علمی، نوعی فرایند تصدیق نیست، بلکه فعالیتی در جهت تولید معناست^۴.

استخراج مفهوم از دل متن و تطبیق معنا با برداشت ناقد می‌تواند پیچیده‌ترین مرحله‌ی تنظیم و تدوین نقد باشد. زیرا ناقد تلاش می‌کند تا با

1. Appreciating and Writing Book Reviews

2. Relativity of analysis

3. The character of criticism, p. 7

۴. نقد ادبی در قرن بیستم، ص ۹

۵. عمل نقد، ص ۱۷۹

تکیه بر عناصری به تحلیل متن مبادرت ورزد که برخاسته از تفکر نگارنده و پدیدآورنده‌ی اثر است. اینکه ناقد تا چه اندازه می‌تواند در این مسیر موفق باشد، به عوامل متعددی بستگی دارد. از یک سو شناخت او از حوزه‌ی موضوعی مورد نظر، در این عرصه تأثیری مهم در پی دارد، و از سوی دیگر قدرت درک و برداشت او از گزاره‌های مندرج در متن و تطبیق آن با پیش‌زمینه‌ی دانش و آگاهی‌های او در این عرصه موثر است.

همواره در برداشت‌هایی که ناقد از متن دارد، امکان خطا وجود دارد و ناقد باید در درکی که از متن داشته دقت بیشتری صرف کند. معنا همواره در بستری شکل می‌گیرد که دانش و شناخت ناقد آن را تقویت می‌کند. در واقع میزان شناخت ناقد و آگاهی‌های او پایه‌ای برای درک و شناخت معناست. علاوه بر آن، معنا آن چیزی است که پدیدآورنده در دل متن به ودیعه نهاده تا قدرت درک، شناخت و آگاهی خواننده، او را به معنا رهنمون کند. بنابراین، ناقد معمولاً در تحلیل اثر به بخش‌هایی از معنا دسترسی دارد و از همین‌رو، بررسی او منطبق بر درک و شناختی است که از متن به دست می‌آورد. این مساله به نسبی بودن بررسی در نقد منجر می‌شود و باید پذیرفت که ناقد در فعالیت خود با نوعی نسبیت مواجه است و نقد نیز در ارتباط با ارزشیابی متن به صورت کامل انجام نمی‌شود. اما راه‌کاری هم جز این نمی‌توان ارائه داد و در تمامی نقدهای مکتوب ما با این موضوع روبرو هستیم. یعنی ناقد همواره به اندازه‌ی حیطه توان و شناخت خود به نگارش نقد می‌پردازد و خواننده نیز حداکثر در همین حد می‌تواند به برداشت‌های مفهومی از ارزیابی متن نائل شود. حتی در برخی موارد میان درک خواننده از نقد و سعی و تلاش ناقد در نگارش آن، یک جریان منسجم و متعادل وجود ندارد.

نقد با نظام ارزش‌های ناقد پیوندی ناگسستنی دارد. این نظام همواره از دو سو با ارزیابی متن مرتبط است. هم با ویژگی‌های مثبت و هم با خصوصیات

منفی. هر دو سوی نظام ارزش‌ها در این زمینه نقش موثری ایفا می‌کنند. بنابراین باید در بررسی معیارهای نقد به این نکته‌ی مهم توجه کرد و همواره امکان بروز اختلال در سنجش اعتبار نقد را از این منظر مدنظر قرار داد.

نتیجه‌گیری

نقد منابع اطلاعاتی از زمره فعالیت‌هایی است که در چارچوب معیارهای علمی انجام می‌پذیرد. نقد فعالیتی روش‌مند و بر اساس ضوابط شناخته شده‌ای است که می‌تواند حاوی اطلاعات سودمندی برای حوزه‌ی موضوعی مرتبط باشد. نقد چارچوبی برای شناخت نقاط قوت و ضعف متن است و از طریق آن می‌توان به پالایش اطلاعات مبادرت ورزید. این فرایند سودمند سبب خواهد شد تا متخصصان رشته‌های متعدد علمی به یافته‌های نوینی دست یابند و باب آشنایی با دیدگاه‌های نوین پیش روی آنان گشوده شود.

بررسی‌های انجام شده در ارتباط با محتوای متن می‌تواند از زمره عوامل مهم سنجش اعتبار نقد محسوب شود. همواره ارزشیابی، تحلیل و بررسی نقد با عنایت به عناصری صورت می‌پذیرد که می‌تواند نشان‌دهنده‌ی اهمیت موضوع و نیز تسلط ناقد بر حوزه‌ی علمی مورد نظر باشد. از همین رو می‌توان با عنایت به نحوه‌ی سنجش محتوای متن در نقد، به اعتبار نوشتار ناقد نیز پی بُرد. ارزیابی مفهومی که ناقد از متن ارائه می‌دهد، می‌تواند با توجه به شیوه‌های نگارشی، مورد بررسی بیشتر قرار گرفته و ابعادی از نحوه‌ی تفکر و شرایط ارزیابی ناقد را مشخص سازد.

برای اعتمادسازی نسبت به نقدهای مکتوب و بهره‌گیری بیشتر از محتوای اطلاعاتی^۱ آنها، ضرورت دارد تا با در نظر گرفتن معیارهای مشخصی نسبت به

سنجش میزان صحت و اعتبار نقدها اقدام کرد. به همین منظور شاخص‌هایی در نظر گرفته می‌شود که با تکیه بر آنها، نقدهای اثربخشی شناسایی شده که حاوی طرح مباحث نوین و تحلیل مناسب از محتوای متن هستند.

این معیارها با توجه به برخی از شواهد موجود و عناصر قابل مشاهده که از اهمیت خاصی برخوردار بوده‌اند، تدوین شده و می‌توان در سنجش نقد متون و منابع اطلاعاتی از آنها بهره گرفت. به نظر می‌رسد که اهمیت بررسی و تحلیل میزان اعتبار و صحت نقد، کمتر از ارزش خود نقد و نقشی که در روشنگری حیطه‌ی علمی مورد نظر دارد، نباشد. بر این مبنا در نظر گرفتن اعتبار نقد می‌تواند برای خوانندگان حرفه‌ای و متخصصانی که از نتایج آن بهره می‌گیرند، دارای اهمیت بالایی باشد؛ زیرا با تکیه بر چنین اطلاعاتی ممکن است نسبت به تهیه‌ی یک منبع اطلاعاتی اقدام شود و یا از متن آن استفاده مناسب به عمل آورد.

علاوه بر آن، میزان انطباق ساختار کتاب با مبانی مهم منابع علمی، عنوان متناسب با متن، حفظ تعادل و ارتباط منطقی میان بخش‌ها و فصل‌های کتاب، میزان ارتباط موضوع کتاب با مبانی علمی، حفظ یکپارچگی و وحدت موضوعی و تخصصی در متن، کاربرد روش پژوهشی مناسب، پرداخت مطلوب در باره‌ی هسته‌ی اصلی و مفهوم کلی اثر، روش نگارش^۱ از لحاظ داشتن شیوه‌ی نوشتاری فصیح، شروع توضیحی، پردازش متناسب، نتیجه‌گیری منطقی، بهره‌گیری از شیوه‌های استناد علمی، استفاده از ابزارهای کمکی تصویری در تفهیم مقصود، جامع‌نگری و میزان اعتبار علمی اثر، تأثیرپذیری و تأثیرگذاری بر مبانی و زمینه‌ی تخصصی دانش مرتبط، داشتن منابع و مآخذ، نمایه، واژه‌نامه، پیوست‌های ضروری، و عناصر دیگری که در نگارش‌های علمی رعایت

می‌شود، همه و همه می‌توانند در ارزیابی هر اثر تخصصی مورد ملاحظه قرار گیرد. از سوی دیگر، توجه به نکات مطرح شده در آثار ناقدان به شیوه‌های نگارشی متعددی جلوه می‌کند. برخی از ناقدان، در آثار خود به پاره‌ای از ملاک‌های مورد نظر اشاره کرده و نیز ممکن است مواردی دیگر را بجز مؤلفه‌های یاد شده برشمارند. همچنین، ناقدان در شیوه‌های نگارش نقد علمی کتاب نیز بعضاً موارد نامبرده را با بیانی دیگر و به صورت کلی بیان می‌کنند. برخی نیز با درهم‌کرد پاره‌ای از مؤلفه‌ها، در چارچوب محدودتری به نگارش انتقادی دست می‌زنند. معیارهای پیشنهادی که در این نوشتار به آن‌ها اشاره رفته است، می‌تواند در نقد علمی منابع اطلاعاتی منظور شود و از فعالیت نگارشی ناقد پشتیبانی کند.

فصل چهارم

آسیب‌شناسی و آفت‌های نقد

نگارش اثربخش نقد

پیش از آنکه به مشکلات نقد بپردازیم، لازم است تا به نکات ارزشمندی که در تبیین نقد وجود دارد، اشاره کرد. در این میان رعایت برخی عناصر می‌تواند زمینه خوبی در نوشتن نقد مفید به وجود آورد. از این رو، در تدوین نقد متون باید توجه کرد که از روش مناسب و مطلوب نگارش بهره گرفته شود؛ به این معنا که نقد با تکیه بر برخی از رهنمودهای موثر تدوین می‌شود که رعایت عواملی که می‌تواند به بهبود کیفیت نقد یاری رساند، توصیه می‌شود.

از زمره مواردی که در نقد پیشنهاد می‌شود آن است که از تکرار موارد یا استنادهایی که انتظار می‌رود خواننده نسبت به آنها آگاهی دارد، باید خودداری ورزید^۱. یعنی ناقد باید سطح اطلاعات متوسط خواننده را در نظر بگیرد و در صورتی که انتظار می‌رود تا خواننده اطلاعاتی را می‌داند، دیگر آن را بیان نکند. خلاصه‌سازی و تفسیر متن، دو مهارت ضروری برای نگارش علمی، و به صورت ویژه، برای نقد تحلیلی است. خلاصه‌سازی به این معناست که متن نسبت به موضوع‌های اصلی و ایده‌های مهم، تقلیل پیدا می‌کند. طول خلاصه ما برای نقد تحلیلی ممکن است یک چهارم تا یک سوم نقد باشد^۲.

-
1. Guide to Writing Book Reviews
 2. Writing a Critical Review

از سوی دیگر، لازم نیست که در نقد تمامی آنچه که در کتاب است، پوشش داده شود. به تعبیر دیگر، ضرورتی ندارد تا توضیح‌ها بر اساس فهرست مندرجات و منطبق بر جزییات متن صورت پذیرد.^۱ این نکته البته می‌تواند با روش‌های متفاوت، دگرگون شود. به این معنا که سطوح اطلاعات معرفی را می‌توان متناسب با نوع مخاطب تغییر داد. همچنین باید توجه کرد که موضوع‌های اصلی و کلان اثر باید به بحث گذاشته شود و در باره آن ابعاد و جنبه‌های متن سخن گفته شود که مبتنی بر رسالت اصلی نوشتار است. علاوه بر آن، باید بیان کرد که برخی از محورهای اصلی که در نقد مورد توجه قرار می‌گیرند، ابعاد و جنبه‌هایی هستند که ساختار نقد را تشکیل می‌دهند و بدون تکیه بر آنها نمی‌توان انتظار داشت که نقد موثری به رشته تحریر درآید.

معیارها نقد معمولاً در این محورها قرار می‌گیرد: روش‌شناسی یا رویکرد؛ توضیح‌ها و بهره‌گیری از شواهد^۲؛ روش نگارش و ساختار متن^۳. هر یک از عناصر گفته‌شده به عنوان محوری اصلی در تدوین کلیت نقد مورد بهره‌برداری قرار گرفته و ساختار کلان نقد با تکیه بر عوامل مذکور شکل می‌گیرد. شایسته است که در نوشتن نقد، تمامی موارد، رعایت شده و چارچوب نقد با عنایت کامل به آنها تدوین شود.

باید سعی شود تا نقد در ارتباط با مباحث اصلی اثر سازماندهی شود^۴ و برای حفظ تمرکز در نگارش نقد، باید به‌خاطر داشت که مأموریت ما در وهله اول، بحث در باره روش بیان موضوع کتاب است، نه فقط بررسی صرف موضوع^۵. اما بهتر است که به این نکته بسیار مهم توجه کرد که نقد منبع

-
1. Writing the Academic Book Review
 2. Use of evidence
 3. Writing a Critical Review
 4. Writing the Academic Book Review
 5. The Book Review or Article Critique

اطلاعاتی با تکیه بر بستر شناختی ناقد و اطلاعات او تدوین می‌شود. این ساختار نسبتاً رایج در نگارش نقد می‌تواند از جنبه‌های مختلفی مورد بررسی قرار گیرد.

نقد مناسب کتاب می‌تواند منبعی عالی برای پژوهش باشد. به عنوان ناقدی که اغلب در حوزه مورد نظر بامهارت کار می‌کند و معمولاً نگرش جدیدی مطرح می‌سازد، تلاش او سبب می‌شود تا مشکلات مربوط به حوزه مطرح شده در نقد حل شود. همچنین ممکن است که ناقد آرایشی را از منابع دیگر مطرح سازد که ما قبلاً بررسی نکرده باشیم^۱.

نقد همواره تراوشی از آگاهی ناقد است که در دایره درک او بوده، و برداشت‌هایی که از متن صورت گرفته، با توجه به زمینه‌ی شناختی حاصل از اطلاعات و آگاهی‌های جاری او تدوین شده است. چنانچه ناقد بتواند به پاره‌های اطلاعاتی بیشتری در باره‌ی موضوع مورد نظر دست یابد، این امکان وجود دارد که در ارزشیابی متن به شیوه‌ی جامع‌تری عمل کند.

همچنین اظهار این مطلب ضروری است که ناقد همواره در نگارش نقد با مشکلاتی روبروست که می‌تواند این فعالیت علمی را تضعیف سازد. در شناخت نقد، عناصری وجود دارد که می‌تواند نقد را خدشه‌دار کرده و از اهمیت آن بکاهد. آگاهی از چنین عواملی می‌تواند به ارتقای بالاتر کیفیت نقد یاری رسانده و نقد را پُر بار سازد. همواره باید به این نکته‌ی مهم عنایت داشت که در ساختار نقد متون، این فرایند با توجه به هسته‌های اصلی موضوعی و تحلیل مناسب از متن صورت می‌پذیرد. در شرایطی که این وضعیت با اختلال همراه باشد، عمل نقد با مشکل مواجه می‌شود.

آفت‌ها و مشکلات نقد

در طول نگارش نقد همواره مشکلاتی مطرح می‌شود که می‌تواند سبب بروز اختلال در فرایند نگارش نقد شود. در واقع عناصری وجود دارد که در تدوین نقد می‌تواند به کاهش میزان صحت، درستی و اعتبار نقد منجر شود. برای این اساس، آگاهی از وجود چنین موانعی به تقویت بنیادی نقد منجر شده، مشروط بر آن که ناقد بکوشد تا نسبت به آنها حساس بوده و در نوشتن نقد خویش به نحو مناسب از به‌کار بردن این عوامل خودداری ورزد. معنای این سخن آن است که ناقد برای استواری و اعتبار نقد خود می‌تواند با توجه بیشتر و رعایت اصول منطقی نگارش نقد از چنین آفت‌هایی دوری گزیند، تا به نقدی پیراسته و مطلوب دست یابد.

ما باید نقد معیار (استاندارد) یا بهنجار را از نقد متغیر یا عجیب و غریب بازشناسیم.^۱ ذکر این نکته نیز می‌تواند در این میان سودمند باشد که نقد در ذات خود با مشکلاتی روبرو است که می‌تواند سبب بروز تنش و سوءتعبیر شود؛ زیرا در فعالیت نقد، ما همواره با قضاوت و تحلیل انتقادی سروکار داریم. بنابراین هنگامی که در دایره نظام ارزش‌ها وارد می‌شویم، امکان بروز چنین موقعیتی محتمل است. در ادامه به برخی از عناصر مهم این عرصه خواهیم پرداخت.

احساس استغنائی ناقد^۲

یکی از مشکلاتی که ممکن است در هنگام نوشتن نقد برای ناقد حادث شود، ایجاد نوعی احساس استغنا و بی‌نیازی به مقدمات و مقومات ضروری برای نگارش نقد است. ممکن است ناقد در این زمینه دچار خودفریفتگی شده و

۱. اصول نقد ادبی، ص ۱۹۸

تصور کند که نیازی به بهره‌گیری از بسترهای موجود در رابطه با نگارش نقد ندارد. در چنین حالتی عدم استفاده از ابزارها، منابع، نظرها و روند منطقی نقد، این امکان را به وجود می‌آورد که ناقد در پس پرده‌ای از حالت استغنائی ذهنی قرار گرفته و خود را ملزم به مطالعه و بررسی بیشتر نداند. برای تقویت توانایی قدرت درک ناقد، مناسب آن است تا او خود را مانند یک خواننده در نظر بگیرد و تلاش کند تا میزان شناخت خود از اثر را افزایش دهد. بر همین اساس کوششی که ناقد صرف می‌کند به او کمک می‌کند تا بتواند مفهوم اصلی اثر را شناسایی کرده و در راستای تهیه نقد مناسب اقدام کند. پس ضروری است تا ضمن مطالعه در ابعاد اثر مورد بحث، نقد به شیوه قابل فهم برای مخاطب به رشته تحریر درآید.

باید مطمئن شد که شخصی که کتاب را نخوانده است، پس از مطالعه نقد، درک مناسبی از اثر در ذهن داشته باشد.^۱ این مورد با کاهش احساس استغنائی ناقد نسبتی معکوس دارد. این بدان معناست که هر چقدر ناقد خود را غنی فرض کند و از بهره‌گیری منابع و نظره‌های دیگر امتناع ورزد، نقد او باعث شناخت مطلوب خواننده نخواهد شد و چنانچه به تمامی امکانات موجود تمسک بجوید، نگارش او سبب می‌شود تا خواننده بهتر متن را بشناسد.

همچنین این امکان نیز محتمل است که ناقد با تکیه بر چنین احساسی، نقش اصلی خود را در رابطه با نقد منابع، متحول ساخته و از مقام ناقد به نقش یک حکم‌کننده تغییر یابد. این مساله باید مورد توجه جدی قرار گیرد تا ناقد در چنین وادی قرار نگیرد. در واقع، احساس استغنائی ناقد زمینه‌ای برای بروز برخی از آفت‌ها و مشکلات بعدی در تدوین نقد خواهد شد. استغنائی ناقد به مفهوم دقیق کلمه ایجاد احساسی غیرواقعی است که می‌تواند زمینه انحراف از

1. Guide to Writing Book Reviews

درک، شناخت، تفسیر و تاویل صحیح متن را به همراه داشته باشد. بنابراین می‌توان از این عامل به عنوان عنصری تاثیرگذار در رابطه با آفت‌های نقد نام برد که شایسته توجه جدی ناقدان است تا دچار این معضل نشوند.

آشنایی اندک ناقد نسبت به موضوع کلان اثر^۱

باید به این نکته‌ی مهم توجه کرد که نقد با تکیه بر مبانی و موازینی شکل می‌گیرد که نقش هدایت و روشنگری در موضوع مورد بررسی دارند. بر این اساس بی‌توجهی ناقد به مبانی نگارش نقد می‌تواند مشکلاتی در این عرصه به وجود آورد. محور اساسی در این میان، شناخت کافی و داشتن تخصص در حوزه‌ای است که ناقد در آن به نگارش دست می‌زند. این موضوع می‌تواند نقش کلیدی در تدوین نقد به همراه داشته باشد.

آنچه که در نقد اهمیت دارد، ارزیابی مطلوب متن است. این مساله با میزان شناخت و درک مناسب از متن رابطه دارد. در واقع باید به این نکته مهم توجه کرد که برداشت ناقد از متن نباید به صورت کلی، خلاصه و موجز باشد. این مفهوم همواره باید مد نظر ناقدان قرار گیرد تا در تدوین نقد شاهد اثربخشی بیشتر باشند. در نقد باید به ارزشیابی متن پرداخت و هرگز نباید فقط آن را خلاصه کرد. هنگامی که بازگویی خلاصه‌ای از ایده متن به انجام می‌رسد، اهمیت دارد تا بخشی از نگارش نقد کتاب به صورت تحلیل و داوری باشد^۲. این امر نیز با شناخت کامل از متن امکان‌پذیر است. بنابراین، باید تاکید کرد که گستره‌ی درک ناقد در این بین نقشی تعیین کننده دارد.

میزان شناخت ناقد از محتوای متن، تعیین کننده دامنه‌ی عرصه‌ای است که او به آن وارد می‌شود. فقدان چنین شناختی، از مشکلات مهمی است که در

1. Main subject of text
2. Writing the Academic Book Review

نگارش نقد با آن روبرو می‌شویم. هنگامی که ناقد در تشخیص مفهوم ساختاری^۱ دچار اشتباه می‌شود، این مشکل افزایش می‌یابد. منظور از مفهوم کلان، آن هسته بنیادی و مهم متن است که اگر قرار باشد در باره‌ی متنی مورد بررسی قرار گیرد، به عنوان موضوع اصلی شناخته می‌شود. اگر ناقد در این زمینه با چالش مواجه شود و نتواند به خوبی چنین مفهومی را در متن درک کند، می‌توان انتظار داشت که در تحلیل منبع اطلاعاتی دچار مشکل شود. نتیجه چنین وضعی ارائه برداشتی متناسب از متن نخواهد بود. با این وجود نمی‌توان مدعی شد که همواره ناقد در شناخت خود از متن، کاملاً به درک نوشتار نائل می‌شود، ولی می‌توان توقع داشت که شناخت ناقد به گونه‌ای باشد که محورهای کلان بحث مورد شناسایی قرار گرفته و معنای اصلی متن درک شود. در صورتی که شناختی ناقص از محورهای موضوعی متن وجود داشته باشد، نمی‌توان امیدوار بود که نقدی مطلوب ارائه شود. بنابراین، همواره ناقد باید به حیطه‌ی توانایی خود و داشتن آشنایی مناسب با موضوع اثر توجه و دقت کافی داشته باشد تا بتواند به‌نحو شایسته به تحلیل مطلوب از متن نائل آید. تقویت بیشتر حیطه‌ی آگاهی و مطالعه افزون در این خصوص، راهشگا و موثر است.

توجه بیشتر به لایه‌های ظاهری نقد^۲

نقد تحقیق و سنجش به منظور شناخت اثری هنری و فلسفی و شناخت ارزش آن نسبت به اصول کلی آن اثر است.^۳ ارزش واقعی متن و نفوذ به عمق معنای آن با توجه بیش از حد به ظواهر اثر منافات دارد. ناقد باید تلاش کند تا بتواند به مفهوم واقعی و شناخت ژرف اثر نائل شود. بر همین اساس است که

-
1. Structural concept
 2. External layers of criticism

۳. در آئینه نقد، ص ۱۷

می‌توان اظهار کرد که از جمله آفت‌هایی که در فرایند نگارش نقد ممکن است ناقد را منحرف سازد، بی‌توجهی به ساختار اصلی متن و توجه به لایه‌های ظاهری است. این بدان معناست که ممکن است ناقد در نگارش خود به ابعادی از مبانی نقد توجه کند که بیشتر به سطوح اولیه و کم‌اهمیت‌تر راجع است. پرداختن بیش از حد به جنبه‌هایی چون غلط‌های املائی^۱ و یا قالب‌های ظاهری، نظیر توجه به شیوه‌ی ارائه‌ی جدول‌ها^۲ و نمودارها^۳ می‌تواند مراد اصلی از نگارش نقد را با اختلال مواجه سازد. در این مواقع، مسائل مربوط به محورهای کلان و محتوای اصلی متن مغفول واقع شده، و ابعاد مهم منبع اطلاعاتی در پس پرده‌ای از موارد کم‌اهمیت پنهان می‌ماند. معنای این سخن آن نیست که نباید به پاره‌ای از مشکلات خُرد اشاره کرد، بلکه مراد آن است که توجه به محورهای اصلی در سایه و شعاع چنین مواردی قرار گیرد. مطالعه برخی از نقدها دقیقاً مصداق این وضعیت است که بیشتر محتوای نقد به مسائلی از این دست اختصاص یافته است. مشکل مهم پیش آمده در چنین مواردی آن است که بررسی سطحی از اثر ارائه شده و اساساً نگرش عمیق و تحلیل مناسبی از ابعاد و جنبه‌های اصلی و عمیق موضوع بیان نمی‌شود.

بدگمانی و سوءظن نسبت به پدیدآورنده یا اثر

از زمره مسائلی که در نگارش نقد ممکن است با آن روبرو شویم، بدگمانی و سوءظن نسبت به متن، نوشتار و یا نویسنده‌ی اثر است. از این نظر می‌توان بیان کرد که هر گونه نظر منفی که از ابتدا و قبل از بررسی متن در اندیشه ناقد وجود داشته باشد، می‌تواند در حکم آفتی مهم و تاثیرگذار ظاهر شود. بنابراین، ناقد پیش از مطالعه اثر نباید هیچ‌گونه گرایش خاصی نسبت به بررسی متن

-
1. Misspelling
 2. Tables
 3. Charts

داشته باشد. مشخص است که ناقد به عنوان یک انسان دارای نظام ارزشی ویژه خود است و اندیشه‌ی خاصی نیز در خصوص موضوعی معین دارد. ولی این به معنای آن نیست که تلاش کند تا تحلیل خود را بر اساس پیش‌فرض‌هایی مطرح کند که هنوز در متن به اثبات نرسیده است. به همین منظور ضروری است تا بررسی شود که آیا اثر می‌تواند نیاز اطلاعاتی مخاطب را تامین کند؟ زمینه بحث کتاب در چه موضوعی است و چگونه می‌تواند به خواننده در درک بهتر مفهوم یاری رساند؟.

اینکه کتاب، کمکی در توسعه حوزه مورد نظر داشته باشد یا اینکه دانش مخاطب را افزایش دهد و بحث آنکه کتاب توسط چه کسی خوانده می‌شود و مناسب برای کدام گروه است از زمره مباحث مهم به‌شمار می‌آید^۱ که در نوع نگرش ناقد تاثیر به سزایی دارد. بنابراین ناقد باید تلاش کند تا بتواند ضمن رفع سوءبرداشت از متن، به مخاطب توجه کند و سطح درک و شناخت او را در نظر بگیرد. این مساله باعث می‌شود تا قضاوتی منصفانه‌تر از منبع صورت پذیرد.

باید تصریح کرد که همواره درک نامناسب از معنای متن می‌تواند به سوءتعبیر منجر شود. گاهی ناقد در بررسی متن نگرش منفی ندارد، ولی در برداشتی که از مفهوم متن دارد دچار اشتباه می‌شود. در چنین حالتی خطای ناقد از موضع بدبینی نیست، بلکه نداشتن درک صحیح از محتوا و یا کاستی دانش در آن حوزه‌ی مشخص باعث این نقصان می‌شود. این مورد به‌عنوان یکی از معیارها در جای خود معرفی و بررسی شده است. به هر حال توجه به منشاء عدم شناخت کافی از معنا، می‌تواند به ما کمک کند تا بدانیم که مشکل در تحلیل ناصحیح به کدام عامل بر می‌گردد. سوابق قبلی نویسنده، برخوردها، رفتار فردی و یا حرفه‌ای، شهرت، تعامل با همکاران، قضاوت‌های پیشین،

پیشینه نگارش‌ها و سابقه ذهنی، همگی می‌توانند تا حدودی در بروز بدگمانی در نزد ناقد موثر باشند.

عدم دسترسی به متن اصلی

برای نگارش نقد مطلوب، همیشه دسترسی به اصل منبع توصیه می‌شود. ممکن است که ناقد در بررسی اثری صرفاً به اطلاعات مکتوب موجود در باره متن بسنده کند، یا بیشتر پاره‌های اطلاعاتی خود را از این طریق کسب کند. چنین موردی می‌تواند یکی از زمینه‌های منفی در نگارش نقد به حساب آید و ناقد در دسترسی مناسب به فقره‌های اطلاعاتی با اختلال بنیادی مواجه می‌شود. در نگارش نقد، دسترسی به اصل منبع یک عامل اساسی است که باب حدس و گمان‌ها را تا حد زیادی می‌بندد. دستیابی به سرچشمه‌ی اطلاعات در تدوین نقد یک اصل مهم است که در صورت عدم توجه به آن، نقد با کاستی همراه خواهد بود؛ زیرا در آن صورت، تکیه‌ی ناقد در نگارش نقد بر منابع اطلاعاتی دست دوم و یا سوم است. ممکن است که آن منابع نیز تا حد زیادی رعایت انصاف علمی را کرده باشند، ولی نمی‌توان مطمئن بود که انتقال اطلاعات منبع اصلی، به صورت کامل شکل گرفته باشد.

وقتی می‌خواهیم به کسی که عقیده‌اش را در نوشته منتشر کرده است ارجاع دهیم، باید سعی کنیم که برداشت ما عین به عین باشد^۱. بنابراین نقد باید به منبع اصلی راجع باشد و در صورت رعایت نکردن این موضوع امکان هرگونه خدشه‌ای نسبت به دریافت مناسب معنای متن وجود دارد. اساساً در هر تحلیل معتبر و دقیق، مطالعه منبع اصلی شرط اساسی برای ارزشیابی و بیان نقد مناسب است. ضمن آنکه باید به این نکته نیز توجه کرد که در پاره‌ای از

۱. چگونه نقد بنویسیم؟ (روش نوین نگارش رساله، نقد دانشگاهی؛ نقد تطبیقی و نقد هرمنوتیک و انواع

موارد نیز با مطالعه متن، مراد اصلی درک نمی‌شود و ممکن است ناقد دچار سوءتعبیر و سوءتفاهم شود، چه رسد به آنکه اساساً متن پایه را نیز ملاحظه نکند و سپس در باره‌ی آن به تحلیل دست زند.

عدم بهره‌گیری از آراء صاحب‌نظران

نقد به مثابه تلاشی علمی، بیانگر چگونگی دریافت خواننده از آنچه در متن رخ می‌دهد است^۱. این درک و شناخت با اشتراک مساعی افزایش می‌یابد و نتایج بهتری به بار می‌آورد. در واقع عنایت به نظر جمعی در نقد میزان آگاهی ناقد از متن را افزایش داده و او را به سوی تحلیل بهتری هدایت می‌کند.

عدم توجه به نظر دیگر ناقدان و صاحب‌نظران، در ارائه نقد می‌تواند عواقب نامناسبی به‌همراه داشته باشد. یکی از نکات مهم در نگارش نقد، برخورداری از آراء اندیشمندان و متخصصانی است که در حوزه‌ی موضوعی قابل بحث در نقد، تبحر داشته و دیدگاه خود را بیان کرده‌اند. احساس بی‌نیازی به چنین نظراتی می‌تواند ناقد را از منبعی ارزشمند و غنی محروم سازد. این سخن به معنای پذیرفتن کامل اندیشه‌های آنان نیست و مستلزم بهره‌گیری بی‌چون و چرا از آراء نیز نخواهد بود؛ بلکه استفاده از خرد جمعی است که حاصل تجارب و دانش انباشته در حوزه‌ی موضوعی مشخصی است. ممکن است که این آراء به‌صورت مکتوب منتشر شده و دسترسی به آنها نیز میسر باشد. از سوی دیگر این امکان وجود دارد که در باره‌ی نوشتاری که ناقد قصد پرداختن به آن را دارد، نقدی یافت نشود. در این صورت می‌توان از نظر شفاهی و غیرمکتوب اندیشمندان بهره گرفت و در مشورت با آنان به برخی از نکات مهم وقوف یافت. به هر حال ناقد در تحلیل خود بی‌نیاز از مشاوره

۱. نقد ادبی: شامل ده ترجمه و مقاله، ص[الف]

دیگر متخصصان و اندیشمندان نبوده و می‌توان با تکیه بر پاره‌ای از نظرات سودمند، به تقویت مبانی نقد مبادرت ورزید.

بی‌توجهی به مبانی علمی در حوزه موضوعی

از دیگر آفت‌هایی که ممکن است در نقد با آن روبرو شویم، بی‌توجهی به مبانی علمی و ساختار روش‌مند مباحث مطرح شده در متن است. در هر یک از حوزه‌های موضوعی که ناقد به بررسی آن می‌پردازد، ما دارای مبانی پذیرفته شده علمی هستیم که پایه‌های آن رشته تخصصی را تشکیل می‌دهند. بر این اساس توجه به این مبانی و مباحث حرفه‌ای می‌تواند در ارتقای سطح کیفی نقد موثر باشد. برای دست یافتن به نگارشی مطلوب و شایسته در حوزه نقد منابع اطلاعاتی، می‌توان با ملاحظه چنین مبنایی به تدوین نقدی مناسب همت گمارد.

به هر میزان که ناقد نسبت به هسته‌های مهم و پایه علمی بی‌توجهی داشته باشد، می‌توان انتظار داشت که در نقد مشکلاتی در رابطه با تحلیل مناسب متن صورت پذیرد. در این خصوص یکی از عناصر مهم و تاثیرگذار، آن زمینه‌های علمی است که می‌تواند در حکم مبادی ارشادی و راهنمای تحلیلی مورد عنایت قرار گیرد و معمولاً با عنوان: متون پایه و هسته شناخته می‌شوند.

تایید صرف و تبلیغ اثر

برخی اوقات نگارش نقد صرفاً در جهت تایید یک متن به رشته تحریر در می‌آید. نفس نگارش چنین نقدی لزوماً به معنای ضعف نوشته ناقد نیست. ممکن است آثار بسیاری از قوت و استحکام قابل قبول برخوردار باشند و نمی‌توان به صرف تایید و بیان نقاط قوت متن، آن نقد را ضعیف یا یک جانبه دانست. ولی در پاره‌ای از موارد ممکن است که نقد صرفاً برای معرفی و تبلیغ متن تدوین شده باشد.

از مبالغه‌گویی باید اجتناب ورزید. نظیر آنکه بگوییم این کتاب بهترین اثری است که تا کنون در این حوزه موضوعی نوشته شده است.^۱ در این حالت البته این مساله از زمره آفت‌هایی است که ممکن است در نگارش نقد گریبانگیر ناقد شود. برای بررسی چنین وضعیتی می‌توان به نقدهایی که با دقت بر اثر نوشته شده رجوع کرد، و یا به بررسی بیشتر متن با معیارهای مدون و مورد قبول جامعه علمی پرداخت.

منفی‌نگری و تکذیب متن

از سوی دیگر، در مواقعی شاهد آن هستیم که نقد یک فرایند یک سویه و صرفاً منفی است که به صورت شدیدی به ضعف و سستی نوشتار اشاره دارد. در این موارد معمولاً زبان نقد تند و تلخ است. علاوه بر آن ممکن است شاهد برخی غرض‌های شخصی و یا گروهی باشیم. در چنین مواردی ضمن امکان وجود پاره‌ای از نواقص و مشکلات نگارشی و یا محتوایی در متن، باید به کلیت اثر و ساختار آن نیز توجه کرد.

در نقد لازم نیست که لزوماً ارزشیابی منفی صورت پذیرد. به عنوان مثال: توضیح پیرامون چگونگی ارتباط متن با یک مباحثه جاری در حوزه ارزشیابی، یک شکل از ارزیابی است.^۲ بنابراین، چنانچه متن دارای نقاط قوت و ارزشمند است، شایسته است که مورد توجه قرار گیرد و در باره‌ی آن دقت بیشتری صورت پذیرد. این آفت می‌تواند نقد را از درجه‌ی اعتبار خارج ساخته و حتی بیان نکته‌های صحیح و درست را نیز در پذیرش از سوی خواننده، با مشکل مواجه سازد.

در محیط‌های دانشگاهی، نقد به معنای نگرش منفی در تحلیل نیست، بلکه نیازمند آن است تا ما با طرح پرسش از اطلاعات و اندیشه موجود در متن، به

-
1. Guide to Writing Book Reviews
 2. Writing the Academic Book Review

ارزشیابی یا قضاوت متن دست زنییم. برای بهتر انجام دادن این فرایند، ما باید تلاش کنیم تا درک مناسبی از موضوع اثر از جنبه‌های مختلف داشته باشیم (به عنوان مثال با مطالعه متون مرتبط) و در ارتباط با نظریه‌ها، رویکردها، و چارچوب‌های فکری تامل کنیم^۱. بنابراین هرگز نباید با رویکرد منفی و تکذیب اثر نسبت به نگارش نقد اقدام ورزید.

نگرش منفی به اثری که منتشر شده می‌تواند عوارض خطرناکی در پی داشته باشد. این مساله وقتی که با تقویت دیدگاه منفی ناقد در ارتباط با وجود برخی کاستی‌ها شدت می‌گیرد، عوارض مخرب بیشتری پیدا می‌کند. به ویژه آنکه بدبینی نسبت به یک متن می‌تواند همواره نقاط منفی بیشتری را در مقابل دیده‌ی ناقد ترسیم کند که بعضاً از زمره نتایج نگرش سوء به متن است و در واقع متن در این حد دارای مشکل نیست. برای رفع این مساله در نگارش نقد بهتر است تا ناقد قبل از خواندن متن، هیچ‌گونه پیش‌داوری از آن نداشته باشد؛ در باره‌ی متن با دیگر صاحب‌نظران مشورت کند؛ چنانچه نقد یا نقدهای دیگری از آن اثر تدوین شده، نسبت به مطالعه آن اقدام کند؛ و برخی از موارد مهم را چند بار بررسی کرده و در تحلیل خود جنبه‌های مختلف را در نظر گیرد. در واقع منفی‌نگری از آفت‌های است که در مقابل تایید صرف و تبلیغ اثر قرار می‌گیرد که هر دو می‌توانند نقد را از اعتبار و ارزش واقعی خود تنزل دهند.

انتظار نامناسب و غیرمنطقی از اثر

بی‌توجهی به رسالت متن و نقشی که قرار است در حوزه‌ی نوشتاری ادا کند، از جمله مشکلاتی است که می‌تواند اعتبار نقد را مخدوش سازد. انتظاری که از متن می‌رود، همواره متناسب با نقشی است که بر عهده دارد. برخی مواقع، ناقد متن را

فراتر از ظرفیت آن می‌بیند، در حالی که متن اساساً متکفل برخی از توقع‌های ناقد نبوده است. می‌توان بیان کرد از یک سو سنجش ارتباط میان رسالت مورد انتظار متن و توقعی که از آن می‌رود، و از سوی دیگر محتوای متن، ارتباط تنگاتنگی وجود دارد که می‌تواند در بررسی نقد، در نقش عاملی موثر در نظر گرفته شود. علاوه بر آن، ادعای نویسنده در نگارش متن و هدفی که در نوشتار دنبال کرده؛ عنوان اثر و موضوعی که متن به آن تکیه کرده؛ و نیز انتظاری که جامعه علمی از چنین متنی دارد، همگی می‌توانند منشاء قضاوت قرار گیرند.

برداشت ناصحیح از مفهوم متن

در نگارش‌های انتقادی یکی از مشکلاتی که ممکن است نقد را با نقصان مواجه سازد، بحث درک و برداشت ناصحیح از معنای متن است. موضوعی که در متن مورد توجه قرار گرفته و به آن پرداخته شده است، محور کلان و اصلی در متن به شمار می‌آید. از همین رو، همواره باید توجه داشت که مفهوم اصلی در متن شناخته شود. در صورتی که ناقد برداشت ناصحیحی از معنای متن داشته باشد، امکان بروز مشکلاتی در تدوین نقد محتمل است. عدم دستیابی به مفهوم اصلی و برداشت‌های ناصحیح از مفهوم متن، برای ناقد فضایی مشوش فراهم می‌سازد که احتمال بروز تفسیر و تاویل ناصحیح را افزایش می‌دهد. قضاوت در نقد باید بر اساس مفهوم و ایده مطرح شده در آن باشد، نه بر اساس نظر ناقد. در واقع، نویسنده را نباید به‌خاطر قصوری در نوشته که ناقد فکر می‌کند او مرتکب شده، تحلیل کرد.^۱ برخی اوقات در مطالعه اثر، دست یافتن نسبی به معنا نیز محقق می‌شود، ولی در نگارش نقد با توجه به درک ناقص و غیرواقعی، قضاوت‌های خاصی صورت می‌پذیرد. تشخیص این پدیده

نیز با مراجعه به معیارهای ویژه‌ای چون نظر افراد متخصص و مقبول در جامعه علمی و قضاوت اجماع اندیشمندان در رابطه با موضوع مورد نظر قابل شناسایی است. توجه به نظر ناقدان دیگر نیز می‌تواند در این زمینه راه‌گشا باشد. در برخی موارد نویسنده اصلی متن می‌تواند به‌عنوان مرجعی برای تشخیص میزان صحت درک مناسب از متن و مفهوم آن مطرح شود. حال یا به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم می‌توان در جریان اندیشه او قرار گرفت. به‌خصوص اگر آثار دیگری در این رابطه چون کتاب، مقاله، نتیجه‌ی کارگاه آموزشی^۱، گزارش و نظایر آن از او منتشر شده باشد.

تدوین سریع نقدهای آماده^۲

نقدهای آماده نیز یکی از آفت‌ها در رابطه با نگارش نقد محسوب می‌شود. این پیش‌زمینه همواره می‌تواند اثری مخرب بر افکار عمومی متخصصان موضوعی برجای نهد. نکته قابل توجه در خصوص نقدهای آماده آن است که ممکن است در مواقعی این نقدها با توجه به شناخت ناقد از توان علمی نگارنده از قبل تهیه شده باشد و یا بلافاصله بعد از انتشار اثر به رشته تحریر درآید. گاهی نیز ممکن است که نقد آماده از قبل نوشته نشده باشد، ولی به‌صورتی نسبتاً مدون در اندیشه ناقد شکل گرفته و سپس به متن تبدیل شود. می‌توان با تسامح این‌گونه نقدها را نیز نقدهای آماده نامید. به این معنا که نقد بر اساس چارچوبی شکل می‌گیرد که از پیش در ذهن ناقد طراحی و تثبیت شده و فقط به‌صورت مکتوب در نیامده است. منظور آن است که ناقد پیش از مطالعه نقد نظر نهایی مثبت و یا منفی خود را تعیین کرده و تقریباً مطالعه متن تغییری در ساختار کلان آن به‌وجود نمی‌آورد.

-
1. Workshop
 2. Fast review

نقدهای آماده می‌تواند با انگیزه‌های گوناگونی عرضه شود. می‌تواند با انگیزه‌ی تایید یا تکذیب محض تدوین شود، یا با توجه به اهداف تجاری صورت پذیرد. از سوی دیگر ممکن است برای تکمیل شرح حال یا فعالیت‌های نگارشی شخص انجام شود. عمده‌ترین مشکلی که در نگارش نقدهای آماده متصور است، بحث ارزیابی غیرمسئولانه متن است که با ترویج برخی اطلاعات نادرست و احیاناً ناکارآمد همراه است که باعث آلودگی اطلاعات می‌شود.

وجود سوگیری

سوگیری نقد در متون علمی، از زمره آفت‌هایی است که می‌تواند سودمندی این قالب اطلاعاتی را تحت تاثیر قرار داده و در امور مختلف سبب برداشت‌های نادرست از متن شود. سوگیری نوعی گرایش به برداشت خاصی از مفهوم مندرج در متن است که معمولاً با تمایل‌ها و سلیقه‌های خاص ناقد همراه است. سوگیری سبب می‌شود تا ناقد نتواند به کُنه مفهوم دست یابد و اغلب نظر خود را با نوعی بیان تعصب‌آلود و یا گرایش خصمانه بیان می‌کند. ممکن است در آمیزش با اطلاعات نویسنده، اثر به‌صورت خلاصه، تحلیل قبلی در ذهن ما ایجاد کرده باشد که باید به شدت از آن پرهیز کرد.^۱ در برخی موارد ممکن است با توجه به شناخت مناسب مفهوم، باز هم ناقد اصرار به ارائه برداشتی خاص داشته باشد. همچنین این گزینه نیز محتمل است که شیوه‌ی نگارش متن در ظاهر نیز چنین خصلتی را آشکار نسازد. در واقع، برای بررسی نقد، شناخت مناسب و تلاش مبتنی بر حُسن ظن اولیه، می‌تواند به ارتقای کیفیت نقد منجر شود. زرین‌کوب بیان می‌کند که نقد خوب هزارگونه

1. Grande Prairie Regional College [Website]

است، و اما نقد بد یک‌گونه بیش نیست و آن نقدی است که عاری از مجاهده صمیمانه و عاری از شناخت صمیمانه باشد.^۱

در صورتی که کوشش صمیمانه برای برداشت متناسب و منطبق با مفهوم متن صورت نپذیرد، امکان بروز درک نامناسب و غیرمنطبق با متن وجود دارد. چنانچه این امر با قصد همراه باشد و ناقد برخی از اغراض را در این بحث وارد کند، در آن حالت می‌توان وجود رگه‌هایی از سوگیری را محتمل دانست. موضوع تعصب نویسنده در نقد باید به‌دقت مورد توجه قرار گیرد و همچنین تاثیر کتاب باید مشخص شود. اگر مولف دیدگاه خاصی مطرح می‌سازد، تا چه اندازه اطلاعات کافی ارائه شده تا خواننده بتواند در باره‌ی شواهد مطرح شده توسط او داوری کند.^۲ گاهی سوگیری به‌صورت عریان و مشخص جلوه‌گر می‌شود و خواننده می‌تواند به‌خوبی از وجود چنین آفتی مطلع شود. در این حالت تحلیل وضعیت تعصب‌آمیز در نگارش نقد کاملاً قابل مشاهده است و خواننده می‌تواند بر اساس آن ارزش نهایی نقد را برای خود مشخص سازد؛ نظیر کاربرد واژگان کنایه‌آمیز یا متهم ساختن به صفتی که معمولاً حاکی از سوءنیت و یا سوءظن^۳ ناقد است. خواننده‌ی آگاه و با تجربه می‌تواند به‌خوبی این موضوع را دریافته و نسبت به اطلاعات ارائه شده در نقد قضاوت کند. ولی در پاره‌ای موارد، اندیشه تعصب‌آمیز در نقد به‌خوبی قابل ره‌گیری نیست و سوگیری در سایه‌ی لایه‌ای از واژگان به ظاهر علمی و منطقی قرار گرفته است که لازم است تا با ژرف‌نگری و تدقیق در محتوای متن به معنای اصلی دست یافت. سوگیری پنهان معمولاً تاثیر بالایی در خواننده دارد، زیرا او دچار سوءتفاهمی می‌شود که جبران آن به راحتی امکان پذیر نیست.

۱. نقد ادبی: جستجو در اصول و روش‌ها و مباحث نقادی با بررسی در تاریخ نقد و نقادان، ص ۷۰۵

2. Queen's University [website]

3. Suspicion

در سنجش نقد، همواره باید در نظر داشت که ممکن است سوگیری ناقد آگاهانه و یا ناآگاهانه باشد. لزوماً ناقد در درک نامناسب و غلط از محتوا، دارای نیت بد نیست. به تعبیر دیگر ممکن است در درک مطلوب از متن دچار اشتباه شده باشد. در مواقعی نیز این وضعیت آگاهانه و مبتنی بر قصد ناپسند ناقد است. در بسیاری از موارد، وجود سوگیری برای خود فرد روشن نیست و ناقد به راحتی نمی‌تواند به شناخت کافی و عمیق از لایه‌های تودرتوی ذهن خود نائل شود. بنابراین سوگیری همواره با او باقی می‌ماند. برای تشخیص این مشکل، شاید بهترین گزینه قضاوت چند اندیشمند دیگر در ارتباط با اندیشه‌ای معین باشد. شاید نیز بتوان امید داشت که شخص بتواند با برخورداری از راه‌کارهای مناسب به وجود سوگیری در تفکر خود پی ببرد.

در شناخت سوگیری می‌توان به ابعاد شخصیتی ناقد، میزان شناخت و توان علمی او در حوزه‌ی مورد نظر، تطبیق ادعای او با مبانی علمی، و بررسی شیوه‌ی نگارشی و دامنه‌ی واژگان استفاده شده در نقد نیز توجه کرد. به هر میزان که نقد به سمت بیان کاستی‌ها و نواقص متن به صورت شدید و تند گرایش پیدا می‌کند، و بیان نقاط ضعف با بیانی خصمانه مطرح می‌شود، امکان بروز سوگیری نیز تقویت می‌گردد. همواره باید به این نکته‌ی اساسی توجه کرد که نقد متون از دیدگاه روش‌شناسی نقد، یک حرکت تحلیلی و سنجشی مبتنی بر انصاف است. یعنی نگارش نقد باید به دور از تمایل‌ها، خواسته‌ها، سلیقه‌ها و برداشت‌های افراطی ناقد باشد.

سوگیری با بدگمانی رابطه‌ای نزدیک دارد. علاوه بر آن، تکیه بیش از حد روی نقاط ضعف می‌تواند سوگیری را تقویت کند. بنابراین توجه به این بحث بسیار راهگشاست که نقد، به ویژه نقد ادبی، با سودمندی‌های اثر بیشتر ارتباط دارد تا مشکلات متن.

نقد ادبی به بررسی آثار درجه یک و مهم ادبی می‌پردازد و در این‌گونه آثار بیش از این که نقاط ضعف مهم باشد، نقاط قوت مطرح است.^۱ با این نگرش می‌توان امیدوار بود که ناقد قدرت بالاتری برای مقابله با سوگیری داشته باشد. در واقع، رفع سوگیری در نقد تا حد زیادی به خود ناقد بستگی دارد و اینکه او بخواهد تا با این آفت مبارزه کند. تا زمانی که شخص قصد نداشته باشد که وجود سوگیری را در اندیشه خود آزمون کند، نمی‌توان انتظار داشت که ناقد بتواند سوگیری را در خود شناسایی کرده و در صورت وجود، به رفع آن بکوشد. برای آگاهی از وجود یا عدم وجود سوگیری در اندیشه، ناقد می‌تواند خود را در موقعیت نویسنده قرار دهد و با توجه به زمینه‌های شناخت و آگاهی در متن به بررسی بپردازد که آیا اگر خود او به چنین مقوله‌ای می‌پرداخت نیز به تحلیل و نتیجه‌گیری پیش‌رو دست می‌یافت یا خیر؟ برای اطمینان از وجود سوگیری، در ابعاد و اندازه‌های مختلف، باید این عزم در ناقد وجود داشته باشد تا به نتایج قابل قبول در این رابطه دست یابد. آنچه که باید همواره در اندیشه خود مدنظر داشته باشیم آن است که وجود سوگیری در حد و اندازه‌های کم نیز محتمل است؛ یعنی ممکن است که به‌صورت ناآگاهانه و بر اساس جزمیت^۲ در اندیشه‌ای به‌وجود آمده باشد. هیچگاه نیز نمی‌توان نسبت به آن بی‌تفاوت بود.

توجه ویژه به آفت‌های نقد

برداشت‌های ارائه شده از متن که به‌عنوان نظر ناقد مطرح می‌شود باید با دقت بیشتری بررسی و تحلیل شود. بحث نسبی بودن^۳ برداشت‌های منتقدان و محدودیت در درک معنا، شایسته توجه و دقت بسیار در ارزیابی نقد منابع

۱. نقد ادبی، ص ۲۶

2. Dogma
3. Relativity

اطلاعاتی است. بررسی نقد از این منظر قابل ملاحظه و توجه جدی است؛ زیرا نقد با ظرفیت‌های متنوع و متکثر شناختی و اداری ناقدان رابطه‌ای مستقیم دارد. میان معنا و مفهوم مندرج در متن، و برداشت و درکی که ناقد از محتوای آن دارد، نوعی ارتباط نزدیک و تاثیرگذار برقرار است.

ارزشیابی متن با کمک ابزارهایی می‌تواند از اثربخشی بالاتری برخوردار شود. بنابراین شناسایی و بهره‌گیری از این ابزارها، همواره باید مورد توجه ناقد قرار گیرد. متون معتبر که در رشته‌ها و حوزه‌های مختلف علمی و فنی وجود دارد، در نقش مشاوره مطمئن است که همواره باید ناقد به آنها عنایت داشته باشد. همچنین ممکن است بخش‌هایی از منابع مرجع معتبر به روشن شدن بهتر بحث در متن یاری رسانند.

در نهایت باید توجه کرد که نقد توسط ناقد، یعنی شخصی که دارای تمامی ویژگی‌های انسانی است تدوین می‌شود و لذا امکان گرایش به برخی آفت‌ها در این میان وجود دارد. شایسته است که ناقد در نگارش نقد خویش، به این نکته بنیادی توجه داشته باشد که میان متن و برداشت آن فاصله‌ای وجود دارد که ارتقای توانایی، شناخت، مهارت و نیز قدرت درک بالای ناقد از متن، می‌تواند تا حد زیادی این فاصله را پُر کرده و به تحلیلی بهتر و مناسب‌تر منجر شود.

نتیجه‌گیری

نقد منابع اطلاعاتی به رغم اهمیت و ارزش بالایی که دارد، می‌تواند دستخوش پاره‌ای از آفت‌ها و کاستی‌ها شود. بی‌توجهی به اصول نقد و عواملی که سبب خدشه در آن می‌شود، نقدی نامناسب را به همراه دارد. آشنایی محدود و ناکافی ناقد از موضوع اصلی و محتوای کلان متن از زمره آفت‌های مهم است که نقش برجسته‌ای در ضعف نگارش نقد دارد. همچنین بی‌توجهی به ساختار و محتوای اصلی متن می‌تواند سبب انحراف ناقد از پرداختن به ابعاد

اصلی و مهم اثر باشد. برخی مواقع ناقد در این باره به بررسی جنبه‌های کم‌اهمیت‌تر - نظیر مشکلات املائی - رجوع کرده و بیشتر در آن حوزه به توضیح می‌پردازد.

سوءظن و بدگمانی ناقد نسبت به متن نیز می‌تواند آفتی قابل اعتنا به‌شمار آید. در این خصوص باید توجه داشت که هر چه میزان بدگمانی ناقد به اثر بیشتر باشد، در آن صورت شاهد طرح برخی از مسائل خواهیم بود که ممکن است به‌صورت غیرواقعی بیان شده باشد. بدون تردید ناقد باید قبل از پرداختن به نقد اثر، بی‌طرفی خود را حفظ کند و در راستای تقویت آن بکوشد.

درک نامناسب و غیرواقعی از متن نیز از زمره عوامل مخل در نگارش نقد است که در برخی مواقع می‌تواند از منظر محتوایی، انعکاس غیرواقعی در پی داشته باشد. این مورد می‌تواند به دلیل عدم دسترسی به متن اصلی نیز به‌وجود آید. علاوه بر آن، نگارش یک سویه و جانبدارانه نقد نیز می‌تواند به سلامت نقد ضربه سختی وارد سازد. این عامل در هر دو سوی نگارش، یعنی نقض و ابرام افراط و تفریطی می‌تواند جلوه‌گر شود. به تعبیر دیگر، هم تبلیغی بودن نقد و هم تخریبی بودن آن، اثر نامطلوبی در عرصه‌ی نگارش انتقادی از خود برجای می‌نهد.

وجود سوگیری در متن از دیگر آفت‌های نقد است که نقش به‌سزایی در کاهش کیفیت نقد دارد. شایسته است که انتظار ناقد از محتوا و رسالت متن، متناسب با اهداف تعیین شده از سوی مولف باشد و در تدوین نقد از آراء صاحب‌نظران و متخصصان موضوعی استفاده مناسبی به‌عمل آید. همچنین، نگارش نقدهای آماده و از پیش تعریف شده، مشکلی است که در این عرصه، سبب سستی فرایند نقد شده و کارایی نقد را تضعیف می‌کند.

لزو ما باید به این نکته‌ی مهم اشاره کرد که نقد با نظام ارزشی در ارتباطی تنگاتنگ و یکپارچه قرار دارد. این نظام می‌تواند از یک‌سو با باورها و

هنجارهای ناقد هم‌سو بوده، و از سوی دیگر با معیارهای تحلیل و بررسی در نقد پیوند برقرار کند. به هر حال ناقد در تمامی مراحل تحلیل خود از متن، با ارزش‌هایی روبروست که نسبت به آنها باور دارد. از طرف دیگر، ناقد با توجه به برداشت‌هایی که از متن دارد، در باره‌ی متن قضاوت می‌کند. با این توضیح کوتاه می‌توان بیان کرد که همواره نقد با تفسیر و تشریحی دست‌به‌گریبان است که امکان بروز مشکل در میزان درک و اظهار نظر را در پی خواهد داشت. بنابراین، آفت‌هایی نقد را در معرض هجوم قرار می‌دهد که از ابتدا نیز تصور آن برای ناقد چندان جدی تلقی نمی‌شود.

بدون تردید شناخت عوامل مخرب و منفی در نقد می‌تواند نقشی به‌سزا در بهبود کیفیت نگارش آن داشته باشد. آشنایی با این عناصر به ناقد کمک می‌کند تا بتواند به برداشت بهتری از مفهوم و محتوای نقد نائل آید و نگارشی موثر و سودمند در حوزه تحلیل و بررسی متون اطلاعاتی ارائه دهد.

فصل پنجم

مقاله - نقد: سودمندی بیشتر

قالب اطلاعاتی نوین

مقاله-نقد^۱ قالب اطلاعاتی سودمندی است که با غنی‌سازی نگارش‌های انتقادی، اطلاعات وسیع‌تری در رابطه با یک حوزه‌ی علمی ارائه می‌دهد و می‌تواند نیاز اطلاعاتی متخصصان موضوعی را برای شناخت مبانی علمی حوزه‌های متعدد مطالعاتی پوشش دهد. مقاله-نقد دارای ویژگی‌ها، ساختار، کاربرد، و سودمندی‌های خاص خود است و این قالب اطلاعاتی برای ارتقای دانش مخاطبان خود به رشته تحریر در می‌آید. از سویی ویژگی‌های نقد معتبر را داراست و از سوی دیگر با ارائه چارچوب یک مقاله‌ی مدون به عنوان یک فقره‌ی اطلاعاتی ارزشمند در فضای اطلاعاتی ظاهر شده است. مقاله - نقد توازن و تعادلی منطقی میان دو قالب اطلاعاتی نقد و مقاله برقرار ساخته و می‌تواند حیطه‌ی اطلاعات نسبتاً جامعی در ارتباط با موضوع مورد نظر ارائه دهد، به گونه‌ای که مخاطب توان شناخت اولیه و تخصصی از محتوای اطلاعاتی به دست می‌آورد. مقاله-نقد معمولاً در ارتباط با زمینه‌های موضوعی بکر و نوین که کمتر برای مخاطبان آشناست، تدوین می‌شود و حاوی اطلاعات مفیدی در ارتباط با شناخت بهتر آن عرصه اطلاعاتی است.

نقد علمی

در نگارش‌های علمی، نقد، سنجشی روش‌مند و مبتنی بر مبانی تحلیل و بررسی مدون و سازمان‌یافته است که سبب افزایش اثربخشی و سودمندی آن می‌شود.^۱ این مفهوم در حوزه‌ی موضوعی نقد علمی دارای اهمیت بالایی است و از همین رو ضرورت دارد تا در نگارش نقد روش‌مند به ساختارهای اساسی متن توجه کرد و هسته‌های موضوعی را در آن مشخص ساخت.

برای انجام نقد باید در متن به دنبال چارچوب گسترده‌تری بگردیم و ببینیم ایده اصلی و موضوع اساسی چگونه پرداخته می‌شود.^۲ این راه کاری است که می‌توان با تکیه بر آن، نقد مناسب‌تری ارائه داد و از جنبه‌های مختلف به بررسی متن اهتمام ورزید. در واقع، ایجاد قالب^۳ اطلاعاتی برای سنجش موضوع کلان بحث در یک متن علمی، یکی از اقدامات عمده و اصلی محسوب شده که بهتر است با بررسی آراء مختلف در این زمینه همراه باشد. زیرا با بررسی بهتر برخی از تحلیل‌ها، شرایط مناسب‌تری برای نقد علمی و مدون فراهم می‌شود.

در واقع، آنچه پیش روی ماست مقابله دقیق نسخ متعدد، تفسیرها، و حک و اصلاحات یا حدس و گمان‌هاست.^۴ که در ارتباط با متنی به آن استناد می‌کنیم. این موارد می‌تواند در زمینه‌های متعددی مورد ارزیابی قرار گرفته و ماحصل آن، نظری کلی و اجمالی در باره‌ی متنی خاص باشد که مفاهیم و مضامین گوناگون را از جنبه‌ها و زوایای متعدد، در خصوص نوشتاری مشخص، تعیین می‌کند.

۱. سخنی در باب نگارش‌های انتقادی: همراه با شرحی مختصر پیرامون آراء کارل پوپر در باره نقد منابع اطلاعاتی، ص ۲۷۹

۲. روش مطالعه ادبیات و نقدنویسی، ص ۲۷۱

3. Format

۴. مبانی نقد ادبی، ص ۳۶

از سوی دیگر باید بیان کرد که یکی از ابزارهای مناسب ارزشیابی اطلاعات^۱ پدیده نقد بوده که سبب می‌شود تا میزان اختلال^۲ های اطلاعاتی کاهش یابد.^۳ اطلاعات و متون مختلف، همواره باید در معرض حک و اصلاح قرار گیرند تا بتوان نسبت به صحت و درستی آن با اطمینان بیشتری قضاوت کرد. با چنین بینشی، نقد همواره حرکتی پویا و رو به رشد است. در این معنا، نقد در جایگاه اصلی خود، یعنی در قالب یک ساختار تحلیلی^۴ مطرح شده و ویژگی‌های خاص خود را دارد. نقد معیاری برای سنجش و اعتبار متن است. از این نظر، ناقد باید حائز توانایی‌هایی باشد که بتواند میزان اعتبار اثر را مشخص کند. به این معنا که شناخت کافی و مناسبی از دایره‌ی موضوعی و مفهوم متن داشته باشد.

باید به این نکته توجه کرد که ناقد و تحلیل‌گر، اصول انتقادی‌اش را بر اساس شناخت خود از ادبیات شکل می‌دهد.^۵ این آگاهی در ارتباط با موضوعی که در ترازوی نقد قرار می‌گیرد، از این نظر قابل توجه است که عمل نقد در بستری شکل گرفته که کاملاً با پیش‌زمینه ذهنی، اطلاعات پایه، شناخت و ارزش‌های فکری ناقد مرتبط است. حرکت ناقد در نقد علمی، فراتر از ادبیات رشته‌ی موضوعی مورد نظر، در قالب شناخت مناسب از مبانی علمی و زمینه‌های رشد معنایی و محتوایی در بستر آن عرصه‌ی علمی است.

1. Information evaluation

2. Noise

۳. عوامل موثر در نقد و بررسی کتاب، ص ۱۷۴

4. Analysis structure

۵. تحلیل نقد، ص ۱۹

شالوده‌ی اصلی نقد

هدف در نقد، تخریب نیست و غایت آن لزوماً بسط آراء و یا پند و اندرز و اصلاح و یا پرداختن به محاسن صرف برای کسب امتیاز نمی‌باشد، بلکه جدا کردن سره از ناسره و خوبی از بدی است.^۱ این معنا از نقد، در بر گیرنده‌ی مفهوم و به تبع آن، عملکردی است که ناقد بر اساس آن به نقد متون مبادرت می‌ورزد. به‌رغم آنکه تعاریف متعددی از مفهوم نقد ارائه شده که عمده‌ی این مفاهیم، به هسته‌ی اصلی بررسی، ارزیابی و سنجش محتوای نوشتار تاکید دارد، نقد، فرایند ارزشیابی اثر است که با هدف شناسایی عناصر مهم و تاثیرگذار اطلاعاتی، در یک متن منسجم مطرح می‌شود. مفهوم کلان در متن از زمره مواردی است که باید در نقد تبیین شود. این مفهوم با معنای اصلی در نوشتار ارتباط دارد.

معنا آن چیزی است که مولف در متن گذارده^۲ و انتظار می‌رود که مخاطب آن را درک کند. ربط میان معنا و درک خواننده از متن خود مقوله‌ای پیچیده و قابل اعتناست. یعنی نقد به فرایندی توجه می‌کند که طی آن مفهوم به مناسب‌ترین وجهی معرفی و بررسی شود. در این میان کاستی در شناخت کافی با سودمندی‌های نقد پوشش داده می‌شود. از این رو باید گفت که نقد فعالیتی تحلیلی است که با هدف پالایش متن صورت می‌پذیرد. این بدان معناست که ناقد تلاش می‌کند تا بتواند نقاط قوت و ضعف موجود در اثر را شناسایی کرده، و از این طریق به توسعه و اصلاح دانش یاری رساند. این در واقع شناخت بهتر معنا در متن است که برای تکمیل فعالیت‌های علمی ضروری به شمار می‌رود. تدوین نقد در راستای برآورده ساختن نیاز جامعه علمی به ویرایش نظام‌مند اطلاعات است، تا در سایه‌ی آن بتوان به ارائه متنی منقح و صحیح

۱. پیش درآمدی بر چپستی نقد (تاملی بر تعریف، اقسام، قواعد، عوامل، و ... نقد و انتقاد)، ص ۱۸

۲. عمل نقد، ص ۳۳

دست یافت. البته این توضیح با این پیش فرض همراه است که ناقد خود توان مطلوبی در حوزه‌ی موضوعی مورد نظر داشته باشد و بتواند با نگارش نقادانه‌ی خویش، به اصلاح متن اهتمام ورزد.

در برخی مواقع، متن از استواری مناسبی برخوردار است، و نقد نقش ارتقای اطلاعات تخصصی را برعهده دارد، و یا می‌تواند در جهت معرفی بهتر آن زمینه‌ی علمی یا فنی موثر باشد. گاهی نیز نگارش نقد بهانه‌ای برای شناخت بهتر جامعه علمی از موضوعی است که ابعاد و زوایای مکتوم آن برای خوانندگان و مخاطبان قابل اعتناست. ولی مطلوب آن است که در هر نگارش انتقادی، عناصر اصلی متن، اعم از سازه‌های تشکیل دهنده‌ی مفید نوشتار و کاستی‌ها در کنار هم بررسی شده و ویژگی‌های آن در یک بستر متعادل مطرح و ارزیابی شود.

بر این اساس حجم قابل توجهی از اطلاعات ارائه شده در یک متن انتقادی، به ابعادی نظر دارد که می‌تواند شناخت کافی از موضوع برای مخاطب فراهم سازد. این نکته‌ای است که در نگارش نقد باید مرکز توجه ناقد باشد. بنابراین، نگارش نقد در راستای توسعه و گسترش مفاهیم علمی و بسط اندیشه‌های نظام‌مند در زمینه‌ی موضوعی مورد مطالعه است.

معنا و کاربرد مقاله

مقاله قالبی اطلاعاتی است که به بررسی و تحلیل یک موضوع مشخص در چارچوب متنی روش‌مند و دارای ساختار مدون می‌پردازد. در نگارش مقاله، موضوع معرفی، بررسی، تدوین، تجزیه و تحلیل و نتیجه‌گیری می‌شود. نگارش نوشتار در مقاله از روشی مشخص و نوعاً پژوهشی بهره می‌گیرد. این بدان معناست که مقاله از نظامی خاص پیروی می‌کند و هدفی معین را جست‌وجو می‌کند. مقاله دارای چارچوب اطلاعاتی هدف‌مندی است که از

مقدمه و بیان مسئله، آغاز شده و با تشریح محتوا و مضمون متن به پیش می‌رود. سپس به تحلیل پرداخته شده و یافته‌ها مطرح می‌شود. معمولاً راه‌کارهای کاربردی و جدیدی نیز پیشنهاد و معرفی می‌شود. در فرایند نگارشی مقاله هدف پرداختن به موضوعی است که انتظار می‌رود بتوان ابعاد نامکشوفی را مشخص کرد و دستاورد نوین علمی به دست آورد. در تهیه مقاله علمی و یا فنی، توجه پدیدآورنده به محورهای مهمی در بحث جلب می‌شود و تلاش می‌کند تا نتایج مفیدی به مخاطبان احتمالی و جامعه‌ی متخصصان آن حوزه ارائه دهد. برای انجام فعالیت‌های مربوط به نگارش مقاله، انطباق میان مبانی علمی ساخته شده و یافته‌های نوین یک پژوهشگر می‌تواند به تقویت محتوا و اعتبار اثر یاری رساند. در نوشتن مقاله‌های پژوهشی این انطباق و صحت اطلاعات، روش پژوهش، اهداف، تحلیل، یافته‌ها، نتایج و پیشنهادها باید مبتنی بر نظر چند داور متخصص باشد تا مورد تایید جامعه علمی در آن حوزه موضوعی قرار گیرد.

شیوه‌های مختلف تدوین نقد

روش‌های متعددی در تدوین نقدهای علمی وجود دارد، اتخاذ روش‌های مختلف نقد طبیعی است و نمی‌توان انتظار داشت که تمامی ناقدان از روشی واحد در تحلیل متون بهره گیرند. اما توجه به این نکته ضروری است که ناقد در نگارش‌های انتقادی خویش، از چارچوبی مدون و منطقی استفاده کند. به‌طور کلی باید در نظر داشت که منتقد باید در بررسی و تحلیل خود نظام منسجم و واحدی بسازد که در آن به همه چرایی‌های متن با یک شیوه همخوان جواب داده شود و اجزاء مباحث او با هم در تضاد نباشند.^۱ این بدان

معناست که حفظ یکپارچگی در تدوین نقد، با تکیه بر نظمی روش‌مند میسر است. تصمیم برای انتخاب روش نقد، در راستای حفظ چارچوب مشخصی است که استواری نگارش‌های انتقادی را تضمین می‌کند. لذا با تکیه بر چنین اهرم مطمئنی می‌توان از روش‌های گوناگون نیز بهره گرفت و در مسیر توسعه‌ی جامعه علمی از آن سود جست.

پاره‌ای از ناقدان بیشتر به معرفی و بررسی گذرای یک متن می‌پردازند و برخی بیشتر به جنبه‌های تحلیلی اهمیت می‌دهند. ناقدانی ترجیح می‌دهند صرفاً نقاط ضعف نوشتار را مطرح کرده و نقد را پرداختن به کاستی‌ها می‌دانند. در مقابل گروهی تلاش می‌کنند تا بیشتر به نقاط قوت و توانایی نویسنده اشاره کنند. برخی نیز توازنی میان این دو، یعنی قوت و ضعف اثر برقرار می‌سازند و به هر دو عرصه عنایت دارند. روش‌های دیگری نیز می‌توان برشمرد: نگارش کوتاه و مختصر نقد و یا پرداختن طولانی و بلند. توجه به نکات ریز و خرد در ارتباط با مشکلات مختلفی که در متن وجود دارد، از غلط‌های املائی گرفته تا مشکلات نگارشی و جز آن؛ یا در مقابل پرداختن به جنبه‌های کلان و محورهای اصلی متن.

موارد مهمی که معمولاً در یک نگارش انتقادی مربوط به منابع اطلاعاتی مورد بررسی قرار می‌گیرد، طیف وسیعی از عناصر مفهومی و محتوایی را پوشش می‌دهد. بسته به نوع نقدی که به رشته تحریر در می‌آید، و میزان تلاشی که ناقد برای بیان نقاط قوت و ضعف اثر مصروف می‌دارد، و همچنین بر مبنای دیدگاه و نگرشی که وی بر نگارش انتقادی دارد، می‌توان به مولفه‌های مهمی در نوشتن نقد اشاره کرد که هر یک در جای خود قابل اعتنا بوده و نتایج مفیدی به همراه دارد.

در میان ناقدانی که به روش حرفه‌ای به نگارش نقد مبادرت می‌ورزند، معمولاً مقاله-نقد از مقبولیت چندانی برخوردار نیست و مورد عنایت قرار

نمی‌گیرد. به نظر می‌رسد که ناقدان به این نکته معتقدند که ساختار هر یک از قالب‌های اطلاعاتی مقاله و نقد بهتر است که به صورت مستقل و مجزا ارائه شوند و در عمل نیز چنین است. مقاله جایگاه خود را داشته و نقد به حوزه‌ی رسالت مورد انتظار خود می‌پردازد. ولی برداشتی وجود دارد که می‌توان از ترکیب مقاله و نقد، قالب اطلاعاتی نوینی به وجود آورد که با تکیه بر آن امکان ارائه اطلاعات سودمندی که در هر دو قالب اطلاعاتی مطرح می‌شود، به نتایج مناسب‌تری دست یافت.

تعریف مقاله-نقد:

مقاله-نقد یکی از قالب‌های مهم اطلاعاتی است که معمولاً به تشریح مباحث نوینی در ارتباط با یک حوزه‌ی علمی یا فنی می‌پردازد. مقاله-نقد از سویی به توضیح پیرامون مطلب مورد نظر در چارچوب یک مقاله‌ی تخصصی نظر دارد، و از سوی دیگر به ابعاد متعدد در تحلیل و بررسی یک کتاب و یا متن معتبر توجه می‌کند. در نگارش مقاله-نقد تلاش می‌شود تا برای خواننده حیطه‌ی قابل توجهی از اطلاعات، به شیوه‌ی نظام‌مند و مدون، در ساختار یک نوشتار علمی بیان شود. در این حالت علاوه بر تشریح مباحث حرفه‌ای در پوشش رشته‌ی علمی مورد نظر، محتوای کتاب یا نوشتار معتبر علمی نیز تحلیل شده و ابعاد و زوایای مختلف آن ارزیابی می‌شود. در واقع مقاله-نقد کمک می‌کند در کنار پرداختن به ساختار یا محتوای کتاب، امکان ارائه محتوای اطلاعاتی مفید در رابطه با موضوع مورد نظر به روشی علمی فراهم شود. این ترکیب و هم‌نوایی می‌تواند حاوی فوایدی باشد و نیاز افراد مختلفی را برآورده سازد. مقاله-نقد دارای ترکیبی متوازن و هماهنگ از محتوای یک مقاله‌ی تخصصی و نقدی علمی است که هر دو در راستای یک هدف مهم، یعنی امکان ایجاد متنی فنی برای آشنایی بهتر مخاطب با مبحثی علمی، نوشته می‌شود. بنابراین مقاله-نقد تلاشی هدفمند و دارای ساختار مدون است که هم

اهداف مربوط به نگارش مقاله و هم مقاصد نقد معتبر را فراهم می‌سازد. این قالب اطلاعاتی دارای ساختار، چارچوب و محتوای اطلاعاتی خاص خود است و می‌تواند به عنوان یک منبع اطلاعاتی سودمند برای آشنایی با موضوع‌های جدید محسوب شود.

هدف مقاله-نقد

هدف اصلی از تدوین مقاله-نقد آن است که ضمن بیان نکات قوت و ضعف یک کتاب یا نگارش علمی، اطلاعات مهم و ارزشمندی در رابطه با موضوع اثر، در چارچوب و ساختاری مدون ارائه کند و دانش و آگاهی خواننده را به روشی نظام‌مند ارتقا بخشد. در برخی مواقع معرفی و بررسی صرف کتاب نمی‌تواند ابعاد پنهان و اطلاعات ضمنی موجود در متن را به خواننده منتقل کند، در آن صورت طرح مطالبی که در ارتباط با هسته‌ی اصلی نوشتار است، می‌تواند تا حد زیادی جنبه‌های نظری و عملیاتی بحث را مشخص ساخته و نقشه‌ی ذهنی مناسبی برای خواننده مهیا سازد. در واقع هدف مهمی که در نگارش مقاله-نقد پیگیری می‌شود، غنی‌سازی محتوای اطلاعاتی یک قالب اطلاعاتی است که در ارتباط با دو چارچوب اطلاعاتی متفاوت، ولی مرتبط، نیاز اطلاعاتی خواننده متخصص را تامین می‌کند.

اهمیت و فایده‌ی مقاله-نقد

همچنانکه پیش‌تر بیان شد، مقاله-نقد یک ترکیب علمی است که می‌تواند رسالت مقاله و نقد را در چارچوب تعریف تخصصی و مورد قبول اهل فن برآورده سازد. بنابراین می‌توان انتظار داشت که این قالب اطلاعاتی در صورتی که به شیوه‌ی مناسبی تدوین شود، بهره‌وری نوشتار را افزایش داده و اطلاعات هر دو حوزه را پوشش دهد.

مقاله-نقد می‌تواند به نیازهای مطالعاتی افراد مختلفی پاسخ دهد. از سویی کسانی که علاقه مند به آشنایی با کتاب یا اثر جدید هستند و یا می‌خواهند آن را انتخاب کنند می‌توانند از این قالب اطلاعاتی بهره گیرند؛ و از سوی دیگر، افرادی که می‌خواهند با حیطه‌ی نوینی از مباحث تخصصی و حرفه‌ای آشنا شوند، از آن منتفع می‌شوند. علاوه بر آن کسانی که به هر دو زمینه‌ی پیش‌گفته علاقه‌مند هستند، این امکان را می‌یابند که بتوانند اطلاعات کاملی در خصوص یک حوزه‌ی موضوعی مدون به دست آورند.

سودمندی قابل توجه مقاله-نقد آن است که دایره‌ی اطلاعاتی مورد نظر خواننده را افزایش داده و به پاره‌ای از ابعاد و جوانب اشاره دارد که معمولاً در نقدها مورد توجه قرار نمی‌گیرد. زیرا ناقد در تحلیل خود به مواردی چون صحت اطلاعات، میزان دقت مورد نظر در تنظیم نظام‌مند مطالب، جامعیت متن، ساختار مدون اثر، اشتباه‌ها و غلط‌های موجود، استحکام و قوت نوشتار و نظایر آن نظر دارد. معمولاً در نقدهای مرسوم، مباحث هسته و مفاهیم کلیدی به صورت عمیق و ژرف، آنچنانکه در چارچوب یک مقاله علمی مورد بحث قرار می‌گیرد، مطرح نمی‌شوند.

ساختار مقاله-نقد

پرسشی که ممکن است مطرح شود آن است که آیا اساساً از نظر ساختاری امکان ترکیب قالب‌های اطلاعاتی مقاله و نقد وجود دارد؟ به تعبیر دیگر آیا می‌توان مقاله‌ای را که از نظر مفهومی با نقد یک اثر اشتراک دارد با هم ادغام کرد؟ در پاسخ باید بیان کرد که مطالب یک مقاله-نقد چه در بخش مربوط به نقد و چه در بخش مربوط به مقاله دارای همبستگی موضوعی است و لذا طرح مباحث نظری در کنار تحلیل و بررسی نوشتار مورد نظر، مشکلی ایجاد نمی‌کند.

مقاله-نقد را می‌توان قالبی اطلاعاتی دانست که حجم مناسبی از اطلاعات مربوط به موضوعی تخصصی، علمی و یا فنی را ارائه داده و چارچوب کلی بحث را مشخص می‌سازد. بنابراین برای آشنایی با حیطه‌ی موضوعی و ساختار مدون یک مطلب حرفه‌ای، ابزاری مطلوب و کارآمد به شمار می‌آید.

مقاله-نقد می‌تواند ترکیب متوازنی از مباحث مربوط به تحلیل یک متن و مباحث نظری آن حیطه‌ی موضوعی باشد. از سوی دیگر ممکن است به فراخور مطلب، بخش مربوط به نقد بیشتر و یا کمتر باشد. از این رو برقراری ارتباط میان این دو حوزه، بستگی به فراگیری یا عدم فراگیری موضوع در عرصه‌ی جامعه علمی دارد.

مقاله-نقد یک ترکیب متناسب در عرصه‌ی نگارش تخصصی است. با توجه به انتظاری که از یک نوشتار علمی می‌رود، مقاله-نقد می‌تواند تا حد زیادی به جنبه‌های معرفتی، بررسی، تحلیل، ارزشیابی و ارائه متنی حرفه‌ای منجر شود که از یک سو متنی را منقح ساخته و از سوی دیگر بحثی نوین در جامعه‌ی علمی مطرح می‌کند.

مقاله-نقد می‌تواند حاوی فواید مورد نظر برای یک مقاله علمی بوده و ساختار نسبتاً کاملی از یک مقاله داشته باشد. این نکته‌ی مهمی است که مقاله توان طرح مباحث علمی و تخصصی در یک زمینه‌ی موضوعی را داشته و شاخه‌های متنوعی از مفاهیم و اطلاعات مرتبط را پوشش دهد.

بنابراین، مقاله-نقد دارای مقدمه، معرفی شخصیت علمی نویسندگان و آثار پژوهشی آنان، معرفی مفهوم هسته‌ی اصلی بحث، تحلیل محتوای اطلاعاتی، تاثیر آن مقوله در جهان دانش، ارزشیابی موضوعی، راهکارهای عملیاتی، معرفی اثر، تحلیل و بررسی متن، نقاط قوت و ضعف و نتایج به دست آمده است. بنابر سبک نویسنده‌ی مقاله-نقد بخش‌هایی از این قالب اطلاعاتی دستخوش

تغییر هستند که با عنایت به روش مورد نظر نویسنده، امکان تدوین مناسب آن وجود دارد.

کاربرد مقاله-نقد

افزایش مباحث نوین در حوزه‌های موضوعی مختلف و رشته‌های گوناگون دانشگاهی، باعث شده تا متخصصان هر رشته‌ی علمی نیز با تمامی مباحث مطرح شده آشنایی کامل نداشته باشند. به ویژه آنکه تولید علم با سرعتی تصاعدی رو به پیشرفت است. بنابراین طرح هر موضوع نوین نیاز به مهیا ساختن مقدمه و بستری دارد که در آن می‌توان انتظار داشت که مفهوم مورد نظر شکل گرفته، و نقش آن در فضای جامعه علمی مشخص می‌شود. در این موارد توضیح مناسب و مربوط به مفاهیم نوین می‌تواند چارچوب‌های تحلیلی را تقویت کرده و نقش مثبتی در ارتقای دانش متخصصان به عهده داشته باشد.

نوشتن مقاله-نقد در مجامع علمی و محیط‌های پژوهشی کاربرد دارد و از این نظر می‌توان با ارائه آن در مجله‌های تخصصی، همایش‌ها، منابع خاص نقد و بررسی، گزارش‌های علمی و برخی دیگر از محمل‌های انتشاراتی، به اطلاع‌رسانی سودمند در حوزه‌های تخصصی پرداخت. مقاله-نقد برای آشنایی دانشجویان، پژوهشگران، استادان و متخصصان رشته‌های علمی و فنی حاوی اطلاعات مناسبی است. از سوی دیگر می‌توان در کارگاه‌ها و دوره‌های آموزشی به عنوان بخشی از مطالب از آن بهره گرفت. در انتشار نتایج همایش‌ها نیز می‌توان از قالب مقاله-نقد استفاده کرد... باید به یک نکته‌ی مهم و اساسی توجه داشت که مطالب ارائه شده در یک مقاله-نقد می‌تواند کوتاه‌تر از یک مقاله‌ی علمی باشد و در عین حال نیاز اطلاعاتی خواننده برای آشنایی اصولی با موضوع را نیز برآورده سازد. در هر صورت مقاله-نقد کاربردهای آموزشی و پژوهشی مخصوص خود را دارد و می‌توان در مجموعه‌ها و

محمل‌های متعدد انتشاراتی از آن بهره گرفت، و در نقش یک قالب اطلاعاتی مفید، در ارتقای دانش متخصصان استفاده کرد.

نویسندگان مقاله-نقد

بهره‌گیری از قالب اطلاعاتی مقاله-نقد نشان‌دهنده‌ی توان علمی نگارنده نیز هست. زیرا او ثابت می‌کند که علاوه بر مباحثی که در کتاب یا متن مطرح شده، شناخت مناسبی از موضوع داشته و به جنبه‌هایی نظر دارد که پایه‌ی اصلی متن را تشکیل می‌دهد. معمولاً کسانی به نگارش مقاله-نقد دست می‌زنند که توان علمی خوبی در حوزه‌ی مورد نظر دارند و می‌توانند به مسائل متعددی در ارتباط با موضوع اصلی بحث بپردازند. برای نگارش مقاله-نقد توانایی‌هایی بالاتر از قدرت نقد متون لازم است و لذا توجه به هسته‌های موضوعی که در متن مطرح شده، فراتر از آگاهی‌های اولیه بوده و نویسنده این قالب اطلاعاتی باید توان تحلیل و بررسی محتوای علمی مورد نظر و ابعاد متعدد آن را نیز داشته باشد.

ارزش مقاله-نقد در این نکته نیز خلاصه می‌شود که معمولاً به هر میزان که نگارنده‌ای از توان علمی بالاتری برخوردار باشد، می‌تواند به صورت کامل به جنبه‌های متعدد بحث اثر بپردازد. به شکل کلی می‌توان انتظار داشت که یک مقاله-نقد علمی دارای اعتبار و ارزش بالاتری باشد. این بدان معناست که نویسنده‌ی این قالب اطلاعاتی، توان بالایی در پرداختن به موضوع اصلی نوشتار دارد و می‌تواند به خوبی از عهده نقد اثر برآید. برای سنجش میزان اعتبار یک مقاله-نقد می‌توان شخصیت علمی نویسنده، موقعیت حرفه‌ای و سابقه فعالیت پژوهشی او را به عنوان مولفه‌های قابل توجه در نظر گرفت. علاوه بر آن، متن مقاله-نقد و قوت نگارش از منظر حرفه‌ای و تخصصی، خود از زمره دلایل استوار برای معتبر دانستن یک مقاله-نقد است.

نتیجه‌گیری

در نقد منابع اطلاعاتی یکی از اهداف اصلی اصلاح و ویرایش محتوایی مطالبی است که می‌توان با این فعالیت، کیفیت علمی اثر را افزایش داد. گرچه نقد همواره مسیری تحلیلی را می‌پیماید، ولی این مشکل نیز وجود دارد که اساساً خواننده، نتواند با جوانب متعدد بحث به‌خوبی آشنا شود و لذا تا حدودی سازه‌های اصلی بحث برای او نا مفهوم باشد. حتی در مواردی متخصصان نیز ممکن است با موضوع‌های جدید به‌خوبی آشنا نباشند و نیاز به تبیین مفهوم مورد نظر باشد تا شمای کلی بحث برای آنان مشخص و تدوین شود. در چنین وضعیتی می‌توان انتظار داشت که مقاله-نقد تا حد زیادی چنین شکافی را پوشش دهد و ابعاد مختلف موضوعی را آشکار می‌سازد.

نقد متون گرچه با تحلیل و بررسی نوشتار همراه است، ولی رسالت‌آشنایی بیشتر خواننده با مفهوم مورد نظر را نیز برعهده دارد. در قالب اطلاعاتی مقاله-نقد می‌توان امیدوار بود که این هدف بیشتر برآورده شود و خواننده نیز بتواند حجم اطلاعات مناسبی در این عرصه به دست آورد.

همواره متون علمی نیازمند تحلیل، بررسی و ارزشیابی مستمر هستند. این رویکرد می‌تواند جنبه‌هایی از مباحث تخصصی را که با پاره‌ای کاستی‌ها مواجه هستند، اصلاح کند. از سوی دیگر سبب ارتقای ابعادی از مسائل شود که در یک رشته‌ی علمی نیاز به روزآمدی و طرح مطالب نوین دارد. بر همین اساس، فرایند نقد به شکل دائم در حال رشد و پویایی است و هم‌سو با تحولات جدید به سوی توسعه‌ی حرفه‌ای حرکت می‌کند.

مقاله-نقد می‌تواند خواننده را با پاره‌ای از مسائل مرتبط با موضوع آشنا سازد که معمولاً در تحلیل متن به چشم نمی‌خورد، زیرا ناقد تلاش می‌کند تا مفاهیم مورد نظر را در قالب مواردی مطرح سازد که به طور مستقیم در متن آمده است. لذا آن موارد در ارتباط با نقشی که در ساختار اصلی کتاب دارند،

بررسی و ارزیابی می‌شوند. ولی در این ساختار اطلاعاتی، نویسنده علاوه بر عناصر نامبرده، به ابعادی می‌پردازد که فراتر از نگارش متن است و به تبیین ساختار کلی بحث پرداخته و زوایای متعدد آن را مشخص می‌سازد.

از ویژگی‌های مهم مقاله-نقد آن است که معمولاً در این قالب اطلاعاتی توجه به نکات جزئی و کم اهمیت در ارزیابی متن کاهش یافته و عناصر اصلی در تحلیل اثر مورد توجه قرار می‌گیرد. زیرا پرداختن به مبانی و هسته‌های مهم نوشتار در چارچوب اطلاعات استنادی و به شکل مقاله‌ای مدون، عنایت ناقد را به محورهای سوق می‌دهد که اهمیت بیشتری دارند و به صورت بنیادی ساختار متن را مورد بررسی قرار می‌دهند.

جمع‌بندی و تحلیل نهایی

از زمره ویژگی‌های مهم جهان جدید، پدیده تولید انفجارآمیز داده و اطلاعات در آن است. امروزه، اطلاعات با رشدی تصاعدی در جهان تکثیر می‌شود و برای دستیابی به اطلاعات سودمند، تدابیری اتخاذ شده تا میزان دسترسی ما را به آن افزایش دهد. اطلاعات، از ویژگی منحصر به فردی برخوردار است. سرمایه‌ای که امروزه اقتصاد و اجتماع جدیدی براساس آن بنا شده، تا آنجا که جهان جدید را به نام جامعه اطلاعاتی^۱ می‌شناسیم و بر همین مبنا، مشاغل اطلاعاتی، سیمای جهان نوین را دگرگون ساخته‌اند. بنابراین، بسیار اهمیت دارد که درباره صحت و درستی اطلاعات از یک‌سو، و کاربردپذیری و کارآمدی آن از سوی دیگر مطالعه و بررسی انجام شود. تولید اطلاعات، همواره با پدیده نادرستی یا کم‌درستی همراه بوده است. گاهی نیز درک نامناسبی از اطلاعات صحیح صورت می‌پذیرد. همین پدیده، سبب می‌شود تا از ارزش اطلاعات کاسته شود. اطلاعات در صورت خدشه‌دار شدن در جنبه‌هایی چون صحت و درستی، اعتبار، کاربرد، تأثیر، ارزش، توانمندی و اثربخشی، می‌تواند سبب خسارت و زیان‌های فراوانی در زندگی بشر شود. از همین‌رو، تلاشی وسیع در محیط‌های علمی برای سنجش و پیرایش آثار و

1. Information society.

متون علمی صورت می‌پذیرد. یکی از ابزارهای مناسب ارزشیابی اطلاعات، پدیده نقد است که سبب می‌شود تا میزان خشه‌های اطلاعاتی کاهش یابد. نقد، فرایند پالایش و اصلاح اطلاعات و عملی مهم در عرصه‌ی سنجش و ارزشیابی موثر متون است. این فرایند نوشتاری با نکته‌بینی و سخن‌سنجی همراه است. به تعبیر دیگر، مطالعه برای بررسی و تحلیل اثر و مشخص ساختن نقاط قوت و ضعف آن متن در پوشش نقد قرار می‌گیرد. برای ارزیابی متون علمی، فرهنگی و ادبی معمولاً از نقد برای ارتقای مفهوم و کیفیت آن استفاده می‌کنند. نقد فعالیتی روش‌مند است و با نگارش علمی همراه است. این بدان معناست که نقد سنجشی موثر و مدون بر اساس مبانی مشخصی است که باعث می‌شود تا متن از اثربخشی بالاتری برخوردار شود. باید توجه داشت که نقد یک شیوه‌ی نگارشی کاملاً علمی است. در واقع در تدوین نقد منصفانه، گرایش‌های ناقد کمتر دخالت دارد و عامل موثر در این میان، پیروی از روش‌شناسی نقد است. نوشته‌های انتقادی، بخشی از فعالیت‌های تحلیلی برای تبیین اصالت و صحت اطلاعات است که در میان متخصصان دارای موقعیتی ارزنده است. به یک معنا، نقد فعالیتی مبتنی بر مهارت‌های تحلیل و تفسیر متن است و سبب می‌شود تا بخش گسترده‌ای از نظرهای مختلف در یک عرصه‌ی واحد به شکل یکپارچه بیان شود. این عرصه شامل بخش‌های متعددی از معرفی‌ها، بررسی‌ها و تحلیل‌هایی است که در مجموع ساختار اطلاعاتی را شکل می‌دهد. نقد دارای اهمیتی است که به دلیل تأثیری که بر اندیشه مخاطبان اثر دارد از حساسیت بیشتری برخوردار است و اثربخشی نقد با تحلیل موضوعی متن قرابت دارد.

نقد این امکان را فراهم می‌سازد تا خواننده به جنبه‌هایی توجه کند که ممکن است به خوبی مطرح نشده باشد. نقد فعالیتی مهم است که قدرت

تفکر آدمی را تقویت می‌کند. همچنین با رویکردهای متفاوتی ظاهر می‌شود که می‌تواند تأثیری شگرف در بهبود معنای متن و ارتقای مفاهیم آن داشته باشد. برای تهیه نقدی اثربخش، آگاهی از مبانی معرفت‌شناسانه نقد ضروری است. چپستی و چرایی نقد همواره با مبانی فلسفی آن ارتباط دارد. ماهیت نقد به این نکته مهم راجع است که ناقد در فرایند نقد، تلاش می‌کند تا بتواند به مفهوم و معنای واقعی در متن دست یابد. تمامی تلاشی که توسط نگارنده‌ی اثر برای بیان معنا انجام پذیرفته است، در زیر نگاه دقیق و تحلیل‌گرانه‌ی ناقد، تجزیه شده و مورد ارزشیابی قرار می‌گیرد. این توانایی، به‌راحتی به دست نمی‌آید. بر پایه‌ی توضیح فرای^۱، نخستین کاری که ناقد ادبی باید انجام بدهد، این است که ادبیات را مطالعه کند و از حوزه‌ی فعالیت خویش بررسی استقرائی به‌عمل بیاورد، و اصول انتقادی‌اش را براساس شناخت خود از آن شکل بدهد. اصول انتقادی را، نمی‌توان حاضر و آماده از الهیات، فلسفه، سیاست و علم، یا ترکیبی از آن‌ها اخذ کرد^۲. علاوه بر آن کسی که قصد تحلیل متون علمی و فنی را دارد نیز به این توانایی نیازمند است. برای نگارش‌های تحلیلی، صرفاً تسلط بر موضوع کافی نیست، بلکه ناقد باید آگاهی در حوزه‌های شناختی نقد داشته و با فلسفه نقد آشنایی داشته باشد.

واعظی بیان می‌کند که فیلسوف باید به معرفت‌شناسی و نقد توجه کند؛ یعنی در جهت تعیین و تشخیص اشکال و مقولاتی تلاش کند که عمل شناسایی را ممکن می‌سازند^۳. چه فیلسوف و چه هر شخصی که نسبت به اندیشه‌ای انتقاد و تحلیل روا می‌دارد، یعنی در نقش یک ناقد ظاهر می‌شود، باید کوشش کند تا بتواند به سنجشی متناسب و مناسب دست زند. در واقع

1. Frye.

۲. تحلیل نقد، ص ۱۹

۳. درآمدی بر هرمنوتیک، ص ۳۳۴

نقد با معیارهایی به انجام می‌رسد که نقش ارزیابی را تقویت کرده و به هدف مشخصی که همانا تعیین معنای واقعی متن است، نائل شود. علاوه بر آن، نقد رسالت اصلاح متن را به انجام می‌رساند.

هر گاه نگارنده‌ای تصمیم می‌گیرد که به نگارش نقد دست یازد، شایسته است که با مبانی اصلی و اولیه نگارش نقد آشنا باشد. در این رابطه داشتن توانمندی در ارزشیابی متن یکی از ویژگی‌های مهم در تدوین نقد است. ضرورت دارد تا ناقد با اصول ارزیابی متون، قدرت شناخت مبانی علمی موضوع مورد بررسی، آشنایی با نقاط ضعف نگارشی، محتوایی و معنایی، و توانایی بررسی مفاهیم علمی و فنی در متن آشنایی داشته باشد و بتواند در این عرصه اظهار نظر کند. نقادی، علاوه بر توانایی فردی برای شناخت حیطه‌ی موضوعی متن، به قدرت سنجش و تحلیل مفهوم، هنر نیک اندیشیدن و نیز مهارت ژرف‌اندیشی در اثر نیازمند است. ناقد باید با گستره‌ی وسیعی از متون حوزه‌ی مورد نظر، به‌خوبی آشنا باشد. همچنین ضرورت دارد تا نظر دیگر ناقدان را در آن عرصه بداند. با دقت نظر در میان نوشتار به تبیین ویژگی‌های مثبت و منفی برآید و بلکه بیش از پرداختن به نقاط ضعف، به کانون‌های قوت اثر بنگرد. نقد برقراری یک پیوند علمی میان متن، مخاطب و معیارهای علمی پذیرفته شده است که می‌تواند به خلق نگرشی موثر و سودمند در ارتباط با آن اثر منجر شود. در واقع نقد خود اثری مستقل برای تثبیت موقعیت متن است. بنابراین، ناقد، شخصیتی است که به خلق نوشتاری مبادرت می‌ورزد، که منشاء دیدگاهی متفاوت و مکمل متن اصلی است.

متخصصان موضوعی در حوزه نقد به نگارش‌های سودمندی دست می‌زنند. معیارهای نقد علمی در آثار ناقدان قابل مشاهده است، و هر ناقدی با سبک خاص خود به نوشتن نقد می‌پردازد. برخی از ناقدان، بر جنبه‌های خاصی تأکید بیش‌تری می‌ورزند و از ابعاد دیگری کم‌تر یاد می‌کنند. در

نگارش‌های انتقادی، تکیه بر محتوا و مفهوم متن، بیش از جنبه‌های دیگر صورت می‌گیرد. همچنین در نگارش نقد علمی کتاب، چندین محور عمده مورد توجه قرار می‌گیرد. عوامل مهم و تأثیرگذار در ساختار نگارش و سطوح مربوط به آن، و عناصر مهم در تبیین محتوا و مفاهیم تخصصی متن، دو رکن مهم در نگارش‌های انتقادی است.

برای نگارش نقد مطلوب، گام موثر انتخاب منبع مناسب و با ارزش برای نقد است. هر کسی که به نقد دست می‌زند، لاجرم متنی را برای سنجش به رسمیت می‌شناسد، پس انتخاب اثر، خود دلیلی بر اهمیت آن است. هرگز نباید متنی را که از ارزش هنری، ادبی، علمی و یا فنی برخوردار نیست، به نقد کشید؛ مگر ضرورت ایجاب کند که برای هدایت گروهی قابل ملاحظه، و پیشگیری از خطر انحراف علمی و اخلاقی، متنی سبک مورد مذاقه قرار گیرد. در عرصه‌ی رشته‌های علمی موجود، همواره متون مفید و سودمند در مرکز توجه ناقدان واقع شده و به تحلیل فراخوانده می‌شود. در واقع، معرفی و نقد یک اثر، حاکی از اعتبار و ارزش آن متن در میان جامعه علمی است. پس همواره باید دقت کرد تا متنی انتخاب شود که ارزش نقادی داشته و بتوان برای ارزیابی آن وقت صرف کرد.

ناقد همواره باید تلاش کند تا آثاری را به بوته نقد کشد که از سوی نویسنده‌ای مهم تالیف شده است. لزوماً باید در نقد به جایگاه مولف توجه داشت. این سخن بدان معناست که اگر ما به نقد اثری از نویسنده‌ای دست می‌زنیم، باید خالق متن را در حدی در نظر بگیریم که ارزش پرداختن به نگارش او وجود داشته باشد. در این میان، توجه به جایگاه تخصصی نویسنده نیز می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. سطوح نگارش نویسنده، علاقه‌مندی حرفه‌ای و نیز زمینه موضوعی که به آن می‌پردازد می‌تواند در این عرصه قابل ملاحظه باشد. نقد مولف، به رسمیت شناختن جایگاه و ارزش او در آن

حوزه‌ی مطالعاتی است. پس باید دقت کرد که به مولفی پرداخت که ارزش تحلیل آثار او و نیز شخصیت علمی وی قابل عنایت باشد. مولفه‌های موثر و اصلی در تنظیم متن، ضرورتاً باید شناخته شود. ناقد باید به ظریفی در متن آگاهی داشته باشد. مواردی چون: شیوه‌های نگارش، نحوه‌ی تنظیم متن، محتوای موضوعی، اثربخشی و ارتباط میان مبانی علمی و متن از مواردی است که باید جدی تلقی شود. ناقد باید متن را اگر چه به صورت گزینشی، ولی با دقت مطالعه کند. برخی بخش‌ها را حتماً باید بخواند. در جریان روند کلی کتاب باشد. با هسته‌های اصلی اثر نظیر: مقدمه، سرفصل‌ها، مباحث کلیدی، تحلیل‌ها، نتیجه‌گیری، پیوست‌ها، کتابنامه و جز آن ارتباطی عمیق برقرار سازد. در واقع باید ناقد، کتاب را درک کند، چنانکه یک نوع رابطه‌ی معنایی میان او و اثر ایجاد شود. اگر ناقد به کلیت متن واقف شود، ولو با خواندن بخش‌هایی از کتاب، می‌توان امیدوار بود که در نقد به موفقیت نزدیک شود.

بسیاری از ناقدان توصیه می‌کنند که همواره متن را دوباره و یا چندباره بخوانید؛ به ویژه آن بخش‌هایی از اثر را که از اهمیت بیشتری برخوردار است. در هر بار خواندن متن، برداشتی نوین صورت می‌پذیرد و قطعاً کسی که متنی را برای بار دوم و یا سوم می‌خواند، درک یکسانی از خواندن بار اول ندارد. شاید یکی از ویژگی‌های متن آن است که همواره در تمام بارهایی که مطالعه می‌شود، با داشتن ماهیت یکسان، شناخت متفاوتی برای انسان ایجاد می‌شود. بدون تردید یکی از دلایل این مطلب آن است متن دارای معنایی نهفته است که باید توسط خواننده کشف شود. با هر بار خواندن ابعادی از این ویژگی مورد توجه قرار می‌گیرد و لایه‌ای از متن مکشوف می‌شود.

ناقد باید نکات کلیدی متن را مشخص کند. این بدان معناست که در نگارش نقد نقاط عطفی وجود دارد که می‌توان با تکیه بر آنها به نقد دست زد.

برای نگارش نقد، لازم است تا بتوان موارد اصلی و مهم را در متن مشخص ساخت. اینکه متن تا چه اندازه توانسته است نیاز اطلاعاتی اعلام شده مخاطب را برطرف سازد؛ یا شیوه ارائه اطلاعات، وضعیت استنادها و متون مورد استفاده، و نیز میزان استحکام ساختار علمی و مناسب اثر می‌تواند از نکاتی باشد که ناقد بر اساس آنها به داوری و تحلیل خویش می‌پردازد. برای نگارش یک نقد مناسب، تعیین موارد اصلی در نقد و نقاط برجسته از اهمیت بالایی برخوردار است. به تعبیر دیگر، ناقد باید بتواند به بخش‌هایی بپردازد که اهمیت توجه دارند. بنابراین از زمره مواردی که باید به آن توجه کرد، بحث شناسایی و تشخیص بخش‌های بنیادی و اثربخش در منبع اطلاعاتی است.

در نگارش نقد همواره آفت‌هایی وجود دارد که درستی و اثربخشی آن را کم‌رنگ می‌سازد. از زمره فعالیت‌های مهم در عرصه نگارش متون انتقادی، توجه به رسالت نقد و هدف آن است. زمانی که ناقد تصور می‌کند که در تهیه نقد نیازی به مشورت با دیگران یا دیگر نگارش‌های انتقادی ندارد، درگیر یکی از آفت‌های مهم نقد شده است. علاوه بر آن، آشنایی اندک ناقد نسبت به موضوع اصلی اثر می‌تواند در کیفیت نگارش نقد موثر بوده و باعث تضعیف نقد شود. تمرکز بر مسائل ظاهری در نقد، مانند توجه بیش از حد به غلط‌های املائی یا نگارشی می‌تواند ناقد را از رسیدن به مقصود منحرف سازد. از سوی دیگر، بدگمانی نسبت به پدیدآورنده و یا اثر می‌تواند به آفتی در نگارش نقد تبدیل شود. عدم دسترسی ناقد به متن اصلی و تحلیل بر اساس نوشته‌های پیرامونی نیز عامل دیگر انحرافی محسوب می‌شود. علاوه بر آن، بی‌توجهی به آراء صاحب‌نظران و عدم استفاده از نظر ارزنده آنان نیز از دیگر اشتباه‌ها در نگارش نقد به‌شمار می‌آید. از دیگر آفت‌های نقد، برداشت ناصحیح از مفهوم متن است و بی‌توجهی به مبانی علمی در حوزه موضوعی مورد نظر نیز می‌تواند به معضلی در نگارش انتقادی تبدیل شود. یکی از چالش‌های اصلی

ناقد در تدوین اثر خود، وجود سوگیری در نقد است. همچنین تایید کامل و تکذیب صرف، از هر دو سو باعث ضعف نقد می‌شوند. برداشت‌های ناصحیح از مفهوم متن نیز می‌تواند به تضعیف نقد منجر شود. علاوه بر آن، انتظار نامناسب و غیرمنطقی از اثر، یعنی آنچه که نقد متکفل آن نیست نیز از جمله معضلات تدوین نقد است. در نهایت نیز تهیه نقدهای آماده که به منظور فعالیت‌های تجاری تنظیم می‌شود، می‌تواند خطری برای اعتبار نقد محسوب شود.

پیشنهاد کاربردی موثر ارائه شده در این اثر، تدوین شیوه‌ی نگارش اطلاعاتی به نام مقاله-نقد است. مقاله-نقد، قالب نوشتاری مفیدی است که پوشش اطلاعاتی وسیعتری دارد و می‌تواند نیاز اطلاعاتی متخصصان موضوعی را در ارتباط با شناخت مبانی علمی حوزه‌های متعدد مطالعاتی در بر گیرد. بهره‌گیری از این روش به ناقدان کمک می‌کند تا علاوه بر تحلیل متن، به ارائه اطلاعات تخصصی و حرفه‌ای مناسبی مبادرت ورزند. هدف اصلی مقاله-نقد، حمایت از فعالیت‌های پژوهشی است و می‌تواند نیازهای مطالعاتی مختلف را پوشش دهد. در این ساختار اطلاعاتی، حجم آگاهی خواننده افزایش پیدا می‌کند و به جنیه‌هایی از موضوع پرداخته می‌شود که سبب غنی‌سازی محتوا و پاسخگویی بهینه به مباحث کلیدی است. مقاله-نقد می‌تواند به مثابه یک ابزار سودمند در اختیار پژوهشگران و متخصصان قرار گرفته و کاربردی مضاعف داشته باشد.

توضیحات کاربردی در نمونه‌های نقد

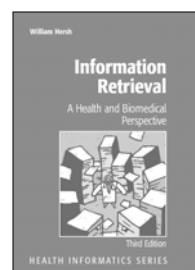
در این بخش دو نگارش انتقادی که به ترتیب پیش‌تر در کتاب ماه کلیات شماره ۱۶۷ (آبان ۱۳۹۰) و کتاب ماه علوم و فنون شماره ۱۱۴ (خرداد ۱۳۸۸) به چاپ رسیده به عنوان نمونه آورده شده است. ابتدا یک نقد در حوزه بازیابی اطلاعات پزشکی و سپس یک مقاله-نقد در زمینه مصورسازی اطلاعات مطرح شده که دومی از زمره مباحث نوین فناوری به شمار می‌آید که در عرصه‌های طراحی رابط‌کاربر و بازیابی اطلاعات کاربرد موثری دارد. در لابلای این دو قالب اطلاعاتی انتقادی، توضیح‌هایی برای آشنایی بیشتر خوانندگان با اجزاء و بخش‌های مختلف نقد آمده و تلاش شده تا به نقاط مهم و تاثیرگذار اشاره شود. کوشش مولف بیشتر صرف آن شده تا به کوتاهی و به شکل کاربردی هسته‌های اصلی نگارش انتقادی در این دو نوشتار تشریح شود. بیشتر مطالب در قالب نکته‌های عملیاتی بیان شده و مطالب متناسب با هر بخش بر اساس اهداف، روش و تاثیر آن توضیح داده شده است.

(نقد)

بازیابی اطلاعات: رویکرد بهداشتی و زیست پزشکی

فریبرز درودی

Hersh, William (2009) *Information retrieval: a health and biomedical perspective* (3rd. ed.) New York, NY: Springer, ISBN: 9780387787039.



مقدمه

بازیابی اطلاعات^۱ یکی از حوزه‌های مطالعاتی و کاربردی نوین به‌شمار می‌آید، که حاوی فواید ارزشمندی در عرصه فعالیت‌های مبتنی بر مدیریت داده و اطلاعات^۲ است. با افزایش حجم عظیم منابع اطلاعاتی و انتشار گسترده این منابع، به‌ویژه در رابطه با اطلاعات رقومی، بحث بازیابی اطلاعات از اهمیتی بسزا برخوردار شده است. بر همین اساس، تلاش‌های زیادی در عرصه فنون، روش‌ها، ابزارها و

-
1. Information retrieval
 2. Data & information management

راهبردهای بازیابی اطلاعات صورت گرفته که همگی به رشد و توسعه این فرآیند مهم منجر شده است. با گسترش منابع اطلاعاتی، بحث بازیابی با حوزه‌های مختلفی ارتباط پیدا کرده و از جنبه‌های گوناگون مورد توجه قرار گرفته است. هم در مباحث علوم رایانه و هم در زمینه‌های مطالعاتی علوم کتابداری و اطلاع‌رسانی، مقوله بازیابی اطلاعات جایگاه خاصی به خود اختصاص داده است. امروزه بدون تکیه بر شیوه‌های اثربخش بازیابی، دسترسی به اطلاعات بسیار دشوار و در برخی موارد غیرممکن است. به هر میزان که توانایی‌های موجود در ابزارهای بازیابی اطلاعات افزایش می‌یابد، نظام‌های اطلاعاتی^۱ از قوت و استحکام بیشتری برخوردار می‌شوند. بر این اساس، پیشرفت‌های انجام گرفته در عرصه بازیابی اطلاعات، به تقویت نظام‌هایی منجر شده که نقش مؤثری در اطلاع‌رسانی و دسترس‌پذیر ساختن اطلاعات برعهده دارند. کتاب در راستای معرفی و تحلیل وضعیت توسعه و پیشرفت نظام‌های بازیابی اطلاعات و کارکردهای مفید آن به‌رشته تحریر درآمده است.

● در مقدمه نقد، معرفی به صورت کلی انجام شده است. تلاش بر آن بوده است تا بتوان کلیدواژه‌ی اصلی این نقد را معرفی کرد. بحث بازیابی اطلاعات محور اصلی بحث است. بنابراین، موضوع کلی به کوتاهی بیان شده و از حواشی غیرضروری در این عرصه پرهیز شده است.

بازیابی اطلاعات در حوزه منابع پزشکی

حوزه فعالیت مطالعاتی و تحقیقاتی پزشکی از زمره عرصه‌های وسیع پژوهشی است که با ارائه حجم عظیم اطلاعات در قالب کتاب، مقاله، گزارش تحقیق، طرح پژوهشی و دیگر انواع محمل‌های اطلاعاتی، گستره قابل توجهی

از منابع اطلاعاتی را پوشش می‌دهد. امروزه پایگاه‌های اطلاعاتی تخصصی بسیاری در حوزه پزشکی و بهداشت به فعالیت اشتغال دارند و مخاطبان زیادی به سوی خود جذب کرده‌اند. فعالیت تخصصی و حرفه‌ای در این زمینه باعث شده کتابداران، اطلاع‌رسانان، متخصصان رایانه و مراکز اطلاع‌رسانی به ایجاد نظام‌های بازیابی اطلاعات در ارتباط با اطلاعات پزشکی بپردازند، و کوشش کنند در راستای خدمات بهینه اطلاع‌رسانی حرکت کنند. تولید سرعنوان‌های موضوعی پزشکی، اصطلاحنامه پزشکی، نظام رده‌بندی پزشکی، پایگاه‌های اطلاعاتی و وبگاه‌های پزشکی، نظام‌های اطلاع‌رسانی و دیگر تلاش‌های حرفه‌ای در این عرصه، حاکی از اهمیت بالای زمینه مطالعاتی بهداشت و پزشکی است که می‌تواند نقش مؤثری در پشتیبانی از اطلاع‌رسانی پزشکی داشته باشد. برای تقویت دسترسی به این اطلاعات، تلاش در جهت توسعه نظام‌های بازیابی اطلاعات از زمره اقدام‌های سودمندی است که توصیه می‌شود. در این باره باید بیان کرد که مطالعه در باب زمینه‌های پژوهشی بازیابی اطلاعات، در ارتباط با فناوری‌های نوینی است که نقش بسزایی در پیشرفت نظام‌های بازیابی اطلاعات دارد. رهنمودهای تحقیقاتی و قالب‌های پژوهشی می‌تواند تا حد زیادی در این عرصه مفید باشد. در این میان، شناخت بهتر وبگاه‌هایی که از طریق آنها می‌توان به اطلاعات تخصصی پزشکی دست یافت، بسیار سودمند است. به هر حال، باید اظهار کرد که مطالعه درباره زمینه‌ها و شرایط بازیابی اطلاعات پزشکی به صورت بستی تحقیقاتی درآمده که می‌توان درباره آن به کنکاش پرداخت و نتایج مطلوبی نیز از دل آن استخراج کرد.

● به دلیل اهمیت موضوع منابع اطلاعاتی پزشکی توضیح کوتاهی نیز در این زمینه ارائه شده است. این بخش در نقد می‌تواند مطرح نشود. ولی در صورت بیان آن، متن غنی‌سازی شده و خواننده اطلاعات مختصری در این زمینه به دست می‌آورد. ویژگی مهم این قسمت آن است که علاوه بر کوتاهی، فقط به شرح

زمینه و عرصه‌های مرتبط پرداخته شده و صرفاً آمادگی خواننده برای ورود به موضوع اصلی را در پی دارد. برخلاف مقاله-نقد که بعداً توضیح داده خواهد شد، ناقد در نقد خیلی به این ابعاد نمی‌پردازد و صرفاً تلاش می‌کند تا شناختی اولیه برای خواننده ایجاد کند. مباحث اصلی در معرفی و تحلیل اثر بیان می‌شود.

معرفی نویسنده

دکتر ویلیام هرش^۱ استاد و رئیس گروه انفورماتیک پزشکی^۲ و امراض مُسری بالینی^۳ در مدرسه پزشکی واقع در دانشگاه علوم و بهداشت اورگون^۴ است. او همچنین دارای موقعیت علمی در بخش پزشکی داخلی عمومی^۵ در گروه پزشکی^۶ و گروه بهداشت عمومی و پزشکی پیشگیری^۷ است. هرش دارای آثار نگارشی در حوزه‌های اطلاع‌رسانی پزشکی بوده و هدایت پژوهش‌هایی را برعهده داشته است. همچنین، دارای کتاب و مقاله‌های تحقیقی در حوزه‌های مطالعاتی اطلاع‌رسانی پزشکی است (اشپرینگر [وبگاه]، ۲۰۰۹). علاوه بر آن، او در حوزه مطالعاتی بازیابی اطلاعات در علوم بهداشتی به تحقیق پرداخته و روش‌های اثربخشی در این زمینه معرفی کرده است.

● در نقد و مقاله-نقد، معرفی نویسنده موثر است. در این معرفی توجه به ابعاد و شخصیت حرفه‌ای او خواهد بود. ناقد باید از آوردن هرگونه اطلاعات خصوصی به شدت پرهیز کند. تلاش او بیشتر صرف بیان آثار و فعالیت‌های حرفه‌ای و تخصصی می‌شود.

1. William Hersh
2. Medical Informatics
3. Clinical Epidemiology
4. School of Medicine at Oregon Health & Science University (OHSU)
5. General Internal Medicine
6. Department of Medicine
7. Department of Public Health and Preventive Medicine

معرفی کتاب

کتاب در سه بخش و نه فصل به رشته تحریر درآمده است. بخش اول به مبانی و مفاهیم پایه اختصاص یافته است. بخش دوم درباره نظام‌های پیشرفته فناوری و آخرین فناوری‌های نوین^۱ است، و موضوع بخش سوم نیز درباره رهنمودهای پژوهشی در بازیابی اطلاعات در حوزه پزشکی است.

بخش اول با تعاریفی از اصطلاح‌های مربوط به بازیابی اطلاعات آغاز می‌شود. سپس، با توصیف درباره مدل‌ها و منابعی که در حوزه موضوعی بهداشت و پزشکی است، ادامه می‌یابد. همچنین، توضیح کلی درباره اطلاعات و نظریه‌های اطلاع‌رسانی مطرح می‌شود که قبل از بحث اطلاعات بهداشتی و علمی ارائه شده است. علاوه بر آن، موضوع نظام‌های مختلفی که برای ارزشیابی عملکرد نظام‌های بازیابی اطلاعات مورد استفاده قرار می‌گیرد، تحلیل شده، که منبع سودمندی برای پژوهشگران است. اطلاعات مربوط به حوزه پزشکی در این قسمت از کتاب، با تکیه بر اطلاعات وب تقویت و به صورت روزآمد ارائه شده است.

بخش دوم به ارائه اطلاعات درباره کاربردهای نظام‌های بازیابی در حوزه بهداشت و پزشکی اختصاص یافته است. معرفی منابع سودمند درخصوص نظام‌های وب‌مدار^۲ و رابط کاربر در کنار تشریح مباحث مربوط به آن، از دیگر مطالب این بخش است. در ادامه، معرفی و تشریح عملکرد پایگاه‌های داده کتاب‌شناختی و توضیح پیرامون مدلاین^۳ و دیگر پایگاه‌های اطلاعاتی کتابخانه ملی پزشکی^۴ آمده است. علاوه بر آن، پایگاه‌های اطلاعاتی مرتبط با حوزه بهداشت و پزشکی، به صورت کتاب‌شناختی و انتشارات الکترونیکی تمام متن،

-
1. State of the Art
 2. Web-based systems
 3. Medline
 4. National Library of Medical (NML)

و نیز دسترسی از طریق وب معرفی شده است. بحث واژگان کنترل شده^۱ و سرعنوان‌های موضوعی پزشکی^۲ از دیگر مباحث این بخش کتاب است. همچنین، در این قسمت از کتاب دو نظام دستی و ماشینی نمایه‌سازی تشریح شده و اصول جست‌وجو^۳ توضیح داده شده است. علاوه بر آن، ماتریس‌های نظارتی برای ارزشیابی نظام‌های بازیابی اطلاعات مورد بررسی قرار گرفته است.

بخش سوم اثر درباره روش‌های پژوهشی مورد استفاده در حوزه موضوعی بازیابی اطلاعات و کاربردهای آن است. در این بخش، توصیفی درخصوص جزئیات مسائل مربوط به رویکردهای ترکیبی^۴ پژوهشی مطرح شده است. در ادامه، فنون مختلفی که برای ارزشیابی نظام‌های آماری - واژگانی^۵ بازیابی اطلاعات استفاده می‌شود، تشریح شده و مبحث غنی‌سازی پژوهش‌های حوزه بازیابی اطلاعات در ارتباط با نظام‌های زبان‌شناسی مورد بررسی قرار گرفته است. توصیف موضوع بهره‌گیری از فرآیند پردازش زبان طبیعی^۶ در ارتباط با بازیابی اطلاعات از زمره مطالب دیگر این بخش است. در این قسمت از اثر، طرح کلی در ارتباط با چگونگی استخراج اطلاعات^۷ از منابع اطلاعاتی و نیز توصیف فنون و پژوهش‌های مؤثر، به‌منظور پردازش اطلاعات بالینی نظیر مدلی^۸ بیان شده است.

● معرفی به صورت کلی آمده است. در نقدها می‌توان معرفی را کوتاه‌تر و یا بلندتر بیان کرد. بهتر است که به عناوین مهم توجه شود. شاید بهتر آن باشد که سرفصل‌ها را به شکل شاخص‌های عمده بیان کرد. شیوه‌ی این معرفی بر اساس

1. Controlled vocabularies
2. Medical Subject Headings (MESH)
3. Search principles
4. Mixed approach
5. Lexical-statistical systems
6. Natural language process
7. Information extraction
8. MedLEE (Medical Language Extraction and Encoding)

بخش‌های کتاب است. در مواقعی ممکن است که صرفاً عناوین اصلی آورده شود. مطلوب آن است که در این قسمت تحلیلی ارائه نشود. در برخی از شیوه‌های نقد، بخش معرفی و تحلیل به صورت ترکیبی نوشته می‌شود.

تحلیل و بررسی اثر

ویرایش جدید کتاب، مروری کلی بر مباحث نظری، کاربردهای عملی، ارزشیابی و راهنمایی‌های پژوهشی از تمامی ابعاد بازیابی اطلاعات در عرصه‌های بهداشت و زیست‌پزشکی ارائه می‌دهد. متن به سه بخش اصلی تقسیم شده که شامل مبانی، نظام‌های پیشرفته فناوری، و دستورالعمل‌های پژوهشی می‌شود. در تحلیل اثر باید بیان کرد که با برخورداری از نگارش زبان فنی در کاربردهای جدید حرفه‌ای و نظام‌های پژوهشی به‌رشته تحریر درآمده، و در طرح مباحث، برخی از حوزه‌های تخصصی مانند کتابخانه‌های رقومی، برقراری پیوند به پیشینه‌های الکترونیکی بهداشتی و نیز نظام‌های متن‌کاوی^۱ پیچیده و فنی ظاهر شده است (اشپرینگر [وبگاه]، ۲۰۰۹).

همچنین، باید توضیح داد که کتاب هرش محتوایی جالب در عرصه کاربردهای تخصصی جست‌وجو از منظر اطلاع‌رسانی پدید آورده است. اثر بدون تردید به دانشجویان علوم رایانه کمک خواهد کرد درک مناسبی از مفهوم بازیابی اطلاعات داشته باشند، و نیز بتوانند با توجه به اهمیت شناخت نیازهای اطلاعاتی کاربر در زمینه‌هایی که اصولاً بر ملاحظات مهندسی نظام اطلاعاتی تمرکز یافته، به اطلاعات مطلوبی دست یابند (استوکس،^۲ ۲۰۱۰). این ویژگی سبب شده تا متن فراتر از حوزه پزشکی، در عرصه‌های دیگر نیز کاربرد خاص خود را داشته باشد. در همین زمینه باید توضیح داد که طرح موضوع‌های

1. Text-mining
2. Stokes

جذابی چون بازیابی اطلاعات در این حوزه، برای کتابداران و اطلاع‌رسانان نیز می‌تواند حاوی فواید حرفه‌ای و اطلاعات سودمندی باشد.

در ادامه، باید بیان کرد که کتاب به تحولات بزرگ و پیشرفت‌های عمده در نمایه‌سازی و بازیابی پیوسته^۱ می‌پردازد که در زمینه اطلاعات پزشکی در محیط اینترنت است. در واقع، اثر خلاصه‌ای از نتایج تحقیقات مربوط به فناوری‌های پیشرفته‌ای است که در زمینه بازیابی اطلاعات پزشکی صورت گرفته است. عمده تمرکز اثر بر رشد و توسعه محیط وب بوده و موضوع بازیابی تأثیر عظیمی بر اطلاعات ژنوم^۲ و بهداشت داشته است (پام پولی،^۳ [وبگاه]، ۲۰۰۹). از ویژگی‌های خوب اثر آن است که در بیشتر فصول کتاب، توضیح‌ها همراه با نمونه‌ها و مثال‌های کاربردی همراه بوده و به تناسب محتوی و متن، از نمودارها و تصاویر برای درک بهتر خواننده استفاده شده است. به‌خصوص آنکه در معرفی وبگاه‌ها^۴ و رابط کاربرها، روش‌های ارائه دیداری به ایجاد فضای شناختی مطلوب یاری رسانده است.

همچنین، باید اظهار کرد که متن درخصوص اصطلاح‌ها و نیز مدل‌های کاربردی در حوزه بازیابی اطلاعات به ارائه اطلاعات مناسبی می‌پردازد، و منابع این زمینه مطالعاتی را به‌شکل قابل قبولی معرفی می‌کند. علاوه بر آن، کتاب پوشش مناسبی درباب اطلاعات بهداشتی و ارزشیابی نظام‌های بازیابی دارد. همچنین، توضیح‌های متن درباره نظام‌های آماری و زبان‌شناختی از زمره مطالب مفید اثر به‌شمار می‌آید. طرح هسته‌های اصلی بحث درخصوص کاربرد چندرسانه‌ای‌ها، کتابخانه‌های رقومی^۵ و اینترنت سبب شده تا خواننده با

-
1. Online retrieval
 2. Genomics
 3. Pam Pohly
 4. Websites
 5. Digital libraries

رویکردهای مؤثر در این عرصه بیشتر آشنا شده، و نسبت به مطالعه اثر رغبت افزون‌تری داشته باشد.

نکته‌ای که باید حتماً بر آن تأکید کرد، آن است که حوزه‌های موضوعی مورد مطالعه در کتاب به جنبه‌هایی از بازیابی اطلاعات می‌پردازد که بیشتر با پیشرفت‌های این زمینه در ارتباط با ابزارها و فناوری‌ها درگیر است. این موضوع یکی از نقاط قوت اثر به‌شمار می‌آید؛ به‌ویژه آنکه محتوای اثر با بهره‌گیری از حجم قابل توجهی از منابع اینترنتی و محیط وب ارتقاء یافته است. در واقع، ویرایش سوم کتاب از این نظر وضعیت بهتری نسبت به ویرایش‌های قبلی دارد. البته، در این میان شاید بتوان بین بخش‌های مختلف کتاب، اولویت‌های مطالعاتی نیز قائل شد؛ به این معنا که می‌توان بیان کرد که متن بخش اول کتاب، برای دانشجویان علاقه‌مند به کاربردهای بازیابی اطلاعات در حوزه بهداشت و زیست‌پزشکی بسیار خواندنی و دسترس‌پذیر است و جذابیت بیشتری برای آنها دارد.

باید تصریح کرد که سومین ویرایش اثر نه‌تنها به نیازهای دانشجویان رشته‌های مختلف به‌منظور مطالعه، ارزشیابی و خرید اطلاعات بهداشتی پاسخ می‌گوید، بلکه متخصصان اطلاع‌رسانی، کتابداری، علوم رایانه و فناوری‌های اطلاعاتی نیز می‌توانند در راستای ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی، موتورهای کاوش، وبگاه، و دیگر نظام‌های بازیابی در دانشگاه‌ها و بیمارستان‌ها نیز اطلاعات مطلوبی دریافت کنند.

اگرچه، مشکلاتی در نگارش کتاب به‌چشم می‌خورد که می‌توانست با دقت بیشتر به‌نحو مناسبی ترمیم شود؛ مانند جمله آخر بخش ۱، ۶، ۱ در صفحه ۲۷، که دو بار تکرار شده؛ و یا برخی غلط‌های نگارشی مانند آخرین جمله صفحه ۳۲، یعنی عبارت *fewer intervals than documents* که باید به‌صورت صحیح *fewer documents than intervals* بیان می‌شد؛ و نیز برخی

غلط‌های نگارشی و مفهومی (به‌عنوان مثال در صفحه‌های ۹۷، ۱۳۵، ۱۴۰، ۱۷۸، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۸۷، ۳۳۱، ۳۴۳، ۳۵۶، ۳۸۰ و ۴۶۸) که با بی‌دقتی به‌رشته تحریر درآمده، ولی مفاهیم و مباحث مطرح شده نشان از تلاش مطلوب نویسنده دارد که می‌توان با نگاهی مثبت به آن نگریست.

در مجموع، باید بیان کرد که اثر به ارائه مشخصات و اجزاء اطلاعاتی فناوری‌های پیشرفته و نتایج پژوهش‌های مربوط به حوزه بازیابی اطلاعات در زمینه بهداشت و زیست‌پزشکی می‌پردازد. اهمیت بالای بازیابی اطلاعات در ارتباط با موضوع بهداشت، کتاب را به‌صورت ابزاری ارزشمند برای اطلاع‌رسانان پزشکی، متخصصان علوم رایانه، متخصصان کتابداری و اطلاع‌رسانی، توسعه‌دهندگان فناوری اطلاعات، مدیران بیمارستان‌ها، مؤسسه‌ها، شرکت‌ها و دانشگاه‌ها درآورده است (اشپرینگر [وبگاه]، ۲۰۰۹).

● در این تحلیل ابتدا نظر ناشر آورده شده است. این توضیح با استناد مربوط ارزیابی ناشر از کتاب است. همانطور که مشاهده می‌شود، تلاش شده تا بخشی از تحلیل ناشر آورده شود که باعث تبلیغ اثر نشود. همچنین فتح بابی برای ادامه کار بوده و به نوعی بیان مشخصات کلی متن نیز به شمار می‌آید.

● پس از آن بیان ویژگی و ارزیابی از نگارش یکی از منتقدان و نیز در ادامه یکی از وبگاه‌های نقد کتاب آورده شده است. این مباحث نیز به ارائه خصیصه‌هایی اشاره دارند که جنبه تبلیغاتی صرف ندارد و بیشتر تقویت متن از نظر استناد به آراء صاحب‌نظران مدنظر بوده است.

● بیان ویژگی‌های اثر پس از آن آغاز شده و چند ویژگی مطلوب آن بیان شده است. در این قسمت کانون‌های اصلی شناسایی شده و رویکردها به کوتاهی مورد ارزیابی قرار گرفته است.

- در واقع تلاش شده تا با سیری منطقی، ویژگی‌های مثبت و موثر کتاب آورده شود. در بند ششم نقطه قوت اصلی اثر بیان شده و تاثیر آن در حوزه علمی تبیین شده است.
- در بند هشتم مشکلات کتاب به صورت مستند و ارجاع به صفحه‌های آن در قالب غلط‌های نگارشی و مفهومی مطرح شده است.
- در قسمت آخر تحلیل و بررسی، باز هم نظر ناشر در این زمینه بیان شده و دلیل انتخاب این استناد آن بوده است که به نظر ناقد نیز کتاب به‌رغم پاره‌ای از مشکلات ذکر شده، از ارزش خوبی برخوردار بوده که می‌توان آن را به عنوان منبعی سودمند برای خوانندگان معرفی کرد.

نتیجه‌گیری

بازیابی اطلاعات در عرصه بهداشت و پزشکی موضوعی است که می‌تواند برای متخصصان این حوزه جذاب باشد؛ به‌ویژه آنکه با توسعه و گسترش شاخه‌های متعدد مطالعاتی و تحقیقاتی در زمینه موضوعی پزشکی، به نظام‌های خاص بازیابی اطلاعاتی نیاز است که با تکیه بر ابزارهای فناورانه به یاری کاربران اطلاعات پزشکی می‌آید. کتاب برای بهره‌گیری بهینه از اطلاعات این عرصه به‌رشته تحریر درآمده، و با معرفی فناوری‌های نوین تلاش می‌کند به تشریح ابزارها، روش‌ها، فنون و راهبردهای مؤثر بازیابی اطلاعات بپردازد. استفاده از اطلاعات موجود در وبگاه‌ها و محیط وب، معرفی پایگاه‌های مهم اطلاعاتی، کتابخانه‌های رقومی و مراکز مهم اطلاع‌رسانی به ارزش اثر افزوده است. به‌رغم برخی کاستی‌ها در تدوین کتاب، متن با بهره‌گیری از دانش نویسنده به منبعی سودمند تبدیل شده که می‌تواند مورد استفاده دانشجویان و متخصصان حوزه‌های متعدد پزشکی و برخی دیگر از عرصه‌های موضوعی قرار گیرد.

- نتیجه‌گیری به کوتاهی و با حفظ یکدستی متن تهیه شده و تقریباً به صورت بسطِ کلیدواژه‌ای نکات اصلی و ویژگی‌های اثر را بیان می‌کند.

منابع

- Pam Pohly [website] (2009) Description about: *Information Retrieval: A Health and Biomedical Perspective*, Third Edition by William Hersh. [Online]. Available: <http://www.pohly.com/books/informationretrieval.html> [Accessed 10 Sep. 2011]
- Springer [website] (2009) Review about: *Information Retrieval: A Health and Biomedical Perspective*, Third Edition by William Hersh. [Online]. Available: [http://www.springer.com/new+%26+forthcoming+titles+\(default\)/book/978-0-387-78702-2](http://www.springer.com/new+%26+forthcoming+titles+(default)/book/978-0-387-78702-2) [Accessed 10 Sep. 2011]
- Stokes, Nicola (2010) Book review about: *Information Retrieval: a Health and Biomedical Perspective*, Third Edition, by William Hersh. *Information Retrieval*, Vol. 13, pp. 100

- منابع در نقد، عمدتاً راجع به نقدهای دیگر و توضیح ناشر و وبگاه‌های نقد و بررسی کتاب است. در صورتی که در مقاله-نقد، بیشتر به منابع علمی در ارتباط با موضوع بحث ارتباط دارد.

(مقاله-نقد)

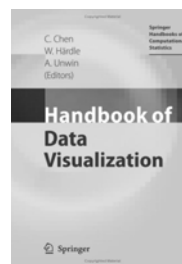
دستنامه‌ی مصورسازی داده

فریبرز درودی

● ارائه تصویر روی جلد کتاب برای آشنایی اولیه

خواننده با اثر می‌تواند مفید باشد. علاوه بر تاثیر دیداری آن، می‌تواند باعث تشویق خواننده به ادامه مطالعه باشد. حتی در برخی مواقع ممکن است با مشاهده‌ی قبلی خواننده تطابق پیدا کند. به این معنی

که پیشتر خواننده کتاب را دیده باشد و در هنگام تورق مجله یا منبعی که نقد در آن منتشر شده، توجه خواننده به کتاب مورد نظر جلب شود.



Handbook of data visualization (2008) Chun-houh Chen, Wolfgang Härdle, Antony Unwin, editors. Berlin: Springer, 936 p. (Hardcover), ISBN-10: 3540330364 ISBN-13: 978-3540330363

● مشخصات کتابشناختی برای دسترسی به اصل منبع مفید است. این

مشخصات معمولاً شامل نام پدیدآورنده، عنوان، محل نشر، ناشر، تاریخ انتشار، تعداد صفحه‌ها و شابک (شماره استاندارد بین‌المللی کتاب) می‌شود. در برخی موارد اطلاعات بیشتر چون: نحوه‌ی صحافی از نظر تجلید، بهای کتاب، زبان و ... نیز آورده می‌شود.

مقدمه

همچنانکه می‌دانیم حس دیداری انسان از توانایی و قدرت بالایی در برقراری ارتباط با محیط و دیگران برخوردار است. این مساله در تبادل داده و ایجاد شناخت برای آدمی نقشی به‌سزا دارد. بر همین اساس، تصاویر، نگاره‌ها و نمادها نقشی مهم و برجسته در ارسال، دریافت، و درک مفید اطلاعات دارند که از طریق آنها می‌توان فرایند ارتباط دیداری را به‌نحو موثر برقرار ساخت. با تکیه بر چنین توانایی‌هایی در انسان ایده مصورسازی داده شکل گرفته است. مصورسازی بهینه داده، عرصه مناسبی است که در پی آن صرفه‌جویی قابل ملاحظه‌ای در وقت و انرژی استفاده‌کنندگان از اطلاعات پدید می‌آید. با به‌کارگیری ابزارهای مفیدی که با بهره‌گیری از گرافیک رایانه‌ای قدرت انتقال داده‌ها را افزایش می‌دهند، می‌توان فعالیت‌های تخصصی را در قالب آموزش، پژوهش، تدریس، همایش، سخنرانی و نظایر آن به‌شیوه‌ای مطلوب به انجام رساند. با افزایش حجم عظیم داده‌ها و گستردگی آنها، شرایط استفاده از اطلاعات نیز دشوار شده و نیاز به مهارت‌های ویژه‌ای است تا بتوان از اطلاعات به‌نحو مناسبی بهره گرفت. یکی از انتخاب‌های پیش‌رو، بهره‌گیری از امکانات مصورسازی داده است تا بر اساس آن قدرت درک و یادگیری انسان افزایش پیدا کند. همچنانکه می‌دانیم، نمایش گرافیکی، راهبردی موثر برای برقراری ارتباط محسوب می‌شود. امروزه برای ارائه مطالب علمی و فنی در متون درسی از ابزارهای نمایش گرافیکی استفاده می‌شود. کاربرد گرافیک در مصورسازی با دیگر حوزه‌های تخصصی تفاوت دارد. مثلاً در تهیه گرافیک پوستر و یا طراحی جلد کتاب ما با شیوه‌های دیگری روبرو هستیم. گرچه ممکن است بتوان با مصورسازی داده به فرایندهای تهیه قالب‌های مصور دیگری نیز یاری رساند، ولی مصورسازی داده یکی از حوزه‌های مطالعاتی علوم رایانه است و با تبدیل فقره‌های مختلف داده در قالب عناصر تصویری

سر و کار دارد. فنون و روش‌های فنی آن در محیط‌های رایانه‌ای، فضای مجازی و در ارتباط با داده‌های متنوع از لحاظ ساختارهای بنیادی، چون تعیین بُعد در داده ارتباط دارد. مثلاً داده‌های یک‌بُعدی، دو‌بُعدی، سه‌بُعدی و یا چندبُعدی. از سوی دیگر مصورسازی داده با آمار محاسباتی و رایانه‌ای نیز ربطی وثیق پیدا کرده است. انواع گراف‌ها و فرمت‌های توصیفی-دیداری می‌تواند نقشی به‌سزا در انتقال اطلاعات به مخاطب داشته باشد. باید بیان کرد که کتاب دستنامه مصورسازی داده می‌تواند نقشی مهم در تبیین وضعیت مصورسازی رایانه‌ای و گرافیکی داشته باشد. تدوین این کتاب با توجه به عمر کوتاه این دانش سودمند - کمتر از دو دهه - حرکتی پویا و رو به رشد محسوب می‌شود که با ارائه پیشرفت‌های قابل ملاحظه همراه بوده است. بنابراین بررسی و معرفی کتاب می‌تواند حاوی نکات ارزشمند و مفید در عرصه مصورسازی و آشنایی بیشتر با این شاخه مهم علمی باشد.

● در مقدمه توضیح اولیه برای خواننده ارائه شده که زمینه آشنایی او با موضوع را فراهم می‌کند. در این قسمت اطلاعات اصلی به صورت کوتاه بیان می‌شود. پیشینه مفهومی ارائه شده و اطلاعات کاملاً ضروری برای شناخت کلی مطرح می‌شود. ویژگی آن، طرح مطالب به صورت اجمالی و کاملاً گویا است؛ به گونه‌ای که خواننده بداند متن به چه حوزه‌ای پرداخته و در چه حیطه‌ای وارد شده است.

معرفی ویراستاران

چان هو چن^۱ پژوهشگر علوم آماری در موسسه علمی سایینیکا^۲ است. وی دوره کارشناسی خود را در رشته آمار و در دانشگاه ملی^۳ چونگ‌هسینگ گذرانده است.

-
1. Chun-houh Chen
 2. Academia Sinica
 3. National Chung-Hsing University

دوره‌های کارشناسی‌ارشد و دکترای او در رشته ریاضی با گرایش برنامه‌ریزی در آمار در دانشگاه کالیفرنیا^۱ به انجام رسیده است. فعالیت‌های علمی او در حوزه مصورسازی داده و شاخه‌های وابسته بوده و چن دارای مقاله‌های متعدد در مجله‌های علمی، همایش‌ها است. همچنین پنج کتاب را تالیف کرده و یا در تدوین آنها مشارکت داشته است. او همچنین همکاری علمی و ویراستاری در مجله‌های: یادداشت‌های پژوهشی^۲ (از سال ۲۰۰۸)، آمار محاسباتی^۳ (از سال ۲۰۰۴)، آمار محاسباتی و تحلیل داده^۴ (از سال ۲۰۰۴)، و آمار ساینتیکا^۵ (از سال ۲۰۰۵) دارد (زندگینامه حرفه‌ای چان هو چن، ۲۰۰۸).

آنتونی آنوین^۶ دارای کرسی استادی در دانشگاه آگزبرگ^۷ می‌باشد که در رشته آمار و تحلیل داده در رایانه تحصیل کرده است. او دوره کارشناسی خود را در دانشگاه کمبریج^۸، کارشناسی‌ارشد را در دانشگاه لندن^۹ و دکترای خود را در دانشگاه دوبلین^{۱۰} گذرانده است. همچنین آنوین با خبرنامه گرافیک و محاسبات آماری بین سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۰^{۱۱} و مجله آمار محاسباتی^{۱۲} بین سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۳ همکاری داشته است. حوزه‌های مطالعاتی و مورد علاقه او عبارتند از: گرافیک‌های آماری تعاملی^{۱۳}، تحلیل اکتشافی^{۱۴}، مجموعه

-
1. University of California
 2. Research Notes
 3. Computational Statistics
 4. Computational Statistics and Data Analysis
 5. Statistica Sinica
 6. Antony Unwin
 7. University of Augsburg
 8. University of Cambridge
 9. University of London
 10. University of Dublin
 11. Statistical Computing and Graphics Newsletter
 12. Computational Statistics
 13. Interactive statistical graphics
 14. Exploratory analysis

داده‌های بزرگ^۱، توسعه نرم‌افزارهای اکتشافی آماری^۲. او در چند طرح پژوهشی نرم‌افزاری را به‌انجام رسانده است. علاوه بر کتاب حاضر او در نگارش کتاب گرافیک‌های پایگاه‌داده بزرگ^۳ نیز مشارکت داشته است. از آنوین تعدادی مقاله پژوهشی در مجله‌ها و همایش‌ها منتشر شده است (زندگینامه حرفه‌ای آنوین آنوین).

ولفگانگ هاردل^۴ استاد مرکز مطالعات اقتصاد و آمار کاربردی در دانشگاه هامبولدت برلین^۵ از سال ۱۹۹۲ است و در همین دانشگاه به تدریس و پژوهش اشتغال دارد. همکاری وی با دیگر دانشگاه‌های معتبر در حوزه تخصصی آمار کاربردی و مطالعات مربوط به شاخه‌های وابسته آن در سطوح علمی تا کنون ادامه داشته است. هاردل تا کنون سی و دو جلد کتاب منتشر کرده و یا در تدوین آن همکاری داشته است. برخی از این آثار مربوط به مجموعه مقاله‌های همایش‌های تخصصی است که با همکاری و مشارکت هاردل به‌چاپ رسیده است. او دارای مقاله‌های متعدد علمی در مجله‌های معتبر بوده و بارها در همایش‌ها و سمینارهای مختلف شرکت کرده است. همچنین هاردل کارگاه‌های بسیاری برگزار کرده و به ارائه یافته‌های نوین پژوهشی در حوزه آمار تحلیلی، اقتصادسنجی و تحلیل داده پرداخته است. مصورسازی یکی از فعالیت‌های حرفه‌ای او بوده که در این زمینه دارای چند کتاب می‌باشد (زندگینامه حرفه‌ای ولفگانگ هاردل، ۲۰۰۸).

● به دلیل اهمیتی که نقش نویسنده و ویراستار اثر دارد، شناخت شخصیت علمی، تحصیلات، تخصص، آثار، مشاغل اجرایی و علمی، حوزه فعالیت حرفه‌ای

-
1. Large data sets
 2. Development of exploratory statistical software
 3. Graphics of Large Datasets
 4. Wolfgang Härdle
 5. Humboldt-Universität zu Berlin

و نظایر آن می‌تواند برای خواننده مفید بوده و پدیدآورنده را به او معرفی کند. در بررسی کتاب، نقش این قسمت کاملاً تاثیرگذار است. زیرا خواننده با ابعاد علمی و تخصصی شخصیت پدیدآورنده آشنا شده و می‌تواند با این شناخت بهتر به تحلیل متن مبادرت ورزیده، اهمیت اثر و تاثیر آن را بشناسد.

مصورسازی داده

مصورسازی داده دایره گسترده‌ای از مطالعات مربوط به شیوه دیداری بازنمایی و نمایش اطلاعات را در زمینه‌های متعدد پوشش می‌دهد. این فن با ایجاد تحول بنیادی در شیوه نمایش داده و عناصر اطلاعاتی، علاوه بر کمک در درک بهتر و ایجاد ارتباط موثر، سبب افزایش ارزش داده‌ها شده است. نمایش دیداری داده و روش‌های متعدد آن با توسعه وسیع و پرنفوذ، در حال گسترش و ورود به محیط‌های مختلف رایانه‌ای شده و زمینه‌ای مناسب برای فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی فراهم ساخته است.

حوزه موضوعی رایانه‌محور^۱ مصورسازی داده به ایجاد ابزارهایی می‌پردازد که جهت بهره‌برداری نظام‌های دیداری انسان در راستای کمک به کاوش کاربران یا شرح و توضیح داده به‌کار می‌رود (مونز^۲، ۲۰۰۲). در واقع مصورسازی رویکردهای جدیدی است که توانایی تصمیم‌گیری بر مبنای داده را سریع‌تر، دقیق‌تر، و همراه با تلاش شناختی کمتر فراهم می‌سازد، و نیاز به آموزش [برای تفهیم اطلاعات] را کاهش می‌دهد (آگاتر^۳، ۲۰۰۵). به تعبیر دیگر، مصورسازی داده استفاده از پشتیبانی رایانه‌ای، تعامل، و نمایش دیداری داده‌های انتزاعی برای تقویت قدرت ادراک آدمی است (هتزلر^۴، ۲۰۰۴). تبدیل

-
1. Computer-based
 2. Munzner
 3. Agutter
 4. Hetzler

داده خام به اطلاعات از طریق یک فرایند تصفیه و پردازش که تجسم برگزیده^۱ نامیده می‌شود، انجام می‌پذیرد. کاربرد این فرایند، مستلزم همکاری بین‌رشته‌ای، در میان حوزه‌های مطالعاتی مربوط به هنر، طراحی، علم و فناوری است (آگاتر^۲، ۲۰۰۵). بر همین اساس هنر و توانایی تصویرسازی برای اطلاعات، به صورت مناسبی موقعیت این حوزه علمی [مصورسازی] را تشریح می‌کند (چن، ۱۹۹۹). از سوی دیگر تعدادی فنون تخصصی مصورسازی وجود دارد که می‌تواند با داده‌های گرافیکی و سلسله‌مراتبی آن را به تصویر بکشد (کیم^۳، ۲۰۰۲) که این روش‌ها در برقراری ارتباط دیداری و فرایند یادگیری نقشی موثر از خود بر جای می‌نهد. می‌توان اظهار کرد که هدایت و بهره‌گیری از مجموعه داده‌های عظیم، در گرو استفاده بهینه از روش‌ها و فنون مصورسازی امکان‌پذیر است و در این میان گرافیک رایانه‌ای نقش بنیادی ایفا می‌کند. در یک صفحه گرافیکی جنبه‌های مختلفی در نمایش موثر داده دخالت دارد که رعایت نکات مربوط به کاربری آنها به ارتقای کیفیت ارائه و نمایش داده منجر می‌شود.

● **تشریح حوزه موضوعی به ویژه در زمینه‌ای که کاملاً تخصصی است حاوی فواید بسیاری است. ممکن است خواننده اساساً در آن موضوع آشنایی زیادی نداشته باشد. از این منظر، ارائه تعاریف علمی و فنی سبب خواهد شد که آشنایی اولیه برای خواننده ایجاد شود. به ویژه آنکه تعاریف کاملاً مستند بوده و همراه با ارجاع به منابع معتبر تهیه شده باشد. در واقع این بخش به تبیین مفهومی می‌پردازد و تلاش می‌کند تا ابعاد آن را تشریح سازد.**

-
1. Selected depiction
 2. Agutter
 3. Keim

● همچنین، پانویست‌ها برای آگاهی از معادل‌ها، شیوه صحیح نگارش اصطلاح‌ها به زبان انگلیسی، تسهیل جست‌وجوی خواننده بر اساس نیاز او به کسب اطلاعات بیشتر و تقویت بیشتر متن تاثیر دارد. این نکته‌ای است که بهتر است در طول نقد و در قسمت‌های مختلف رعایت شود.

اهمیت تدوین منابع اطلاعاتی در حوزه تخصصی مصورسازی داده

رشد روزافزون اطلاعات در زندگی جاری، و در فرایندهای پژوهشی یکی از چالش‌های مهم زندگی اجتماعی بشر در جهان نوین به‌شمار می‌آید. این مساله تا حد زیادی لزوم توجه به راهبردهای مکمل برای تبیین و تحلیل اطلاعات را خاطر نشان می‌کند. یکی از راه‌حل‌های غلبه بر مشکل انتقال اطلاعات به مخاطب و تسلط بر اطلاعات بهره‌گیری از مصورسازی داده است. امروزه این فرایند نوین در آموزش‌های علمی و محیط‌های دانشگاهی کاربرد موثری یافته است. مصورسازی داده یکی از شاخه‌های تخصصی در علوم رایانه است که در مباحث نوین مربوط به کاربردهای داده به‌صورت گسترده مورد توجه قرار گرفته است. مصورسازی داده به نحوه نمایش و ارائه دیداری داده برای درک بهتر، و بهره‌گیری مناسب‌تر از آن اطلاق می‌شود. در این روش با انجام فرایندهای دیداری در شیوه بازنمایی داده به کاربران کمک می‌شود تا برداشت بهتری از داده‌های ارائه شده داشته باشند، و بتوانند داده‌های خود را به‌صورت بهینه بازیابی کنند. در واقع، مصورسازی داده با بهره‌گیری از شیوه‌ها و فنون گوناگون به تناسب نوع، ساختار و ترکیب داده، به تفهیم و درک بیشتر آن یاری می‌رساند. این موضوع مطالعاتی نه‌تنها در محیط‌های علمی، که در کاربردهای حرفه‌ای و فنی نیز کاربرد گسترده‌ای یافته است. در حوزه‌های مختلفی چون پزشکی، معماری، علوم فضایی، ژنتیک، ترافیک، ارتباط‌های شبکه، پایگاه‌های اطلاعاتی، نظام‌های اطلاعات جغرافیایی شاهد استفاده وسیع

از فنون و روش‌های مصورسازی داده هستیم. نگارش این کتاب در راستای برآورده ساختن امکان بهره‌گیری از فنون و روش‌های مصورسازی داده انجام پذیرفته و حرکتی ارزشمند و موثر در حوزه موضوعی گرافیک رایانه‌ای و محاسبات آماری محسوب می‌شود که می‌تواند به دستاوردهای مطلوبی در مسیر مطالعه و پیشرفت علمی منجر شود.

● در این قسمت اهمیت و فایده‌ی توجه به موضوع نقد، یعنی مصورسازی داده بیان شده است. این بخش، بخش قبلی و بعدی ارتباط بالاتری با محتوای مقاله‌ای این قالب اطلاعاتی دارد. در واقع در این بخش‌ها، تلاش بر آن است تا حوزه‌ی موضوعی به شکل واضح‌تری تشریح شده و ابعاد حرفه‌ای معرفی شود. شیوه‌ی ارائه نیز بر مبنای روش‌شناسی نگارش مقاله انجام گرفته و هسته‌های اصلی موضوع تشریح شده است.

ارتباط مصورسازی داده با دیگر حوزه‌های مطالعاتی

راهبردهای به‌کار گرفته شده در زمینه درک دیداری و بهره‌مندی از کاربرد نشانه‌ها، نمادها و تصاویر، به‌همراه مطالعه در اثربخشی این عناصر دیداری، از زمره مسائلی است که در مصورسازی داده مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. به هر میزان که شیوه دیداری بازنمایی اطلاعات با ساختار دستگاه بینایی انسان منطبق باشد، به همان نسبت تاثیر اطلاعات در درک و دریافت آدمی افزون خواهد بود. بنابراین مصورسازی از پژوهش‌های مربوط به قدرت دیداری انسان تغذیه می‌کند. از سوی دیگر در بهره‌گیری از فنون مصورسازی داده باید به شناخت مبانی ارتباطی انسان توجه داشت. شناخت مبانی ارتباطی میان انسان و ماشین برای طراحی یک محیط کاربر پسند و موثر، ضروری است. از این منظر مطالعه در ویژگی‌های شناختی آدمی نیز هم‌سو با توان

دیداری و قدرت چشم دارای اهمیت است. پوتز (۲۰۰۵) تصریح می‌کند که حوزه پژوهشی مرتبط با مصورسازی داده، مصورسازی علمی^۱ است که اصولاً ارائه دیداری موضوع‌ها در جهان واقعی را به‌عهده دارد. این عناصر شامل مواردی چون بدن انسان، خودروها، ساختمان‌ها، یا کوه‌ها می‌شود. همچنین مصورسازی داده عمدتاً با داده‌های مجازی یا انتزاعی سروکار دارد. بنابراین حجم قابل ملاحظه‌ای از مطالعات مصورسازی در ارتباط با فضاهای واقعی و علمی است که با طبیعت سروکار مستقیم دارد. از طرفی مونزنر (۲۰۰۲) بیان می‌کند که تعامل با دقت در نمایش ویژه دیداری داده می‌تواند از طریق مدل‌های فکری به ما یاری رساند تا وظایف خاصی را به‌صورت اثربخش به انجام رسانیم. این زمینه نیز از ابعاد شناختی و روانشناسانه حائز اهمیت است. بسیاری از روش‌های مصورسازی داده بر اساس نظر کیم (۲۰۰۲) با الگوی کاوش تصویری در سه مرحله پردازشی به انجام می‌رسد. نخست بررسی عمومی^۲، سپس بزرگ‌نمایی^۳ و صافی^۴، و در نهایت جزئیات مورد تقاضا^۵ است. در مرحله اول باید بیان کرد که نیاز استفاده‌کننده برای به‌دست آوردن یک بررسی عمومی از داده است. در بررسی عمومی استفاده‌کننده الگوهای مورد علاقه را مشخص کرده و تمرکز بر یکی یا تعداد بیشتری از آنها می‌کند، و در بررسی تحلیل الگوها، استفاده‌کننده نیاز به کنکاش و دستیابی به جزئیات داده دارد. این گونه موارد در حوزه فناوری‌های رایانه‌ای و نیز گرافیک رایانه قابل دستیابی است. یکی دیگر از پایه‌های مهم آن محیط شبکه است. در این رابطه مودی (۲۰۰۵) با بیان ویژگی مصورسازی در محیط شبکه توضیح می‌دهد

-
1. Scientific visualization
 2. Overview
 3. Zoom
 4. Filter
 5. Details-on-demand

که اثربخشی فنون مصورسازی شبکه‌ای با ابعاد و اندازه شبکه تغییر می‌یابد. شبکه‌های کوچک می‌توانند بر عناصر و اطلاعاتی از جزییات ساختار گراف‌ها تمرکز داشته باشند، در صورتی که شبکه‌های بزرگ اساساً می‌توانند مکان‌شناسی کلی را در بر گیرند. علاوه بر آن فضای مجازی و ارتباط‌های غیرفیزیکی می‌تواند عرصه‌ای مناسب برای تقویت مبانی مصورسازی باشد. در کنار آن مطالعه پیرامون فناوری‌های شبیه‌سازی نیز کمک بسیار زیادی به تحکیم ساختارهای مصورسازی داده می‌کند. چنانچه چن (۱۹۹۹) به مبحث مصورسازی در محیط مجازی پرداخته و بیان می‌کند که محیط مجازی پیچیده ممکن است از پیشرفت‌های فناوری‌های ارتباطات راه دور، به‌علاوه فنون چندرسانه‌ای، به‌عنوان مثال گرافیک‌های سه‌بعدی و منابع دیداری و شنیداری باکیفیت، بهره گرفته باشد. متناوباً یک محیط مجازی می‌تواند بر مبنای ابزارهای ارتباطی متنی بنا نهاده شود. محیط مجازی نه تنها یک رسانه قدرتمند برای کاربرد فنون مصورسازی اطلاعات، به‌علاوه روش‌های دیگر فراهم می‌سازد، بلکه زمینه وسیعی که شبیه‌سازی توسعه نوین فنون مصورسازی را در بر دارد، ایجاد می‌کند. ولی یکی از شاخه‌های مهم تخصصی که با مصورسازی پیوندی نزدیک دارد، آمار محاسباتی است. این مقوله مهم در تبیین فنون و روش‌های مصورسازی، به‌ویژه در طراحی گراف‌های تصویرسازی شده و نگاره‌های دیداری، به‌منظور توضیح مفاهیم و معانی آن از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.

تمامی مطالب پیش‌گفته حاکی از آن است که مصورسازی داده حوزه موضوعی مهم و قابل عنایت بوده که با برخی رشته‌ها و حوزه‌های مطالعاتی ارتباطی تنگاتنگ دارد و می‌تواند از دستاوردهای دیگر رشته‌های علمی به‌خوبی بهره گیرد. همچنین استفاده از شیوه‌ها، فنون و روش‌شناسی‌های مصورسازی می‌تواند به فرایندهای آموزشی و پژوهشی در محیط‌های علمی یاری رساند.

● این قسمت نیز به تشریح بیشتر می‌پردازد. زوایای افزون‌تری را معرفی می‌کند. در واقع گسترش موضوعی در این بخش شکل گرفته است. زیرا ارتباط مصورسازی با حوزه‌های حرفه‌ای بیان شده و موضوع باز شده است. این تکه از متن، حاوی استندهایی به منابع معتبر و تخصصی حوزه مصورسازی است که باعث تقویت مفهومی متن می‌شود و به نوعی شخصیت‌های مطرح این حوزه معرفی شده‌اند. از این نظر، مطالعه بیشتر برای خواننده در زمینه مصورسازی را تسریع می‌کند. در واقع، می‌توان بیان کرد که هم اهمیت موضوع و هم جنبه‌های مرتبط در کنار هم تبیین شده است.

معرفی کتاب

کتاب دستنامه مصورسازی داده که یکی از منابع جدید و سودمند حوزه مصورسازی محسوب می‌شود، در چهار بخش تنظیم شده است.

بخش اول کتاب مقدمه‌ای در باره مصورسازی داده است که ابعاد، کاربردها و نیز ویژگی‌های مصورسازی را به اختصار مطرح می‌سازد. توضیح پدیدآورندگان اثر حاکی از آن است که این کتاب، سومین جلد از دستنامه آمار و محاسبات رایانه‌ای است که حوزه موضوعی مصورسازی داده را پوشش می‌دهد. ارتباط میان مصورسازی و نظریه، گرافیک‌های اکتشافی و نمایشی، و گرافیک رایانه‌ای از زمره مباحثی است که در این بخش مورد مذاقه قرار گرفته و در باره آن توضیح‌های مناسبی ارائه شده است. سپس خلاصه و مروری بر بخش‌های بعدی کتاب صورت گرفته و محتوای آن به اجمال بیان شده است. در ادامه نظرگاه نویسندگان و اندیشه آنان در خصوص مصورسازی به شیوه‌ای کوتاه و سودمند آمده است.

بخش دوم کتاب به موضوع اصول و مبانی مصورسازی اختصاص یافته است. این بخش در واقع زیربنا و ساختار اصلی مصورسازی را تشکیل می‌دهد

و بخشی بسیار مهم در کتاب به‌شمار می‌آید. بر این اساس یک تاریخ مدون از تطور و تحول مصورسازی بیان شده و از پیش از قرن هفدهم و شروع فعالیت‌های نخستین مصورسازی- به معنای عام کلمه- در قالب نقشه‌ها و نمایش‌های ترسیمی اولیه آغاز شده است. در سال‌های قرن هفدهم مساله اندازه‌گیری و ارتباط آن با نظریه‌های مدون در قالب نگاره‌های ترسیمی و شیوه‌های مصور مورد بحث قرار گرفته و سپس در طول قرن هجدهم شکل‌های گرافیکی نوین معرفی شده است. نیمه نخست قرن نوزدهم با ارائه گرافیک‌های جدیدی همراه است که چهره حوزه مصورسازی را دگرگون ساخته است. در نیمه دوم همین قرن عصر طلایی ظهور گرافیک‌های آماری است که تحولی شگرف در دنیای علم و عرصه زندگی اجتماعی پدید آورده است. در نیمه اول قرن بیستم، توسعه مفاهیم مصورسازی با رکودی قابل ملاحظه همراه است که آن را عصر تیره نوین نامیده‌اند. از نیمه دوم قرن بیستم یعنی سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۵ تولد دوباره مفاهیم مصورسازی داده را پیش رو داریم. از سال ۱۹۷۵ به بعد مصورسازی داده به‌شیوه پویا و تعاملی در سطح بالا مطرح می‌شود که از توسعه و پیشرفت این حوزه حکایت دارد. با تکامل مفاهیم و مبانی مصورسازی داده، بحث تاریخ‌نگاری آماری مطرح شده که تاریخ را به‌مثابه داده در نظر می‌گیرد. سپس مقوله تحلیل داده، و بررسی بیشتر در باره آن صورت می‌پذیرد.

در ادامه بخش دوم کتاب، مبحث گرافیک بیان شده و محتوی، مفهوم و ساختار معنایی آن تشریح شده است. گرافیک‌های نمایشی و ارائه اطلاعات، و نیز گرافیک‌های توضیحی از دیگر مقوله‌های مطرح شده در این بخش هستند. در این قسمت زمینه ظهور گرافیک و کاربردهای آن به همراه تاریخ و پیشینه گرافیک بیان شده است. همچنین بحث رسانه و ارتباط آن با گرافیک از دیگر مباحث ارائه شده است. از زمره موضوع‌های مرتبط در این بخش، بحث ارائه

تصویری داده است. در این قسمت از کتاب، اهمیت نمایش‌های دیداری در ارتباط با کسانی که می‌توانند از این راهبردها بهره‌گیرند مطرح می‌شود. علاوه بر آن چگونگی و چرایی آن مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. در ادامه انتخاب طراحی علمی برای مصورسازی داده بیان شده و گزینه‌های متعدد نمایش گرافیکی و شکل‌های گوناگون گرافیکی شرح داده شده است. نمایش‌های چندبُعدی^۱ و ساختار ویژه آنها از زمره مباحث مهم این بخش محسوب می‌شود. راهنمایی‌های عملی در حوزه نمایش گرافیکی و توضیح اصول حرفه‌ای آن از دیگر مقوله‌های مطرح شده است. در ادامه گرافیک‌های ایستا^۲، انواع، کارکردها، رابط کاربر^۳ آن، کاربرپسندی، و گسترش‌پذیری^۴، عناصر تشکیل‌دهنده و مشکلات مربوط به آن بیان شده است. فنون طرح‌بندی گراف^۵ و ارتباط داده با گراف از دیگر مباحث مهم این بخش کتاب است. داده‌های پیوند داده شده، سلسله‌مراتب^۶ و درخت‌های^۷ مصورسازی، و علامت‌های داده‌های چندمتغیری^۸ نیز مباحث دیگر این بخش محسوب می‌شوند.

بخش سوم کتاب به روش‌شناسی‌ها^۹ اختصاص یافته است. در این قسمت از کتاب انواع شیوه‌های مختلف مصورسازی برای بهره‌گیری تخصصی معرفی شده است. نمودارهای ریزنقشه تعاملی پیوند داده شده^{۱۰}، در ارتباط با داده‌های آماری مراجع جغرافیایی یکی از مباحث مهم این بخش محسوب می‌شود. این

-
1. Multi-Dimension
 2. Static graphics
 3. User interface
 4. Extensibility
 5. Graph layout techniques
 6. Hierarchy
 7. Trees
 8. Multivariate data
 9. Methodologies
 10. Interactive Linked Micromap Plots (ILMP)

نقشه‌ها در واقع محیط وب کاربردی سودمند پیدا کرده و می‌توان از آن در فرایندهای آموزشی و معرفی محیط‌های جغرافیایی در قالب نگاره‌های مصور بهره گرفت. مقیاس‌های چندبُعدی از دیگر فنون مصورسازی است که با نمایش تناظری داده‌های آماری ارتباط دارد. در این شیوه مصورسازی، ماتریس‌های محاسباتی به‌خوبی می‌تواند برای نمایش‌های گرافیکی نمودارهای آماری به‌کار گرفته شده و با بهره‌گیری از فرمول‌های محاسباتی، تدوین مناسب انجام پذیرد. تنوع شیوه‌های نمایش نموداری در ارتباط با مفاهیم مورد نظر گسترده بوده و انواع نمایش‌های مفید در این روش مورد استفاده قرار می‌گیرد. مصورسازی داده چندبُعدی بزرگ^۱ نیز یکی دیگر از مباحث این بخش است. در این فن رویکرد ژئومتری برای تحلیل آماری مطرح شده و با عنایت به فضاهای گسترده و دور به ابعاد خاص این روش مصورسازی پرداخته شده است. در ادامه بحث تحلیل عاملی^۲ مطرح شده که شامل مجموعه روش‌هایی می‌شود که در ژئومتری کاربرد دارد و به حل مشکلات مفهومی آن، از منظر مصورسازی می‌پردازد. خوشه‌بندی سلسله‌مراتبی^۳ از دیگر فنون کاربردی در مصورسازی است که در این بخش مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. روش‌های محوری اصلی^۴ و طبقه‌بندی‌های آن از مطالبی است که در این بخش تشریح شده است. در ادامه مشکلات محاسباتی از نظر مصورسازی رایانه‌های در این روش شرح داده شده و ابعاد آن بیان شده است. در ادامه تعامل‌های درونی و بین گرافیک‌های مصورسازی شده در ارتباط با نمایش‌های خوشه‌بندی توضیح داده شده است. از دیگر فنون مصورسازی که در این بخش

-
1. Huge multidimensional data visualization
 2. Factorial analysis
 3. Hierarchical clustering
 4. Principal axis methods

کتاب توضیح داده شده است، مصورسازی چندمتغیری^۱ است. علاوه بر آن مجموعه ساختاریافته گراف‌ها^۲ مورد بررسی قرار گرفته و الگوهای علمی آن تشریح شده است. مدل تغییرپذیر^۳ بر مبنای نمایش گرافیکی مصور از دیگر روش‌های مفید ارائه دیداری داده بوده که مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین روش‌های جداسازی-گسترش^۴، که در ارتباط با فنون هموارسازی^۵ مطرح می‌شود، از زمره شیوه‌هایی است که می‌تواند فرایندهای مصورسازی داده را پشتیبانی کند. این فنون در رابطه با هموارسازی یک‌بعدی و دو‌بعدی مورد توجه قرار گرفته و ویژگی‌های آن تشریح شده است. علاوه بر آن مدل‌های جمع‌پذیر^۶ که از زمره فنون هموارسازی است برای ارائه دیداری داده‌ها و نمایش‌های مصورسازی شده معرفی شده‌اند. از دیگر مباحث مفید این بخش باید به بحث مصورسازی داده از طریق ماشین‌های شالوده^۷ اشاره کرد. روش‌های تصویرسازی اصلی در این رابطه با تکیه بر فرمول‌های آماری مطرح شده و انواع گراف‌های آن توضیح داده شده است. از دیگر موضوع‌های بیان شده در این بخش می‌توان به تحلیل خوشه‌های مصورسازی شده و مدل‌های ترکیبی^۸ اشاره کرد. در ادامه مجموعه‌های داده به همراه نرم‌افزار پشتیبانی آن معرفی شده و انواع تحلیل خوشه‌های مصورسازی بیان شده است. در ادامه جدول‌های احتمالی^۹ مصورسازی با توجه به فنون خاص آن بر اساس محاسبات آماری روش‌های منتخب توضیح داده شده است. همچنین

-
1. Multivariate Visualization
 2. Structured sets of graphs
 3. Interpretable model
 4. Propagation-separation methods
 5. Smoothing
 6. Additive models
 7. Kernel machine
 8. Mixture models
 9. Contingency tables

طرح‌ریزی تکه‌ای^۱ و متغیرهای آن و نیز هماهنگ‌سازی موازی مصورسازی در ارتباط با اکتشاف و رده‌بندی آن در حوزه داده‌چندبُعدی مورد بررسی قرار گرفته است. مصورسازی جدولی^۲ مبحث دیگری از کتاب است که به ابعاد و ویژگی‌های آن پرداخته است. مصورسازی مرتبط با تحلیل داده و برنامه‌ریزی مصورسازی داده‌های آماری با بهره‌گیری از زبان جاوا^۳ از دیگر مباحث مطرح شده در این بخش کتاب است. و در نهایت نیز گرافیک‌های آماری وب‌مدار^۴ که با بهره‌گیری از فناوری ایکس.ام.ال.^۵ مورد استفاده قرار می‌گیرند معرفی و تحلیل شده‌اند.

بخش چهارم کتاب به کاربردهای گزیده اختصاص یافته است. در این بخش می‌توان آثار و نتایج فعالیت‌های مصورسازی را به‌صورت کاربردی مشاهده کرد. ویژگی این فصل معرفی برخی از انواع مهم کاربردهای مصورسازی است که می‌تواند در فعالیت‌های حرفه‌ای و تخصصی مورد بهره‌گیری قرار گیرد. مصورسازی بازسازی شبکه‌های تکوینی^۶ یکی از فواید و نتایج فنون مصورسازی داده است که با بهره‌گیری از مبانی آماری به انجام می‌رسد. در این روش مدل‌ها و خوشه‌های مصورسازی شده در کنار رویکردهای خاص هر یک مورد بررسی قرار گرفته و کاربردهای آن بیان شده است. یکی از موضوع‌های مهم مطرح شده در این رابطه، بحث رویکرد شناختی در قالب یک الگوی علمی است که می‌تواند برای درک بهتر موثر واقع شود. از دیگر کاربردهای سودمند که در این بخش به آن پرداخته شده، مبحث تحلیل تصاویر پزشکی است که با معرفی فناوری مصورسازی قالب‌های

-
1. Mosaic Plots
 2. Matrix visualization
 3. Java Language
 4. Web-based statistical graphics
 5. XML Technologies
 6. Visualization for Genetic Network Reconstruction

دیداری و ساختار تصاویر پدیدآمده همراه است. تصاویر فراصوت^۱ با معرفی سازه‌های ترکیبی آن در ارتباط با تحلیل آماری مربوط به آن از مباحث مهم این بخش محسوب می‌شود. در ادامه گرافیک‌های اکتشافی مربوط به مجموعه داده‌های اطلاعات مالی^۲ مطرح شده و توصیف مناسبی از وضعیت داده‌های آن و نیز گرافیک‌های کاربردی در کنار شیوه‌های مصورسازی ارائه شده است. یکی دیگر از کاربردهای مهم مصورسازی که مورد بهره‌گیری تجاری قرار گرفته است، کاربرد مصورسازی داده‌های موجود در حراجی‌های پیوسته ای‌بی^۳ است که با توجه به فعالیت آن و راهبردهای موثر تصویری فنون مصورسازی به کار رفته، توضیح داده شده است. ابزارهای مصورسازی فرایندهای خطرپذیری بیمه که در ارتباط با نرم‌افزارهای خاص آن مورد استفاده قرار می‌گیرد، از دیگر مباحث این بخش محسوب می‌شود. کتاب همچنین دارای نمایه موضوعی است و بهره‌گیری از موضوع‌های متعدد از این طریق تسریع شده است.

● این شیوه معرفی، مفصل است. در ابتدا بخش‌های کتاب معرفی شده و سپس زیر بخش‌ها توضیح داده شده است. عناوین به صورت مدون در قالب یک تقسیم‌بندی متوازن مطرح شده‌اند. سعی بر آن بوده که تحلیلی در این قسمت ارائه نشود و صرفاً بخش‌ها و فصول معرفی شوند. البته همانطور که مشاهده می‌شود، تحلیل‌های نسبتاً رقیقی نیز بیان شده که کاملاً کوتاه است. نظیر معرفی کوتاه اولیه بخش چهارم. شیوه‌ی دیگری که در مقابل این روش قرار دارد، معرفی مختصر

-
1. Ultrasound Images
 2. Financial Dataset
 3. eBay's Online Auctions

است. در آن شیوه، بخش‌ها و فصل‌ها به کوتاهی معرفی می‌شود و معمولاً تلاش بر آن است که حتی تحلیل‌های مختصر نیز ارائه نشود.

تحلیل و بررسی اثر

این کتاب سومین جلد از مجموعه دستنامه آمار محاسباتی است که به موضوع مصورسازی داده اختصاص یافته است. در واقع اثر یک منبع نوین، روزآمد و جامع در حوزه مصورسازی داده است که با تکیه بر دانش متخصصان خبره مصورسازی، به فناوری‌های نوین کاربردی و روش‌شناسی‌های معتبر در این زمینه پرداخته است. جامعیت مطالب قابل توجه است، به گونه‌ای که حجم بالایی از موضوع‌های تخصصی مصورسازی در این اثر گنجانده شده است. شیوه‌ها و روش‌های خاص تصویرسازی داده، در کنار اصول نظری و مبانی مهم آن، و نیز کاربردهای خاص این زمینه موضوعی با توجه به روش‌شناسی‌های حرفه‌ای، سبب شده تا یک دستنامه به مفهوم واقعی کلمه در دسترس خوانندگان قرار گیرد. گستردگی مطالب تخصصی در ارتباط با فنون مصورسازی داده از یک سو به محاسبات آماری و رایانه‌ای مربوط می‌شود و از سوی دیگر فنون و روش‌های نمایش گرافیکی داده را پوشش می‌دهد. ویژگی‌های فنی هر یک در جای خود به خوبی تشریح شده و ابعاد و ویژگی‌های آن بیان شده است. با توجه به زمینه موضوعی مصورسازی و طرح و بیان فناوری‌های کاربردی و فنون عملیاتی در این حوزه که با مباحث آن پیوندی استوار دارد، بررسی فناوری‌های نوین و تشریح برون‌دادهای تصویری موجود در این عرصه، از زمره ویژگی‌های مطلوب و مهم کتاب محسوب می‌شود. از این منظر، اثر هم به ابعاد کاربردی این زمینه پرداخته و هم به میزان قابل ملاحظه‌ای فعالیت‌های پژوهشی جدید را نیز پوشش داده است. نگارش فنی و بیان نکته‌های حرفه‌ای به همراه تبیین ویژگی‌های مهم ابزارهای مورد

استفاده در حوزه مطالعاتی مصورسازی داده از زمره نکاتی است که به قوت اثر افزوده است. زبان کتاب با مهارت‌های متخصصان رایانه و آمار همگونی دارد و توضیح مطالب به زبان ریاضی مطالعه آن را خاص متتهیان (متخصصان خبره) ساخته است و لذا بهره‌گیری مبتدیان از این اثر نامیسر است. نگارش سطح بالای کتاب از آن متنی به‌غایت علمی پدید آورده که در برخی موارد حتی افراد کارآزموده نیز نیازمند مشاوره با صاحب‌نظران سطح بالا هستند.

بهره‌گیری از راهبردهای دیداری برای توضیح مطالب و نشان دادن اجزای آنها در این منبع به‌شیوه‌ای مطلوب به‌کار گرفته شده است. در واقع به‌کارگیری ۵۶۹ تصویر و ۵۰ جدولی که در شرایط مناسب طراحی و ارائه شده‌اند، در بیان مطالب و تشریح مباحث تاثیر به‌سزایی دارند و منجر به غنای اثر شده‌اند. در واقع یکی از مواردی که مولفان در این منبع به‌کار گرفته‌اند، شیوه تصویرسازی مفاهیم برای تشریح و توضیح مبانی مصورسازی داده است و این خود قوت فنون و روش‌های مصورسازی داده را به اثبات می‌رساند.

معرفی روش‌ها و فنون مصورسازی حیطه گسترده‌ای از مطالب کتاب را در بر می‌گیرد. انواع فنون مصورسازی داده با توجه به نوع داده، در قالب‌های مختلف، به‌خصوص داده‌های چندبُعدی که از کاربرد بیشتری نیز برخوردار هستند، توانسته است به جامعیت بیشتر مطالب یاری رساند. انواع فنون جدیدی که بیشتر در محیط‌های علمی کاربرد دارند و روش‌هایی که پس از طراحی توسط متخصصان در قالب‌های آماده و متون درسی به نمایش درمی‌آیند، و یا در همایش‌ها از کاربردهای فنی آنها بهره گرفته می‌شود، توانسته‌اند حجم قابل ملاحظه‌ای از اثر را در بر بگیرند. ساختار کتاب با پیچیدگی و دشواری در تبیین مفاهیم و گزاره‌های آماری و محاسباتی پیوند یافته است. از این منظر در چارچوب بیان موضوع‌های مختلف بهره‌گیری از اصطلاحنامه‌های تخصصی اجتناب‌ناپذیر است.

توجه به کاربردهای مصورسازی در فعالیت‌های حرفه‌ای از ویژگی‌های خوب کتاب به‌شمار می‌آید. به‌خصوص عنایت به فناوری‌های نوین و کاربردهای تخصصی در حوزه‌های مختلف که نوآوری‌ها و سودمندی‌های حرفه‌ای را معرفی می‌کند. در این ارتباط برخی از زمینه‌های کاربردی در محیط شبکه معرفی شده است که می‌تواند برای فعالیت‌های علمی مفید باشد. همچنین معرفی فنون و فناوری‌هایی که در حوزه‌های پزشکی، بهداشتی و شاخه‌های وابسته به آن مورد استفاده قرار می‌گیرد، امروزه از اهمیت بالایی برخوردار است و به‌همین دلیل در فنون مصورسازی نوین به آن پرداخته شده است. از دیگر کاربردهای نوین معرفی شده که دارای ارزش و اعتبار به‌سزایی است، می‌توان به بهره‌گیری مصورسازی در حوزه‌های تجاری و بیمه اشاره کرد با ابزارهای حرفه‌ای آن مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. این فنون عمدتاً در ارتباط با مصورسازی تحلیل داده بوده و بررسی‌های عمیقی در زمینه‌های حرفه‌ای آن انجام پذیرفته است.

از دیگر ویژگی‌های کتاب آن است که در تدوین و تنظیم مطالب، از متخصصان و خبرگان برجسته مصورسازی یاری گرفته شده است. همکاری شصت و پنج متخصص برجسته از دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی معتبر جهان در تدوین اثر، با توجه به حجم مطالعات انجام شده در مبحث مصورسازی داده، به استواری و استحکام بیشتر کتاب منجر شده است. به‌ویژه آنکه هر یک از آنان در شاخه‌های مختلفی از موضوع مصورسازی دارای آثار علمی هستند. همچنان که پیشتر بیان شد، طرح دستاوردهای نوین مصورسازی و پیشرفت‌های حرفه‌ای این حوزه در چارچوب مفاهیم آماری توضیح داده شده است. از این منظر نویسندگان تلاش کرده‌اند تا ارتباط تنگاتنگ آمار محاسباتی و گرافیک رایانه‌ای و فنون تصویرسازی داده را ترسیم کنند.

همچنین باید به ویژگی دیگر این کتاب اشاره کرد که مباحث نظری در کنار کاربردهای عملی دارای توازن و تعادل مطلوبی است. همچنان که روش‌ها، فنون و ابزارهای ویژه مصورسازی معرفی شده، مبانی نظری و پایه این حوزه نیز در چارچوب‌های علمی بیان شده است. گرافیک‌های نوینی که منشاء تفسیر و تشریح سودمند اطلاعات هستند در درون مباحث مربوط به آمار محاسباتی و تحلیل داده بیان شده‌اند.

در پایان هر یک از زیربخش‌های کتاب، منابع اطلاعاتی مورد استفاده معرفی شده است. حجم منابع ارائه شده در این کتاب بسیار زیاد و قابل عنایت است، به گونه‌ای که می‌توان اظهار داشت مطالعه مراجع خود در حکم یک اثر کتابشناسی می‌تواند مطرح باشد. از این نظر دسترسی به متون تخصصی مصورسازی از طریق استندهای موجود، یکی از نقاط قوت و مثبت کتاب به‌شمار می‌آید. معرفی آثار جدید و روزآمد، به همراه منابع پیوسته در محیط وب حجم بالایی از منابع حرفه‌ای در حوزه مصورسازی رایانه‌ای را پوشش داده است. این منابع از نظر اعتبار علمی و فنی در سطح کاملاً تخصصی قرار دارند و می‌توان از آنها در فعالیت‌های پژوهشی به‌نحو مطلوبی بهره گرفت. بخش‌بندی کتاب با توجه به روش سلسه‌مراتبی شماره‌گذاری بازیابی هر فقره اطلاعاتی را آسان می‌سازد و با شیوه شماره‌گذاری ارتباط هر یک از مطالب با یکدیگر حفظ شده است.

از آنجاکه مصورسازی داده، به‌ویژه در ارتباط با مفاهیم علمی و زمینه‌های تخصصی، نیاز به تصویرسازی و الگوهای عملی دارد، و از طرفی نقش موثر رنگ در مبانی مصورسازی، نداشتن تصاویرهای رنگی زیاد یکی از مسائلی است که می‌تواند کیفیت اثر را تا حدودی تحت تأثیر قرار دهد. البته تعداد کمی از تصاویر رنگی در این کتاب به‌کار برده شده که برای برآورده ساختن

این منظور قابل توجه نیست. در واقع با توجه به ویژگی‌های مثبت کتاب، این مورد می‌توانست به قوت بیشتر اثر منجر شود.

استفاده از کتاب، به‌خصوص برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی رایانه، تحلیل داده، کاربرد ریاضی در رایانه، و آمار محاسباتی می‌تواند حاوی مطالب علمی و سودمند باشد و همچنین مهارت‌های مختلفی را در حوزه گرافیک پیشرفته رایانه پشتیبانی می‌کند. از سوی دیگر کسانی که در حوزه مصورسازی داده به فعالیت حرفه‌ای اشتغال دارند، می‌توانند از روش‌های موثر آن در تحلیل آمار محاسباتی و تصویرسازی رایانه‌ای بهره‌گیرند. از دیگر سو برخی از کتابداران علاقه‌مند به‌خصوص در عرصه طراحی رابط کاربر با مفاهیم مصورسازی داده ارتباط دارند که می‌توانند از اطلاعات این اثر در مشاوره برای طراحی بهینه رابط کاربر و یا شیوه‌های آموزشی از طریق فعالیت مصورسازی بهره‌گیرند. طبیعی است که کتابداران باید با مفاهیم پایه و مبانی مصورسازی آشنا باشند تا بتوانند از حیطه‌های مختلف اثر بهره‌گیرند.

● این قسمت در واقع مهم‌ترین بخش نقد است. زیرا تحلیل اصلی متن اثر در اینجا انجام شده و ویژگی‌های مهم متن بیان شده است. کتاب یکی از آثار معتبر در حوزه مصورسازی است که توسط ناشری شناخته‌شده و حرفه‌ای منتشر شده؛ علاوه بر آن، متخصصان مشهوری در تدوین اثر نقش داشته‌اند. در واقع، دقت و وسواس علمی نویسندگان سبب شده که متنی منقح و بی‌بدیل تهیه شود. در طول بررسی، مشخصه‌های متنوع متن بیان شده و ابعاد و جنبه‌های آن تشریح شده است. نظیر تاثیرگذاری، جامع‌نگری، روزآمدی، میزان کاربردی بودن متن و در بخش پایانی نیز ضعف کتاب از دیدگاه ناقد بیان شده است.

● نکته مهمی که باید در اینجا به آن اشاره کرد، آن است که کتاب از جمله آثار است که جایگاه والایی در حوزه تخصصی مصورسازی داشته و از

اعتبار بالایی نیز برخوردار است. بسته به نوع منبع، نقاط قوت و ضعف می‌تواند متغیر باشد.

نتیجه‌گیری

کتاب دستنامه مصورسازی داده را می‌توان یکی از منابع مفید و سودمند این حوزه مطالعاتی معرفی کرد. این اثر در نوع خود بی‌نظیر بوده و با توجه به رسالتی که از آن انتظار می‌رود، به‌خوبی توانسته است به هدف خود نائل شود. جامع‌نگری، اعتبار و ارزش اطلاعات ارائه شده در آن غیرقابل انکار بوده و اعتبار ناشر، نویسندگان و نیز تلاش گروهی متخصصان توانسته است اثری درخور و شایسته ارائه دهد. روزآمد بودن مطالب و توجه به ابعاد مختلف حوزه مصورسازی، کتابی مرجع پدید آورده که در فعالیت‌های عملی مصورسازی داده در شاخه‌ها و رشته‌های متنوع علمی و فنی کاربرد دارد. همچنین این اثر می‌تواند منبعی مهم برای انجام پژوهش‌های مصورسازی به‌حساب آید. با توجه به اینکه کتابداران و اطلاع‌رسانان در حوزه‌های متنوع علمی، فنی، آموزشی و پژوهشی همکاری دارند و پشتیبانی از فعالیت‌های نامبرده را به‌عهده می‌گیرند، آشنایی آنان با مباحث مصورسازی داده می‌تواند حاوی نکته‌های ارزشمندی در کارکرد حرفه‌ای آنان باشد. زیرا کتابداران در بهره‌گیری از پایگاه‌های اطلاعاتی و محیط وب از رابط کاربرهای متنوعی استفاده می‌کنند و یکی از کاربردهای مصورسازی داده در ارتباط با طراحی رابط کاربر است و آشنایی با این مباحث می‌تواند در مشاوره و پیشنهاد برای به‌کارگیری مناسب تصاویر، نمادها و نگاره‌های تصویری در طراحی و تدوین رابط کاربرهای مطلوب تاثیرگذار باشد. از سوی دیگر کتابداران نیز همچون دیگر کارشناسان آموزشی و پژوهشی می‌توانند در فعالیت‌های حرفه‌ای خود از امکانات مصورسازی برای ارتقای سطح خدمات استفاده کرده که آشنایی با این

مباحث برای آنان سودمندی‌های حرفه‌ای به همراه خواهد داشت. بهره‌گیری از این منبع ارزشمند به تمامی متخصصان و علاقه‌مندان به این حوزه موضوعی پیشنهاد و توصیه می‌شود.

- نتیجه‌گیری می‌تواند با جمع‌بندی کوتاه، باعث یکپارچگی بیشتر نقد شود. این بخش بیشتر از جنبه حفظ انسجام فکری خواننده و ثبات مطالب اهمیت دارد. علاوه بر آن، خلاصه‌ای از کلیت نقد را ارائه می‌دهد که در برخی مواقع می‌تواند اطلاعات اولیه برای خواننده در بر داشته باشد.
- نکته: این سبک از نگارش نقد ممکن است برای برخی از ناقدان چندان مورد عنایت نباشد. چنانچه در متون تخصصی، نقدهایی مشاهده می‌شود که به صورت یکپارچه و بدون بخش‌بندی ارائه شده‌اند.

منابع

1. Agutter, Jim. Bermudez, Julio (2005) *Information visualization design: The growing challenges of a data saturated world*. AIA Report on university research. Available: www.aia.org/SiteObjects/files/Agutter_color.pdf [Accessed: 20, Sep, 2006]
2. Chen, Chaomei (1999). *Information visualization and virtual environments*. London: Springer-verlag
3. Chen, Chun-houh (2008) [C.V.] available: <http://gap.stat.sinica.edu.tw/Chunhouh/index.htm> [Accessed: 15, Oct., 2008]
4. Unwin, Antony [C.V.] available: <http://rosuda.org/~unwin/> [Accessed: 15, Oct., 2008]
5. Hetzler, Elizabeth and Turner, Alan (2004) Analysis Experiences Using Information *Visualization*. IEEE Computer Graphics and Applications. September/October. Available: infoviz.pnl.gov/pdf/analysis-experiences-information.pdf [Accessed: 20, Sep, 2006]
6. Keim, Daniel A. (2002) *Information Visualization and Visual Data Mining*. IEEE Transactions on Visualization and Computer Graphics, Vol. 7, No. 1, January-March. Available:

www.aialab.si/blaz/predavanja/ozp/gradivo/2002-Keim-Visualization%20in%20DM-IEEE%20Trans%20Vis.pdf [Accessed: 20, Sep, 2006]

7. Moody, James. McFarland, Daniel. Bender-deMoll, Skye (2005) *Dynamic Network Visualization1*. *AJS*, Volume 110, Number 4 (January): p.1206–1241.

8. Munzner, Tamara (2002) *Information Visualization*. IEEE Computer Graphics and Applications, January/February. Vol. 22, No. 1, P. 2-3

9. Putz, Werner (2005) *The Hierarchical Visualization System: A General Framework for Visualizing Information Hierarchies Using the Example of Information Pyramids*. Austria: Graz University of Technology, Institute for Information Systems and Computer Media (IICM), [Master's Thesis].

10. *Wolfgang Härdle* (2008) [C.V.] available:
<http://lehre.wiwi.hu-berlin.de/Professuren/quantitativ/statistik/members/personalpages/wh>
[Accessed: 15, Oct., 2008]

● منابع باعث استحکام متن و اعتبار بیشتر آن می‌شود. ضمن آنکه هر گونه استنادی در متن، تقویت بنیه علمی آن را به همراه داشته و تضمینی برای قوت اثر به شمار می‌آید. علاوه بر آن، امکان مطالعه بیشتر خواننده را نیز مهیا می‌سازد تا چنانچه مایل باشد به آنها مراجعه کرده و در زمینه مورد نظر به بررسی بپردازد. در ارتباط با مقاله-نقد، استناد به تعداد بیشتری از منابع علمی برای استحکام قوت متن، توصیه می‌شود.

منابع

منابع

- احمدی، بابک (۱۳۸۵) *ساختار و تاویل متن*. تهران: نشر مرکز.
- اسلامی، حسن (۱۳۸۳) *اخلاق نقد*. قم: دفتر نشر معارف.
- اوجبی، علی (۱۳۸۸) *عیار نقد: مجموعه مقالاتی در حوزه مبانی نظری نقد به قلم گروهی از نویسندگان*. تهران: خانه کتاب.
- باران، بیژن (۱۳۸۶) *نکاتی در باره نقد ادبی*. قابل دسترس در:
<http://www.shafighi.com/forum/showthread.php?t=6275>
- برگر، پیتل ل؛ لوکمان، توماس (۱۳۷۵) *ساخت اجتماعی واقعیت: رساله‌ای در جامعه‌شناسی شناخت*. ترجمه فریبرز مجیدی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- بلزی، کاترین (۱۳۸۴) *عمل نقد*. ترجمه عباس مخبر. تهران: نشر قصه.
- پالمر، ریچارد. ا. (۱۳۸۲) *علم هرمنوتیک: نظریه تاویل در فلسفه شلایر ماکسر دیلتای، هایدگر، گادامر*. ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی. تهران: هرمس.
- پک، جان؛ کویل، مارتین (۱۳۸۲) *روش مطالعه ادبیات و نقدنویسی*. ترجمه سرور السادات جواهریان. تهران: مروارید.
- پوپر، کارل ریموند (۱۳۷۵ الف) *جهان باز: برهانی در تایید نامعین‌گیری*. جزء دوم از پی‌نوشت بر منطق اکتشاف علمی. ترجمه احمد آرام. تهران: سروش

- پوپر، کارل ریموند (۱۳۷۵ب) *حدس‌ها و ابطال‌ها: روش شناخت علمی*، ترجمه احمد آرام. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- پوپر، کارل ریموند (۱۳۷۴) *شناخت عینی: برداشت تکاملی*. ترجمه احمد آرام. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- پیری، دیوید (۱۳۸۳) *چگونه نقد بنویسیم؟ (روش نوین نگارش رساله، نقد دانشگاهی، نقد تطبیقی و نقد هرمنوتیک و انواع نقد)*. ترجمه منیره احمد سلطانی. تهران: نشر روزگار.
- تادیه، ژان ایو (۱۳۷۸) *نقد ادبی در قرن بیستم*. ترجمه مهشید نونهالی. تهران: نیلوفر.
- داوری‌اردکانی، رضا (۱۳۸۸) *چیستی نقد*. در: اوجبی، علی (۱۳۸۸) *عیار نقد: مجموعه مقالاتی در حوزه مبانی نظری نقد به قلم گروهی از نویسندگان*. تهران: خانه کتاب.
- درودی، فربرز (۱۳۸۵) *سخنی در باب نگارش‌های انتقادی: همراه با شرحی مختصر پیرامون آراء کارل پوپر در باره نقد منابع اطلاعاتی*، فصلنامه کتاب، شماره ۶۸، ص ۲۷۹-۲۸۸.
- درودی، فربرز (۱۳۸۷) *عوامل موثر در نقد و بررسی کتاب*. فصلنامه کتاب، شماره ۷۵، ص ۱۷۳-۱۸۴.
- درودی، فربرز (۱۳۸۹) *مقاله-نقد: چارچوبی برای ارائه اطلاعات سودمند و کارآمد*. کتاب ماه کلیات، شماره ۱۴۹، ص ۶۸-۷۴.
- درودی، فربرز (۱۳۹۰) *نکته‌هایی در آسیب‌شناسی نقد منابع اطلاعاتی*. کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۳۷، ص ۴-۱۵.
- درودی، فربرز (۱۳۹۱) *تحلیلی بر تبیین نقد منابع اطلاعاتی*. فصلنامه علمی و پژوهشی مطالعات ملی کتابداری و سازماندهی اطلاعات. شماره ۲، ص ۸۰-۱۰۰.
- دست‌غیب، عبدالعلی (۱۳۷۸) *در آئینه نقد*. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، حوزه هنری.

- ده بزرگی، غلامحسین (۱۳۸۴) *نکته هایی از نقد ادبی* تهران: زوار.
- رایشنباخ، هانس (۱۳۷۱) *پیدایش فلسفه علمی*. ترجمه موسی اکرمی. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ریچاردز، آی. ا. (۱۳۷۵) *اصول نقد ادبی*. ترجمه سعید حمیدیان. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۴) *آشنایی با نقد ادبی*. تهران: سخن.
- زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۷۸) *نقد ادبی: جستجو در اصول و روش ها و مباحث نقادی با بررسی در تاریخ نقد و نقادان*. تهران: سخن.
- سخنور، جلال (۱۳۷۹) *نقد ادبی: شامل ده ترجمه و مقاله*. تهران: رهنما.
- شمیسا، سیروس (۱۳۸۵) *نقد ادبی*. تهران: میترا.
- فرای، نورتروپ (۱۳۷۷) *تحلیل نقد*. ترجمه صالح حسینی. تهران: نیلوفر.
- فرزاد، عبدالحسین (۱۳۸۱) *در باره نقد ادبی*. تهران: نشر قطره.
- کاسیرر، ارنست (۱۳۸۲) *فلسفه روشنگری*. مترجم یدالله موقن. تهران: نیلوفر.
- گرین، ویلفرد، و دیگران (۱۳۸۵) *مبانی نقد ادبی*. ترجمه فرزانه طاهری. تهران: نیلوفر.
- مجتهدشبهستری، محمد (۱۳۸۱) *هرمنوتیک، کتاب و سنت؛ فرایند تفسیر وحی*. تهران: طرح نو.
- منصورنژاد، محمد (۱۳۸۴) *پیش درآمدی بر چیستی نقد (تأملی بر تعریف، اقسام، قواعد، عوامل، و ... نقد و انتقاد)*. تهران: جوان پویا.
- نصری، عبدالله (۱۳۸۱) *راز متن: هرمنوتیک، قرائت پذیری متن و منطق فهم دین*. تهران: آفتاب توسعه.
- واعظی، احمد (۱۳۸۰) *درآمدی بر هرمنوتیک*. تهران: موسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- ولک، رنه (۱۳۷۳) *تاریخ نقد جدید*. ترجمه سعید ارباب شیرانی. تهران: نیلوفر.

هال، ورنن (۱۳۷۹) *تاریخچه نقد ادبی*. ترجمه هادی آقاجانی، محمد فروزانی، فرید پروانه. تهران: رهنما.

همپل، کارل گوستاو (۱۳۸۰) *فلسفه علوم طبیعی*. ترجمه حسین معصوم همدانی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

Belcher, Wendy (2010) Writing the Academic Book Review. Available:

http://www.chicano.ucla.edu/press/siteart/jli_bookreviewguidelines.pdf [Accessed: 16, Aug., 2010]

Bradford, James C. (1997) *Guide to Writing Book Reviews*.

Available:

<http://people.usd.edu/~tschorn/BookReview.pdf> [Accessed: 16, Aug., 2010]

The Cambridge history of literary criticism (1993-2007) Cambridge, UK ; New York : Cambridge University Press, Vol. 1

Grande Prairie Regional College [Website] . *How to Write a Book Review*.

Available:

<http://www.gprc.ab.ca/library/Homepage/Help%20With/LSC/LSC%20pdfs/Writing%20a%20Book%20Review.pdf> [Accessed: 16, Aug., 2010]

Habib, Rafey (2005) *A history of literary criticism : from Plato to the present*. Malden, Mass. : Blackwell Pub.

Habib, Rafey (2008) *Modern literary criticism and theory: a history*. Malden, MA: Blackwell Pub.

Harpham, Geoffrey Galt (2006) *The character of criticism*, New York: Routledge,

Mort, Pam; Lyn Hallion and Tracey Lee Downey (2005) *Writing a Critical Review*. Available:

http://www.lc.unsw.edu.au/onlib/pdf/critical_review.pdf [Accessed: 16, Aug., 2010]

Notturmo, M.A.(2000) *Science and the open society; the future of Karl Popper's philosophy*. Budapest: Central European Press.

Queen's University [website] (2004) *Writing critical Book Reviews*. Available: www.queensu.ca/writingcentre [Accessed: 16, Aug., 2010]

Parfitt, Jo (2007) *How to Write a Book Review*. Available: <http://bookshaker.com/hitlist/bookreview.pdf> [Accessed: 16, Aug., 2010]

Popper, K.R.(1992) *On the so-called sources of knowledge. In: Popper, K.R. In search of a better world.* London: Routledge.

Popper, K.R.(1987) *On the theory of democracy.* Originally printed in Der Spiegel, 3 August. Reprinted in English translation in: . Popper, K.R.(1987) *all life is a problem. Problem solving.* Translated by Camiller, P. London: Routledge.

Popper, K.R.(1966). *The open society and its enemies.* 5th edition. London: Routledge and Kegan Paul. V. 2.

Powers, Shelley (2006) *Writing the Book Review.* Available: <http://projects.uwc.utexas.edu/handouts/files/BookReview.pdf> [Accessed: 16, Aug., 2010]

Procter, Margaret [Reviewer] (1999) *The Book Review or Article Critique.* Available: [http://www.writing.utoronto.ca/advice/specific-types-of-writing /book-review](http://www.writing.utoronto.ca/advice/specific-types-of-writing/book-review) [Accessed: 16, Aug., 2010]

Robinson, Lyn, Bawden, David (2001). *Libraries and open society; Popper, Soros and digital information.* Aslib Proceedings. Jun, Volume: 53 Issue: 5 P: 167 - 178

Swanson, Dennis M. (2002?) *Appreciating and Writing Book Reviews*

<http://www.narnia3.com/students/reviews.pdf> [Accessed: 16, Aug., 2010]

Todorov, Tzvetan (1973) *Poétique.* Paris : éditions du Seuil

University of manitoba [Website] (2006) *Suggestions for Writing Book Reviews.* Available: <http://guides.lib.umanitoba.ca/node/832> [Accessed: 16, Aug., 2010]

University of Washington [website] (2001) guidelines for Writing a Book Review. Available:

<http://depts.washington.edu/histwrit/pdf/bkreview.pdf> [Accessed: 17, Aug., 2010]

فهرست برخی از کتاب‌های منتشره جشنواره نقد کتاب

- /ارمغان نقد؛ احد فرامرز قراملکی و همکاران؛ تهران: خانه کتاب، مهر ۱۳۹۰.
- /از دریچه نقد (گفتارها و جستارهای انتقادی ادبی عبدالعلی دست‌غیب)؛ به کوشش علیرضا قوجه زاده؛ تهران: خانه کتاب؛ آبان ۱۳۸۶.
- /اصول و شیوه‌های نقد/ادبی؛ ترجمه محمد باهر؛ تهران: خانه کتاب، آبان ۱۳۸۹.
- /پژوهش در آینه اخلاق؛ نادیا مفتونی؛ تهران: خانه کتاب، ۱۳۹۱.
- /عیار نقد (دفتر اول)؛ به کوشش علی اوجبی؛ تهران: خانه کتاب، ۱۳۸۸.
- /عیار نقد (دفتر دوم)؛ به کوشش علی اوجبی؛ تهران: خانه کتاب، آبان ۱۳۸۹.
- /نقد ادبیات منطبق با حقیقت؛ کامران پارسی نژاد؛ تهران: خانه کتاب، ۱۳۸۷.
- /نقد برتر ۶ (مجموعه مقالات برگزیده چهارمین دوره جشنواره نقد کتاب)؛ زیر نظر دبیرخانه جشنواره نقد کتاب؛ تهران: خانه کتاب، ۱۳۸۹.
- /نقد برتر ۷ (مجموعه مقالات برگزیده چهارمین دوره جشنواره نقد کتاب)؛ زیر نظر دبیرخانه جشنواره نقد کتاب؛ تهران: خانه کتاب، ۱۳۹۰.
- /نقد تاریخی (دفتر اول)؛ به کوشش حبیب‌الله اسماعیلی، منیر قادری؛ تهران: خانه کتاب، مهر ۱۳۸۹.
- /نقد فلسفی (دفتر اول)؛ به کوشش علی اوجبی؛ تهران: خانه کتاب، مهر ۱۳۸۹.
- /نقد کتاب (گزیده مقالات کتاب ماه ادبیات - دفتر اول)؛ با مقدمه و نظارت احمد خاتمی؛ تهران: خانه کتاب، بهمن ۱۳۸۹.
- /نقد نقد (مجموعه مقالات گروهی از نویسندگان)؛ گردآوری سایر محمدی؛ زیر نظر دبیرخانه جشنواره نقد کتاب؛ تهران: خانه کتاب، ۱۳۸۳.